

تلنگر

شماره ویژه تیر و مرداد ۱۳۹۴ - پرونده هسته ای ایران

جنگ سی ساله خاورمیانه؟ / تئودور آدورنو: علیه لیبرالیسم،
علیه موسیقی جَز / درباره توافق هسته ای



هر آنچه سخت است و استوار
دود می شود و به هوا می رود

تلنگر

پرونده هسته ای و اقتصادی

صاحب امتیاز:

مرکز مطالعات لیبرالیسم

آدرس اینترنتی تلنگر:

<http://bamdadkhabar.com>/تلنگر

در این شماره می خوانید:

جنگ سی ساله خاورمیانه؟ / صفحه ۴

فراخوانی برای بیدار کردن وجدان‌ها: فلسطینیان انسان‌های واقعی هستند / صفحه ۱۷

اومانیسیم و لیبرالیسم دوران نوزایی اروپا و حقوقی شدن سیاست / صفحه ۲۱

ایران آن گونه که است تا جعل یک ایران خیالی / صفحه ۲۵

تئودور آدورنو: علیه لیبرالیسم، علیه موسیقی جَز / صفحه ۲۸

گفتگو با رها بحرینی، پژوهشگر سازمان عفو بین‌الملل: حسن روحانی برنامه و عزمی

برای بهبود حقوق بشر ندارد / صفحه ۳۲

نشانه‌ای از رشد در بورس تهران نیست / صفحه ۴۷

گفتگو با نماینده جامعه جهانی بهایی: حتی یک دانشجوی بهایی هم به دانشگاه بازنگشته

است / صفحه ۴۹

ایران و قتل در وین / صفحه ۶۷

اقتصاد ایران در مردادماه / صفحه ۷۲

جنگ سی ساله خاورمیانه؟



مارتین زاپفه

به نظر می‌رسد خاورمیانه در آستانه یک «جنگ سی ساله جدید» است که مشخصه آن از بین رفتن نظم منطقه‌ای، جدال بین برداشت‌های مذهبی و سکولار از سیاست داخلی و منطقه‌ای، و امکان بالقوه تشکیل ائتلاف‌های جدید و غیرمحمتمل است. به طور خلاصه در سال ۲۰۱۵ و بعد از آن، فقط آینده دولت‌های منطقه در خطر نیست، بلکه نفس مفهوم دولت در جهان عرب نیز در خطر است.

جنگی با شکل بسیار مدرن

طی دهه‌های گذشته در کمتر گزارشی راجع به دولت‌های واقع شده حذفاصل مصر و ایران، به وجود ثبات سیستماتیک و شرایطی به نفع منطقه اشاره شده است. با این حال سال ۲۰۱۴ که در آن شاهد بزرگ‌ترین تهدید علیه نظم منطقه - از زمان انقلاب ۵۷ ایران به بعد - بودیم، بطور ویژه سال بسیار سختی برای منطقه بود. در مرکز [این تهدید]، کشتار سوریه قرار دارد؛ شورشی که تبدیل به جنگ داخلی و سپس جنگ نیابتی در کشوری شد که دهه‌ها درگیر کشمکش‌های بسیاری بوده است اما درعین حال ثبات داخلی آن همیشه پیشفرض بود. اکنون بعد از بیش از سه سال رنج نامحدود و بیشتر از ۲۰۰ هزار کشته، این کشمکش به خارج از مرزهای سوریه و (دوباره) به خاک عراق کشیده شده است. با ظهور پدیده به اصطلاح «دولت اسلامی» (داعش)، پس از چندین دهه برای اولین بار، یک حزب توانسته با مخلوط کردن تعصب ایدئولوژیک با اراده و قدرت نظامی، یک برنامه تجدیدنظرطلبانه پیاده کند و مرزهای کشورهای منطقه را از بین ببرد. یا به بیان دقیق‌تر با تلاش برای از بین بردن مفهوم دولت به عنوان میراثی استعماری و ناخواسته، مرزهای کنونی را کلاً نابود کند. آینده داعش به



مارتین زاپفه مدیر تیم امنیت جهانی در مرکز مطالعات امنیتی زوریخ است. او مدرک دکترایش را در رشته علوم سیاسی از مرکز عالی دانشگاه کونستانس آلمان دریافت کرد



هیچ وجه معلوم نیست. در زمان نوشتن این مقاله، سقوط ناگهانی بخش‌های بزرگی از ناحیه‌ای که داعش در آن به انجام عملیات می‌پردازد امکان‌پذیر است. با این حال، وجود و موفقیت داعش تصادفی نیست، بلکه آشکارترین نشانه وجود جریان‌هایی است که نظم منطقه را تهدید می‌کنند.

همان‌طور که ناظران بسیاری گفته‌اند، خاورمیانه در معرض جنگی است که به دلایل زیادی می‌توان به آن نام «جنگ سی ساله جدید» داد. هسته اصلی بحث این مقاله نیز همین مطلب است: خطر کشیده شدن منطقه به کشمکش و وجود دارد که مشخصه آن از بین رفتن نظم منطقه، جدال بین برداشت‌های مذهبی و سکولار از سیاست داخلی و منطقه‌ای، و امکان بالقوه تشکیل ائتلاف‌های جدید و غیرمحمتمل است و همه این‌ها درون مرکزی اتفاق می‌افتد که خود در حال فروپاشیدن است. به طور خلاصه در سال ۲۰۱۵ و بعد از آن، تنها آینده دولت‌های منطقه در خطر نیست، بلکه نفس مفهوم دولت در جهان عرب نیز در خطر است.

برای پیش بردن بحث و مشخص کردن نتایج احتمالی آن، این بخش در دو قسمت ادامه خواهد یافت: اول سه مشخصه اصلی جنگ سی ساله را در نظر می‌گیریم تا تعییرات کنونی در منطقه را توصیف و تحلیل کنیم. دوم، به چند نتیجه احتمالی این تغییرات اشاره می‌کنیم. و در آخر این سوال را مطرح خواهیم کرد که: این نظریات چه معنایی برای چشم‌انداز صلح منطقه به همراه خواهند داشت؟ به کمک این دو قسمت، تحلیل ما فراتر از داعش و تهدید کنونی آن رفته و به تغییر سیستماتیکی نگاه می‌کند که در پی ظهور داعش به وجود آمد. تغییری که منجر به جنگ سی ساله شد.

نشانه‌های جنگ سی ساله جدید

پیتر. ایچ. ویلسن در اثر مهم خود، «تراژدی اروپا»، جنگ سی ساله (۱۶۱۸-۱۶۴۸) می‌گوید

که نزاع بر سر نظم سیاسی و مذهبی در اروپای مرکزی بود. این تعریف، اهمیت خود را برای تحلیل ما نشان می‌دهد: جنگ [سی ساله] نزاعی طولانی بود و نه یک جنگ «تمیز» و کوتاه. منازعه‌ای بود بر سر خود مفهوم «نظم» و نه فقط قدرت درون یک نظم. این جنگ، پویایی (دینامیزم) مذهبی و سیاسی را بهم آمیخت و در نهایت نه فقط تعداد مشخصی طرف متخاصم و چندین دولت، بلکه تمام ناحیه مرکزی یک قاره را در بر گرفت.

جنگ سی ساله حافظه تاریخی اروپا را شکل داده است؛ نه تنها به دلیل مدت و هزینه زیادش، بلکه حتی در همان زمان هم به نظر می‌رسید تبدیل به جنگی شده که خودبخود ادامه پیدا می‌کند، منطق خود را خلق می‌کند و از نظریه کارل فون کلاوس ویتز پیروی نمی‌کند. نظریه کلاوس ویتز که مدت‌ها بعد از جنگ سی ساله ارائه شد و چنانچه معمولاً فراموش می‌شود اساساً هنجاری است، اشاره به این دارد که جنگ ادامه سیاست با استفاده از ابزارهای دیگر است. جنگ سی ساله این منطق را برعکس کرد و بنابراین به منازعه‌ای تمثیلی تبدیل شد که در تضاد آشکار و منطقی با مدل جنگیدن «یک دولت با دولت دیگر» قرار گرفت که بعد از پیمان صلح وستفالی مرسوم شد. این نوع جنگ بعد از پیمان صلح وستفالی در سال ۱۶۴۸ بر اروپا حاکم شد و هنوز هم طرز فکر غرب راجع به سیاست داخلی را هدایت می‌کند. در ادامه، از سه مشخصه جنگ سی ساله برای تحلیل پیشرفت‌های کنونی در خاورمیانه استفاده خواهد شد: از بین رفتن نظم، منازعه میان تعصب فرقه‌ای و قدرت‌های سکولار، و بوجود آمدن یک اقتصاد جنگی خودکفا

از سایکس-پیکو تا سوراخ (سوریه+عراق)

جنگ سی ساله شاهد از بین رفتن مرکز سیاسی و جغرافیایی اروپا بود. امپراطوری مقدس روم که در ادبیات سیاسی امروزه به صورت ناکاملی توصیف شده است، درگیر جنگ داخلی شد. جنگی که شاهد از بین رفتن مرزها و درگیری آشکار

هرگز نمود واقعی نداشت. بنابراین، هرچند مرزهای بین دولت‌های عرب بسیار جدید هستند اما برای مدت زمانی حدود یک قرن، اساس نظم منطقه‌ای را تشکیل می‌دادند. [این مرزها] با اینکه توانایی جلوگیری از جنگ‌ها و درگیری‌ها را نداشتند، اما آن‌ها را درون محدوده تحت کنترل دولت نگه می‌داشتند. مرزهای ثابت و مشخص لازمه وجود توافقات صلح در منطقه است و اساس آن عهدنامه‌ها را تشکیل می‌دهد؛ عهدنامه‌هایی که برای‌شان هنوز جای امیدی باقی است. بنابراین تهدید مرزهای کنونی در مرکز جغرافیایی خاورمیانه به معنای تهدید نظم خواهد بود که تا به امروز توانسته برای منطقه صلح و ثبات به ارمغان بیاورد.

سوراق

در ژوئن ۲۰۱۴، سربازان داعش با هدایت یک بولدوزر انسانی توانستند در مرز عراق و سوریه نفوذ کنند، و با این کار نه تنها به صورت نمادین مرز کنونی این دو کشور بلکه مفهوم نظم در منطقه را تهدید کردند. بدین ترتیب داعش به برجسته‌ترین شکل این مشخصه جنگ سی ساله را به یاد ما می‌آورد: مرکزی که در حال از بین رفتن است و توسط قدرت‌های خارجی کنترل می‌شود.

هنگامی که طی یک حمله ناگهانی در اواسط سال ۲۰۱۴، شهر موصل عراق به اشغال نیروهای داعش درآمد ناظران بسیاری شگفت زده شدند، حال آنکه سوریه و عراق برای مدت طولانی بخش‌های غیررسمی منازعاتی مرتبط بودند. این منازعات چنان به هم مرتبط بودند که از دیدگاه تحلیلی و سیاست گزارانه می‌توان گفت عراق و سوریه با وجود تفاوت در سیاست برون‌رفت از جنگ، هر دو، میدان یک نبردند. در حقیقت، در زمان نگارش این مقاله، بخش عمده مرز بین عراق و سوریه از بین رفته است و مرزهای دیگر مانند مرز لبنان نیز احتمالاً به همین سرنوشت دچار خواهند شد. جریان رو به رشد گسیل پول و سلاح و سرباز و فرار پناهندگان، ستون‌های

برای حقوق و قلمرو و عناوین بود. جنگ همه اروپا را درگیر کرد، اما در خاک امپراطوری «آلمان» بیشتر و خشونت‌آمیزتر بود. سقوط قدرت‌های مرکزی خلایی را به وجود آورد که حداقل تا حدی توسط قدرت‌های باثبات، واحد و مصمم خارجی از جمله فرانسه، اسپانیا و سوئد پر شد. این قدرت‌ها با فرستادن ارتش‌های خود یا حمایت و تامین مالی نیروهای متحد، از منافع‌شان حفاظت می‌کردند. ممکن است چنین سرنوشتی در انتظار خاورمیانه نیز باشد: مرکزی که در حال از بین رفتن است و هم‌زمان میدان اصلی جنگ را تشکیل می‌دهد و دستاورد جنگ تلقی می‌شود. همچنین شدیداً تحت تاثیر قدرت‌های خارجی و برنامه‌های سیاسی و فرقه‌ای است. خاورمیانه امروزی ناحیه‌ای است که در غرب آن مصر، در شرق ایران و در شمال آن ترکیه قرار دارد و حاصل فروپاشی امپراطوری عثمانی پس از جنگ جهانی اول و نظم تصریح شده در قرارداد سایکس پیکو در سال ۱۹۱۶ است. در این قرارداد، قدرت‌های استعماری بریتانیا و فرانسه بدون توجه به وعده‌های سابق خود تصمیم گرفتند منطقه را به نواحی تحت نفوذ خود تقسیم کنند.

بدین ترتیب اغلب حدود و مرزهایی را بطور تصادفی بوجود آوردند. البته، مفهوم دولت‌های عربی هم به شکل امروزی بعد از سال ۱۹۱۶ و با زمینه‌ای استعماری به وجود آمد. مرکز جغرافیایی خاورمیانه - شام، اردن، عراق و عربستان سعودی - از دولت‌هایی تشکیل شده که نه تنها مرزبندی آن‌ها بلکه خود آن دولت‌ها هم پدیده‌هایی نوظهور هستند. برای نسل‌های بعدی رهبران اولیه خاورمیانه، ماهیت مصنوعی و استعماری این مرزها کاملاً مشخص بود و تلاش برای از بین بردن این مرزها هم قدمتی به اندازه خود این دولت‌ها دارد. طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ جنبش پان‌عربیسم، نیروی قدرتمندی برای تقویت وحدت مردم عرب بود و از طرفی هم اصول ایدئولوژیک به ظاهر سوسیالیستی را به خدمت می‌گرفت. با این حال وحدت عرب‌ها

قرارداد سایکس-پیکو را متزلزل می‌کند.

مدتی پس از آغاز جنگ در افغانستان، مقامات آمریکا در دولت باراک اوباما، برای اشاره به محل عملیات از عبارت «افپاک» استفاده می‌کردند تا نشان دهند که دینامیزم جنگ در افغانستان و پاکستان کاملاً مربوط بهم است. به همین ترتیب با وجود اینکه ممکن است بیش از حد ساده انگارانه به نظر برسد، اما تحلیلگران جنگ سوریه و عراق نیز بهتر است راجع به جنگ در «سوراق» صحبت کنند تا به چگونگی بوجود آمدن شرایط کنونی پی ببرند و از افتادن در دام اختلاط سیاست‌های دو کشور اجتناب کنند.

مرزهای باز: سربازان و پناهندگان

حتی در بیرون از «سوراق» هم، مرزها دیگر تاثیری در نگه داشتن و شکل دادن به کشورها نخواهند داشت در حالی که دولت‌ها در خطر از دست دادن آخرین ذره انحصار قدرت‌شان خواهند بود. نتیجه، جریان سهمگین و دوطرفه پناهنده و سرباز خواهد بود.

در جنگ سوراق بازیگران غیردولتی مختلفی حضور دارند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در طول جنگ سی ساله، با به خدمت گرفتن سربازان مزدور، اعمال خشونت به دست اشخاص سپرده شده بود. این خصوصی‌سازی خشونت نقش مهمی در طولانی شدن جنگ و همچنین چرخه فاجعه بار جنگ داشت. بوجود آوردن ارتش‌ها بسیار ساده‌تر از منحل کردن آن‌ها بود. به این دلیل که اولاً منحل کردن ارتش مزدوران نیازمند بودجه زیاد بود و به همین علت حفظ و راضی نگه داشتن آن‌ها بوسیله منابعی که از ادامه جنگ تامین می‌شد بسیار آسان‌تر بود. دوم، سال‌های طولانی جنگ، مردانی را بوجود می‌آورد که به جز جنگیدن کار دیگری نیاموخته‌اند و این مسأله بازگشت آن‌ها را به جامعه سخت‌تر می‌کرد. سوم، تلاش برای تاثیر گذاشتن بر جنگ از طریق ارسال پول به رهبران مزدور توان مداخله را

و تعداد گروه‌های درگیر و سود آن‌ها در جنگ را چند برابر می‌کرد. چنین ویژگی‌هایی در جنگ فعلی هم دیده می‌شود. در حقیقت بیشتر گروه‌های درگیر در جنگ سوریه، که تا فوریه ۲۰۱۴ تعداد آن‌ها ۱۵۰۰ گروه شورشی برآورد شده، وابسته به حمایت‌های بین‌المللی هستند که به صورت پول و نفقات و تجهیزات به آن‌ها داده می‌شود. بنابراین جنگ از اساس بین‌المللی است.

هجوم سربازان و پناهندگان

بعلاوه، یک ارتش «ملی» بلامنازع در سوریه و عراق وجود ندارد. در سوریه، ارتش ملی ابزار رژیم اسد تلقی می‌شود. خود رژیم هم وابسته به کمک‌های روسیه و حمایت نظامی مستقیم نیروهای حزب‌الله لبنان، مشاوران نظامی ایران و سایر شبه‌نظامیان شیعی است. این شبه‌نظامیان از گروه‌های سربازان خارجی تشکیل شده که معمولاً از عراق و ظاهراً ایران و پاکستان و افغانستان و یمن آمده‌اند. منابع مختلف، تعداد سربازان حزب‌الله را بین ۳ تا ۵ هزار و بعلاوه حدود ۵ هزار سرباز شیعه غیرسوری تخمین زده‌اند. همچنین، بنا به گزارش‌ها بین چند صد تا چندین هزار مشاور نظامی ایرانی نیز در منطقه جنگی حضور دارند. در این بین مخالفان سوری فاقد فرماندهی و ساختار کنترلی هستند. به همین دلیل به گفته گروه بین‌المللی بحران، حتی بزرگ‌ترین «گروه‌های» شورشی هم بیشتر شبیه به اتحاد موردی گروه‌های خودمختار است تا فرماندهی موثر نظامی. این گروه‌ها بیشتر درگیر مسایل مربوط به هماهنگی، رفع اختلافات حین عملیات مشترک و انعکاس خارجی منسجم هستند تا به وجود آوردن تشریک مساعی و وحدت فرماندهی. گروه‌های شورشی اصلی عبارتند از: ارتش آزاد سوریه (FSA) که از سربازان جدا شده از ارتش بشار اسد تشکیل می‌شود که یا سکولارند و یا از گروه‌های اسلام‌گرای میانه‌رو هستند؛ نام این گروه حکایت از یک ساختار سازمانی دارد که در واقعیت وجود خارجی ندارد؛ گروه‌های اسلام‌گرای افراطی مانند «جبهه اسلامی»

مجاهدین؛ و در نهایت گروه‌های جهادی مانند جبهه نصرت و داعش.

عراق هم مانند سوریه به حمایت خارجی وابسته است. ارتش عراق (IA) شدیداً وابسته به همکاری خارجی است، خصوصاً از طرف آمریکا که از تشکیل گردان‌های جدید عراقی در سال ۲۰۱۵ پشتیبانی کرد تا مناطقی را که هم اکنون در دست داعش است باز پس گیرد. یکی از نقاط قوت و امیدبخش ارتش عراق، توانایی آن در جمع آوری نیروهای مختلف است، چراکه عراقی‌ها ارتش را به شبه‌نظامیان فرقه‌ای، خواه سنی یا شیعه، ترجیح می‌دهند. با این حال ارتش عراق برای موفقیت در میدان نبرد هنوز به حمایت شبه‌نظامیان شیعی نیاز دارد. اکثر این شبه‌نظامیان یا از طرف ایران حمایت می‌شوند و یا روابط محکمی با سران کابینه نخست وزیر عراق، حیدر العبادی، دارند.

پیشمرگ‌های شمال عراق هم با حمایت نیروی هوایی آمریکا و آموزش و دریافت تجهیزات از طرف «ائتلاف داوطلبان» بین‌المللی که از سربازان هلندی و آلمانی و انگلیسی تشکیل می‌شود توانستند به شهرت نظامی برسند. در نهایت حضور مشاوران نظامی ایران در منطقه جنگی که ماموریت‌هایی غیرمعلوم دارند و همچنین حملات هوایی جنگنده‌های ایرانی نشان‌دهنده منافع تهران و همچنین نقشی است که تهران در هرگونه نتیجه جنگ خواهد داشت.

با شروع سال ۲۰۱۵، حمایت بازیگران خارجی جنگ از بازیگران غیردولتی برای حفظ منافع خود ادامه یافت. پس از رساندن کمک‌های بشردوستانه و آموزش و کمک‌های «غیرتسلیحاتی» به گروه‌های سوری، آمریکا حداقل از سال ۲۰۱۳ مشغول برنامه ریزی برای آموزش دادن و مسلح کردن ۵۰۰۰ سرباز میانه‌روی سوری برای مقابله با داعش (و احتمالاً رژیم سوریه) است. گزارش‌های ژانویه ۲۰۱۵ نشان می‌دهند که حتی قبل از کشته شدن خلبان اردنی که به دست

نیروهای داعش اسیر شد، اردن حمایت مالی خود را از شبه‌نظامیان در عراق و سوریه برای دور نگه داشتن داعش از مرزهایش و بوجود آوردن یک منطقه حایل آغاز کرده بود.

چیزی که حتی از تعداد سربازان جنگ هم تاثیرگذارتر است جابجایی نیرو در عرصه جنگی است. گزارش‌ها نشان می‌دهند تمامی واحدهای شبه‌نظامی شیعه به علت «بیکاری» پس از خروج نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۱۱، با انگیزه‌های مختلف از جمله حقوق ثابت، از عراق به سوریه منتقل شدند. هم‌چنان که این شبه‌نظامیان از عراق به سوریه می‌رفتند، نیروهای حزب‌الله هم از سال ۲۰۱۳ از لبنان به سوریه می‌رفتند. داعش هم به نوبه خود پس از ۲۰۱۱ نیروهای خود را از عراق برای آموزش‌های جنگی و بار دیگر برای حمله در تابستان ۲۰۱۴ به سوریه فرستاد.

در نهایت، بعضی از گزارش‌ها نشان می‌دهند که داعش در سال ۲۰۱۴، به همه واحدهای لیبیایی‌اش دستور داد به کشور خود بازگردند تا در گرفتن شهر بندری «درنا» در ماه نوامبر شرکت کنند. این جابجایی استراتژیک نیروها جنگ را به کشورهای دور از درگیری و صدها کیلومتر آنطرف‌تر نیز کشاند.

البته جریان جابجایی نیروهای دولتی و غیردولتی در منطقه در مقایسه با تعداد پناهندگان جنگ، رنگ می‌بازد. اگر فقط ورود پناهندگانی که از جنگ فرار می‌کنند را در نظر بگیریم، همه کشورهای همسایه سوریه شدیداً تحت تاثیر جنگ هستند. بنا به گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل تا ژانویه ۲۰۱۵، از جمعیت ۲۲ میلیون نفری قبل از جنگ، ۳/۷۵ میلیون پناهنده از کشور خارج شده‌اند بیشتر پناهندگان به ترکیه (۱/۶ میلیون نفر)، لبنان (۱/۶ میلیون نفر)، اردن (۶۲۲ هزار نفر)، عراق (۲۳۵ هزار نفر) و مصر (۱۳۶ هزار نفر) می‌گریزند. این آمار شامل آن دسته از افرادی که به کشورهای اروپایی پناه می‌آورند

مرزهایشان را محکمتر می‌کنند تا به این وسیله جدایی فیزیکی خود را از جنگ حفظ کنند، بازداشتن این روندها مشکل‌تر می‌شود.

تعصب فرقه‌ای و منافع ملی

جنگ سی ساله یک جنگ مذهبی بود یا حداقل درک آن بدون در نظر گرفتن اصلاحات مذهبی که خود فرآیندی سیاسی بود امکان ندارد. قدرت‌های بزرگ مانند فرانسه کاتولیک و سوئد پروتستان دلیل حرکت خود را ضرورت‌های دینی می‌دیدند و خود را طلایه دار تدابیر الهی تصور می‌کردند. حتی جایی که انگیزه‌های دینی قطعی نبود باز هم حضور آن کاملاً محسوس بود. با این حال، هم‌زمان این جنگ شاهد یکی از اولین و بارزترین نمودهای سیاست غیردینی گردید که معطوف به «منافع ملی» بود. مشخصاً فرانسه کاتولیک تحت فرمان کاردینال ریشیلیو، یا حکومت‌های پروتستان با پیشقراولان مخالف اصلاحات در وین متحد شدند. بدون بهانه‌های مذهبی جنگ آغاز نمی‌شد و بدون منافع متضاد دولت‌ها و حاکمان در فضای بی‌ثبات آن دوره، ادامه جنگ آنقدر امکان نداشت.

این تضاد منافع به اتحادهایی انجامید که در فضای قبل از جنگ غیرممکن بود. این ثنویت میان التهاب مذهبی و سیاست حسابگرانه دولتی باعث ادامه کشتار جنگ شد. این جدال بین تعصب فرقه‌ای و منافع حسابگرانه دولتی در رابطه با کشورهای دیگر که هم‌زمان آشکارا فرقه‌ای هستند و هم کاملاً درگیر جنگ «سوراق» هستند نیز دیده می‌شود. ایران و عربستان سعودی سالهاست برای کسب هژمونی بر خاورمیانه در حال نزاع هستند. با اینکه از سال ۱۳۵۷ به بعد تهران صادرکننده انقلاب و باورهای شیعی بوده است اما دلایل نفوذ ایران بسیار عمیق‌تر از این است و ریشه در رویای دیرین هژمونی سرزمین پارس بر مناطق استراتژیک همسایه دارد. این مسأله نتایج منفی و مثبت به همراه دارد: نتیجه منفی این است که ترکیب تمایلات ژئوپولیتیکی با تعصبات دینی

نمی‌شود و انتظار می‌رود که تا پایان سال ۲۰۱۵ حدود ۴/۳ میلیون پناهنده از کشور خارج شده باشند. طبق گزارش کمیساریای پناهندگان در ژانویه ۲۰۱۵، بعد از ۱۲ سال درگیری کم و بیش متوالی، تعداد شهروندان عراقی که در داخل کشور جابه جا شده‌اند ۱/۵ میلیون نفر تخمین زده شده است.

در میان کشورهای پذیرای پناهندگان سوری، آن دسته از کشورها که همیشه درگیر مشکلات قومی و مذهبی بوده‌اند به دلیل هجوم پناهندگان مجبور به تغییر رویه خود شده‌اند. برای مثال لبنان که دائماً در آستانه جنگ داخلی است و هم اکنون پناهندگان سوری معادل یک چهارم جمعیت قبل از جنگ این کشور را تشکیل می‌دهند، مجبور شده است بعد از چندین دهه برای نخستین بار جهت حفظ باقی مانده مرزهایش با سوریه، از پناهندگان جدید ویزا بخواهد. اردن که با عراق و سوریه هم مرز و یکی از ستون‌های نگه دارنده نظم کنونی است، با نگرانی اعلام کرده که پناهندگان یک دهم جمعیت قبل از جنگ این کشور هستند. خاندان هاشمی به خوبی آشوب‌های سال ۱۹۷۰ را به خاطر دارند و می‌دانند که پایه‌های سلطنت متکی بر دوش یک اقلیت ملی تا چه اندازه متزلزل است.

با در نظر گرفتن سرنوشت نوادگان پناهندگان فلسطینی در جنگ سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ که اکثراً هرگز نتوانستند جایگاه خود را به عنوان شهروند درجه یک در کشورهای میزبان تثبیت کنند، پناهندگان سوری هم ممکن است در دهه‌های آینده عامل عدم تثبیت نظم در منطقه باشند. می‌توان گفت پناهندگان و جنگجویان خارجی هر دو بخش‌هایی از یک پدیده هستند؛ صادرات و واردات جنگ سوراق به کشورهای همسایه و نشأت آن به خارج از مرزهای منطقه جنگی اولیه. همچنان که این کشورها تلاش می‌کنند با حمایت از گروه‌های و شبه‌نظامیان مختلف بر نتیجه جنگ تاثیر بگذارند و هم‌زمان با وجود هجوم پناهندگان

گروه‌های سنی در سوریه است و از طرف دیگر نشان دهنده تمایل ترکیه به بازگشت پناهندگان به کشورشان است. می‌توان گفت ترکیه از این منظر بسیار پراگماتیک است و این مسأله از دید منتقدان غربی سیاستهای اردوغان پنهان مانده است.

همسایه دیگر مصر است که از زمان سرنگونی حسنی مبارک درگیر ستیزهای داخلی و شورش‌های وحشیانه در شبه‌جزیره سینا است و همچنین تنها کشور عربی است که از جنگ سوریه به دور مانده است.

بدین ترتیب اگر توافقی در کار باشد، مصر می‌تواند به عنوان میانجی عمل کند. البته به شرطی که نفعی برای گروه‌ها و دولت‌های متحد اخوان مسلمین وجود نداشته باشد. بنابراین احتمالاً هر دو کشور مصر و ترکیه از توافقی که منافع منطقه را به همراه داشته باشد حمایت خواهند کرد. از این چهار دولت مرکزی که بگذریم، اردن و لبنان هر دو درگیر مشکلات مشابه و لو با شدت متفاوتی هستند. هر دو شدیداً تحت تاثیر جنگ هستند اما چون قدرت کافی ندارند نمی‌توانند بر جنگ تاثیر بسزایی بگذارند به همین علت تمام تلاش خود را بر کنترل آثار مخرب جنگ بر کشورشان متمرکز کرده‌اند. لبنان در آستانه جنگ داخلی است. نیروهای حزب‌الله و سنی که در سوریه علیه هم می‌جنگند، در پی توافق ضمنی همه احزاب لبنان، مبنی بر تلاش برای جلوگیری از کشیده شدن جنگ به داخل کشور، از جنگیدن در مرزهای لبنان می‌پرهیزند.

بدین ترتیب شام تبدیل به استراتژی برای تجدید قوای سربازان هر دو طرف شده است. در این میان اردن برای حفظ مرزهایش با «سوراق» تلاش می‌کند و هم‌زمان مراقب شهروندان نیز هست زیرا با اینکه داعش نمی‌تواند در آن‌ها نفوذ کند اما برای حفظ سلطنت در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی هم اراده چندانی نشان نمی‌دهند.

متمرکز بر گروه‌های شیعی خارج از ایران ثبات منطقه را متزلزل و آتش درگیری در منطقه را تندتر می‌کند. نتیجه مثبت این است که ایران تا به این مرحله در چارچوب نظم موجود عمل کرده است و مخالف هرگونه تغییر مرزهای کشورها بوده و تنها درون این مرزها به اعمال سیاست مشغول بوده است. بدین ترتیب همسویی منافع با قدرت‌های دیگر ممکن خواهد شد. در پایین به این مطلب بیشتر می‌پردازیم.

تکامل دولت اسلامی عراق و شام (داعش)

عربستان سعودی همچنان از ترس آسیب نظم درونی کشور، انرژی‌های اسلام‌گرای افراطی را به خارج از مرزهایش هدایت می‌کند. عربستان مصمم است از حرکت ایران در جهت داشتن هژمونی بر منطقه جلوگیری کند و حامی رژیم‌ها و گروه‌های سنی در منطقه باشد. در این بین ریاض جایگاه متزلزلی دارد: از یک طرف مسأله جانشینی پادشاه کشور پس از مرگ ملک عبدالله در ژانویه ۲۰۱۵ مطرح است و از طرف دیگر تهدید نیروهای داعش که در مرزهای عربستان فعالند روبه افزایش است. با اینکه ریاض به دلیل پیشرفت‌های ایران در منطقه، موضع دفاعی گرفته است اما ممکن است - حتی برای مدتی کوتاه - نظرش را عوض کند و به این نتیجه برسد که حفظ شرایط منطقه‌ای کنونی کاملاً به سودش است. دو همسایه دیگر سوراق نقش کوچک اما بسیار مهمی را در آینده پیشرفت بحران بازی می‌کنند. با اینکه هر دو درگیر تعصبات قومی هستند اما منافع ملی‌شان بر تعصبات قومی اولویت دارد. ترکیه به ریاست جمهوری رجب طیب اردوغان، از دو سو شدیداً درگیر جنگ است.

از یک طرف به دلیل حجم بالای پناهندگان و از طرف دیگر به دلیل روابط مذدب خود با گروه‌های مختلف اپوزیسیون در عراق و سوریه مانند کردها و داعش. تلاش آنکارا برای جنگی همه جانبه با داعش و تثبیت سوریه بدون فشار اسد از یک طرف به دلیل همدردی با مقاومت

شده به رابطه بین جنایت، تروریسم و گروه‌های غیردولتی مشغول جنگ در منطقه به دقت پرداخته است. به همین علت در اینجا تنها به بررسی کوتاه این موضوعات می‌پردازیم. با ظهور داعش که کنترل ناحیه بزرگی را به دست گرفته است رابطه بین جنایت و وحشت به مرحله جدیدی رسیده است. آنچه درگذشته و تحت نظم فعلی، قاچاق به حساب می‌آمد ممکن است در آینده تجارت محسوب شود. ممکن است داعش عمر کوتاهی داشته باشد اما اقتصادی که از راه درآمدزایی پیوسته بواسطه بی‌ثباتی ساختاری بوجود آمده است، پس از افول چنین شرایطی نیز ادامه خواهد یافت. بعلاوه اقتصاد جنگی از طرفین جنگ فراتر می‌رود: همان‌طور که در بالا اشاره شد، مبالغ قابل توجه پول، می‌تواند افراد و واحدهای شبه‌نظامیان را اغوا کند تا در گروهی «نام نویسی» کنند و به خدمت خود در میدان جنگ «سوراق» و حتی فراتر از آن ادامه دهند.

بعلاوه حضور میلیون‌ها پناهنده، بستر مناسبی برای رشد اقتصاد غیررسمی است چراکه این پناهندگان اگر بتوانند کاری پیدا کنند مجبورند به صورت غیرقانونی کار کنند. این مسأله توانایی دولت‌ها برای فراهم کردن بودجه جهت حمایت از این پناهندگان را کم می‌کند. هنگامی که یک اقتصاد جنگی فراملیتی بوجود بیاید، برگرداندن شرایط به حالت طبیعی بسیار مشکل خواهد شد. مشابه چنین وضعیتی را در «جوامع جنگی» آفریقا مشاهده می‌کنیم.

نتایج جنگ بر سال ۲۰۱۵ و بعد از آن وضع موجود در مقابل قدرت‌های تجدیدنظر طلب

ظهور داعش دینامیزم بالقوه منازعه را تغییر می‌دهد. خود مفهوم «خلافت» که در ژوئن ۲۰۱۴ توسط داعش اعلام شد تهدید دوسویه‌ای برای منطقه به شمار می‌رود. از یک سو ادعای آن از مرزهای سوریه فراتر می‌رود و شامل همه کشورهای می‌شود که در طول تاریخ تحت

با در نظر گرفتن حمایت‌های گزارش شده از گروه‌های داخل «سوراق» در نزدیکی مرزهایش و اعدام وحشیانه خلبان اردنی توسط داعش در فوریه ۲۰۱۵، به نظر نمی‌رسد اردن بتواند از کشیده شدن به جنگ به داخل مرزهایش اجتناب کند.

تمامی کشورهای همسایه «سوراق» منافع حیاتی خود را تحت تاثیر جنگ می‌بینند و بار از بین رفتن نظم کنونی را به دوش خواهند کشید. در چارچوب نظم کنونی، این کشورها با هم رقیب و یا حتی دشمن هستند، اما در حفظ نظم کنونی و جلوگیری از درگیری‌هایی که در پس از بین رفتن آن خواهد آمد، با هم سهیم هستند. اگر مفهوم «منافع ملی» حسابگرانه و سکولار بتواند بر تعصبات و وفاداری‌های قومی پیروز شوند آن‌گاه مشخص می‌شود که توافقی جامع بر مبنای شرایط پیش از جنگ امکان‌پذیر است.

توسعه اقتصاد وحشت

در سال‌های بین ۱۶۱۸ و ۱۶۴۸ یک درگیری مداوم در جریان نبود بلکه چند سری جنگ و لشکرکشی اتفاق افتاد. با این حال از دید مردم آن زمان، این سال‌ها، دوران بی‌ثباتی مداوم بودند. در دوره پیش از عصر مزدوری، جنگ شاهد خصوصی سازی خشونت بود و آن‌گونه که امروزه نامیده می‌شود بازیگران غیر دولتی جنگ را به پیش می‌بردند. «کارگشایان جنگ»، از جمله فرمانده آلبرشت فون والنشتاین، ارتش‌هایی را تشکیل داده و فرماندهی کردند و سود فراوانی از این راه بردند. در نتیجه صلح برای گروه قدرتمند بازیگران جنگ گزینه دلخواهی نبود و برای بسیاری از مردم عادی نیز که زندگی خود را درون اقتصاد جنگی بنا کرده بودند، خدمت در جنگ تنها راه امرار معاش بود، بنابراین دلیلی برای امید به پایان جنگ نداشتند. خاورمیانه امروز هم شاهد نضج یک اقتصاد جنگی بسیار پرمفعت در «سوراق» است. یکی از فصل‌های این شماره که توسط «پرم ماهدوان» نوشته

هژمونی متزلزل ایران

از آنجا که شاهد پیشروی نایبان ایرانی در کل منطقه بوده‌ایم، می‌توان گفت از سال ۲۰۰۳ که آشفتگی در خاورمیانه به راه افتاد، ایران تا بدین جا برنده بزرگ این آشفتگی‌ها بوده است. در لبنان هیچ مسأله سیاسی خلاف نظر حزب‌الله تایید نمی‌شود؛ در عراق، تهران دولتی را نشانده است که در راس آن شیعه‌ها قرار دارند و در بیشتر مسائل مهم حرف آخر را می‌زند؛ و در یمن شورشی‌های شیعه که از طرف تهران حمایت می‌شوند در نزاع قدرت در صنعا درگیر هستند. با این حال هرچند ایران تاثیر شگرفی بر منطقه در ابتدای سال ۲۰۱۵ دارد اما بر زمینی سست ایستاده است و معلوم نیست که این تاثیر شگرف تبدیل به هژمونی‌ای که ایران در نظر دارد خواهد شد یا نه. به دو دلیل جای شک وجود دارد: اول ایران از لحاظ اقتصادی نسبتاً ضعیف است.

سال‌ها تحریم بین‌المللی و کاهش بین‌المللی قیمت نفت تاثیرات سویی بر اقتصاد ایران داشته است. به گزارش صندوق بین‌المللی پول، ایران برای رسیدن به بودجه متعادل نیاز دارد هر بشکه نفت ۱۳۱ دلار باشد اما در زمان نگارش این مقاله قیمت هر بشکه نفت ۵۰ دلار است. همان‌طور که آنتونی کورزمن در تحقیقی برای مرکز سیاست امنیتی ژنو (GCSP) بیان کرده است، هم اکنون عملکرد اقتصادی ایران به دست شورای همکاری کشورهای عرب خلیج فارس (GCC) محدود شده است و این بدون در نظر گرفتن دولت‌های عرب سنی است که به هیچ عنوان رابطه خوبی با ایران ندارند. نکته دوم و مهم‌تر اینکه در منطقه‌ای که از مردم و دولت‌های عرب و سنی اشباع شده است، ایران شیعه جدا افتاده است و نمی‌تواند امید این را داشته باشد که در مقابل جبهه دولت‌های عرب بر منطقه حکومت کند. بنابراین تنها امیدش حکومت جداگانه بر دولت‌ها از طریق نایبان شیعه است، خواه در شکل رژیم آن کشور و یا به شکل نیروهای مستقل غیررسمی مانند حزب‌الله. این هژمونی بر پایه نیابت از اساس بی‌ثبات است،

فرمانروایی مسلمانان بوده‌اند. از سوی دیگر خلافت که به معنای سلطنت تحت فرمان خداست، در تضاد با مفهوم غربی دولت در خاورمیانه امروزی است. داعش با خلافتش (که هنوز متزلزل و نامفهوم و ناکارآمد است) نمونه بارز یک قدرت تجدیدنظرطلب در جهان امروز است.

برای قدرت‌های منطقه، ظهور داعش و تهدید از هم پاشیدن منطقه، تهدیدی وجودی است: جنگ‌های دهه گذشته همگی تحت کنترل دولت‌ها و هژمونی منطقه‌ای به راه افتاده بود و همگی در الگوی خاورمیانه دولت‌محور کنونی بودند. داعش با تثبیت خود به عنوان یکی از مهره‌های جنگ، بین خود و سایر قدرت‌های کنونی منطقه - از جمله همه کشورها و رژیم‌ها در این منطقه و فراتر - مرزبندی‌های جدیدی تعریف کرد. حتی بازیگران غیردولتی مانند حزب‌الله، که ادعا می‌کند جنبشی مقاومتی است، در میان این قدرت‌ها قرار می‌گیرند. تصادفی نیست که شرایط به وجود آمده به سود رژیم سوریه است. هدف میان-دوره‌ای رژیم اسد مشخص است: منطقه تحت کنترل خود را به قیمت از بین رفتن اپوزیسیون اصلی محکم‌تر کند.

سپس از لحاظ نظامی قدرتمندتر می‌شود و تنها گزینه واقع بینانه در مقابل اپوزیسیون جهادی خواهد بود. بدین ترتیب می‌تواند متحد بالقوه‌ای برای غرب و قدرت‌های منطقه باشد. رژیم اسد جایگاه خود را به عنوان تنها نیرویی که می‌تواند از وضعیت (سابق)، نظم کنونی منطقه و مرزهای کشورها در برابر فشارهای تجدیدنظرطلبانه داعش دفاع کند، محکم می‌کند. به نظر می‌رسد اسد به خوبی محاسبه کرده که بر منافع مشترک همه قدرت‌های منطقه سرمایه‌گذاری کرده است. خلاصه آنکه ظهور داعش رسیدن به صلح را نزدیک‌تر نکرده اما احتمال رسیدن به صلح را بر مبنای کوچک‌ترین مخرج مشترک همه طرف‌های درگیر بیشتر کرده است. این فصل مشترک استقرار مجدد نظم بر پایه دولت هاست.

همان حزب‌اللهی که اسرائیل به عنوان شبه‌دولت شیطانی از آن یاد می‌کند. حمایت اسرائیل از جبهه نصرت در ارتفاعات جولان که ژانویه امسال اتفاق افتاد تنها چنین روندی را نشان می‌دهد: تحرک دولتی که «سیاست عملی» را اتخاذ کرده و همه گزینه‌های ممکن را در نظر می‌گیرد. در صورتیکه ایران و گروه ۱+۵ به توافق برسند، نزدیکی بین تهران و تل‌آویو، اگرچه به صورت غیررسمی، کاملاً امکان‌پذیر است.

فاکتور دیگر جایگاه نامشخص قدرت‌های خارجی است. در حالیکه حضور آمریکا در منطقه مورد شبهه است و گمانه زنی راجع به نقش چین در منطقه ادامه دارد، تصور پایداری روابط درون منطقه‌ای به شکل کنونی در سال‌ها و دهه‌های آینده، منطقی نیست. چنانچه اکثریت جناح راست اسرائیل قوی‌تر شود، ممکن است شکاف‌های بین آمریکا و اسرائیل ادامه‌دار شود؛ ترکیه ثابت کرده است متحد قابل اعتماد و ثابتی برای هیچ دولتی نیست؛ و عربستان سعودی هرچه بیشتر محاسبات استراتژیکش را بدون در نظر گرفتن اتحادش با آمریکا - به عنوان شرط لازم و کافی - انجام خواهد داد. مرکز خاورمیانه در حال ازهم‌پاشیدگی است، قدرت‌های پیرامونی متزلزل می‌شوند و قدرت‌های خارجی مجبور به اتخاذ تصمیمات استراتژیک اساسی هستند. بنابراین بوجود آمدن اتحاد‌های جدید، به هیچ وجه خارج از انتظار نیست.

نتیجه: پیمان صلحی از نوع وستفالی؟

پس از سی سال تخریب و کشتار، پیمان صلح وستفالی، یا به طور مصطلح «مصالحه عظیم» در سال ۱۶۴۸ به جنگ خاتمه داد. اساس قرارداد صلح تصریح به برقراری نظم گذشته بود. این صلح به چرخش در قدرت‌ها منجر شد اما هیچ نتیجه انقلابی به همراه نداشت. برای اطمینان از به رسمیت شناخته شدن وجه بین‌المللی صلح، هم فرانسه و هم سوئد طرف‌های رسمی این اصول جدید و همچنین به طور غیررسمی، ضمانت‌کننده

به فرقه‌گرایی وحشیانه دامن می‌زند و به هیچ عنوان شباهتی به هژمونی ساختاری بلندمدتی ندارد که ناظران بسیاری از آن وحشت دارند. اینجاست که داعش تهدید متناقضی برای ایران به شمار می‌آید: بی‌ثباتی که در پی جنگ به وجود آمده به نفع دخالت ایران از طریق نایبان است، اما از بین رفتن نظم دولت-محور برای ایران خطرناک است چرا که برای کنترل سیستم به همان دولت‌ها نیاز دارد.

با در نظر گرفتن چنین بستری و در حالیکه ایران در حال انجام مذاکرات هسته‌ای با جامعه جهانی است، روشن است که رسیدن به توافق هسته‌ای کاملاً به نفع ایران خواهد بود. از یک طرف فشار اقتصادی را کمتر می‌کند و از طرف دیگر از مسابقه تسلیحات هسته‌ای در منطقه که تهران از آن وحشت دارد جلوگیری می‌کند. با اینکه ایران مایل به ادامه دامن زدن به بی‌ثباتی منطقه بدون تهدید مرزهای دولتها است، ثبات اقتصاد داخلی برایش اهمیت به سزایی دارد. به همین علت یک جنگ سی ساله جدید نتایج نامتوازنی برای ایران به همراه خواهد داشت: از یک طرف فرصتی تاریخی به او می‌دهد و از طرف دیگر پایه‌های پیشرفتش را تهدید خواهد کرد.

چشم‌انداز اتحاد‌های جدید

ازهم‌پاشیدن نظم کنونی و چینش سیاسی و اجتماعی حال حاضر خاورمیانه ممکن است در طول زمان به برقراری اتحاد‌هایی بیانجامد که اکنون غیرممکن به نظر می‌رسند. همان‌طور که در بالا اشاره شد، یکی از فاکتورها، همراهی قدرت‌های فعلی منطقه علیه جنبش‌های تجدیدنظرطلبانه خواهد بود. این مسأله هم به دولت‌ها و هم به بازیگران غیردولتی مربوط است. با اینکه تا به این مرحله از جنگ اسرائیل حضور پررنگی در آن نداشته و از همین رو در این مقاله به آن نپرداخته‌ایم، اما ممکن است روزی تل‌آویو انگیزه‌های مهمی برای اتحاد با حزب‌الله در برابر گروه‌های جهادی در مرزهایش داشته باشد.

آتش‌بس‌های موقتی تنها از این لحاظ قابل اطمینان هستند که طرفی که از نظر عملیاتی و استراتژیکی برتری دارد را قدرتمندتر خواهد ساخت. تا زمان رسیدن به توافق، هرگونه اقدام محلی محکوم به شکست است، همان‌طور که بین سال‌های ۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸ چنین بود.

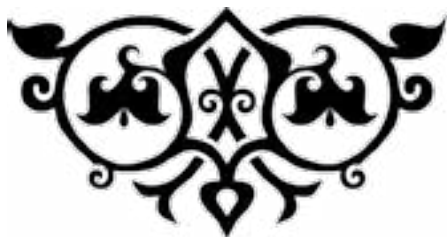
تحقق آن شدند. و در آخر، قرارداد صلح توانست درگیری‌های مذهبی را با این بصیرت ساده که در اساس تمام مصالحه‌های بعد از «صلح آوگسبورگ ۱۵۵۵» لحاظ شده است، فیصله دهد؛ اینکه هیچ فرقه‌ای امکان تفوق بر سایر فرق را ندارد.

این مسأله برای خاورمیانه امروز هم بسیار مهم است. اول اینکه هیچ صلحی در سوریه بدون رضایت همسایه‌هایش صورت نخواهد گرفت. توافق نهایی از برخی حقایق موجود و تغییرات تدریجی در قدرت نسبی دولت‌های منطقه پرده برخواهد داشت و البته این توافق در صورت مخالفت حتی یکی از دولت‌ها، مخصوصاً ایران، امکان‌پذیر نخواهد بود. نتیجه این مقاله که در ابتدا هشیارکننده به نظر می‌آید، به راه‌های نجات از درگیری اشاره می‌کند. این البته منوط به این است که همه طرف‌های دعوی بر سر میز مذاکره بنشینند و منافع همه به رسمیت شناخته شود.

* مارتین زاپفه مدیر تیم امنیت جهانی در مرکز مطالعات امنیتی زوریخ است. او مدرک دکترایش را در رشته علوم سیاسی از مرکز عالی دانشگاه کونستانس آلمان دریافت کرد. قبل از آن، او در رشته‌های علوم سیاسی، حقوق عمومی و علوم اسلامی از دانشگاه بن در آلمان فارغ‌التحصیل شده است.



فاکتور دیگر جایگاه نامشخص قدرت‌های خارجی است. در حالیکه حضور آمریکا در منطقه مورد شبهه است و گمانه زنی راجع به نقش چین در منطقه ادامه دارد،



نشست‌های صلح ژنو و مونرو در ژانویه ۲۰۱۴ که از طرف سازمان ملل راه‌اندازی شده بودند دقیقاً به دلیل نداشتن این فاکتور به جایی نرسیدند. اساس این شناخته شدن منافع ریشه در درک این مطلب توسط قدرت‌های کنونی منطقه - همه قدرت‌های درگیر به علاوه حزب‌الله - دارد؛ اینکه ادامه درگیری‌ها به سست شدن پایه‌های قدرت این دولت‌ها و استحکام قدرت‌های تجدیدنظرطلبی همچون داعش می‌انجامد. بنابراین نفع مشترک قدرت‌های منطقه در حفظ نظم دولت-محور است. البته درک این مطلب مستلزم توافق بر سر یک مسأله ساده است: حداقل در این زمان و فقط به دلایل پراگماتیک، [مصلحت] دولت باید بالاتر از فرقه قرار بگیرد. این نتیجه‌گیری‌ها ممکن است تنها نظری و در عمل بی‌فایده باشند. اما تا زمانی که این پیش‌نیازهای حداقلی فراهم نشوند، جنگ در «سوراق» ادامه خواهد یافت؛ طرف‌های درگیر جنگ (به جز داعش) برای کسب جایگاهی [بهتر] در مذاکرات آینده به جنگیدن ادامه می‌دهند؛ و

هر که مخالف توافق هسته‌ای است، جنگ طلب نیست



مهدی خلجی

در نظام‌های بسته، برچسب زدن به جای فکر کردن سکه‌ی رایج است. حکومت‌های غیردموکراتیک، برای توصیف دوستان و دشمنان خود انباری از برچسب‌های رنگارنگ دارند. در جمهوری اسلامی، هر منتقدی یا «برانداز» است، یا «ضدانقلاب»، «ضدایرانی»، «خائن»، «طرفدار اسرائیل» و مانند آن. روزنامه‌ی کیهان یکی از مهم‌ترین کلکسیون‌داران است. همه خوب می‌دانیم چه صداهایی با این برچسب‌ها خاموش شده، روزنامه‌هایی بسته شده، آدم‌هایی به زندان رفته و به عذاب‌های بی‌حساب دچار شده‌اند.

در بحث بر سر مذاکرات هسته‌ای هم داستان از این قرار است. چنان فضا را عوام‌زده کرده‌اند که کافی است کسی درباره‌ی توافق موجود نظری جز نظر مذاکره‌کنندگان ایرانی داشته باشد؛ یا «دل‌واپس» (یعنی احمدی‌نژادی) است یا اسرائیلی و طرفدار نتانیا‌هو. هیچ حد فاصلی هم در میان نیست. طبعاً دلیلی هم برای فکر کردن و گوش دادن و تحلیل کردن هم وجود ندارد. خود دولت مذاکره‌کننده، با اعتدال کامل، هرگونه نقد توافق را رسماً ممنوع کرده است. فقط مذاکره‌کنندگان، ایرانی هستند و فقط آن‌ها صلاح ایران را می‌دانند. مسوول مذاکره‌کننده، امیرکبیر و آرش کمانگیر است. یعنی غلو و غلغله‌ی احساسات، برای انداختن حجابی بر عقل و استدلال.

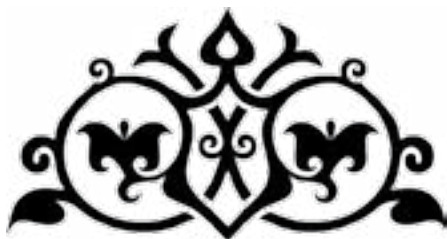
در نظام‌های بسته «بحث سیاسی» معنا ندارد. هر مناقشه‌ای دو سو دارد: یک طرف خیر مطلق و طرف مقابل شر مطلق است. آیت‌الله خمینی گفت «هر کس با این نهضت همکاری نکند یا جاهل است یا سوء نیت دارد.» از نظر بسیاری از مدافعان پرشور توافق هسته‌ای هر کس با این توافق صد در صد



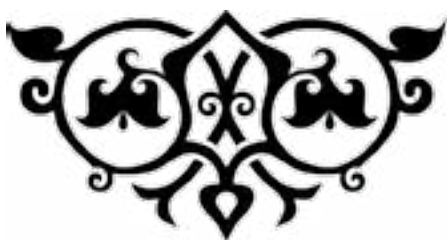
بر خلاف تصور بسیاری، کسانی که منتقد توافق هسته‌ای هستند، همه جمهوری‌خواه نیستند و همه‌ی جمهوری‌خواهان نیز جنگ‌طلب نیستند.



زمینه‌ی توافق هسته‌ای نه با نتانیاهو موافق‌ام نه با جان کری نه با ظریف. دولت ایران را هم مرجع انحصاری تعریف منافع ایران نمی‌دانم و باور دارم هر شهروند ایرانی باید در تعریف و تحقق منافع ملی بکوشد.



در نظام‌های بسته «بحث سیاسی» معنا ندارد. هر مناقشه‌ای دو سو دارد: یک طرف خیر مطلق و طرف مقابل شر مطلق است.



بر خلاف تصور بسیاری، کسانی که منتقد توافق هسته‌ای هستند، همه جمهوری‌خواه نیستند و همه‌ی جمهوری‌خواهان نیز جنگ‌طلب نیستند.

کاش رسانه‌های فارسی‌زبان می‌توانستند از هیجان‌های جاری فاصله بگیرند و تصویری درست از دیدگاه‌های گوناگون در این باره به دست دهند.

برای «اعلام مواضع» هم باید تأکید کنم اصل مذاکره و توافق ضروری است، ولی آنچه بر آن توافق شده لزوماً بهترین مواد ممکن نیست. شرح این نکته البته وقتی دیگر.

موافق است آدم خوبی است و طرفدار صلح؛ و هر کس نقد دارد یا مخالف است هیولایی جنگ‌طلب و طرفدار تحریم بیشتر بر مردم و انسان‌خوار است. حد وسطی در کار نیست. یعنی بحث «اخلاقی» است نه «سیاسی». در اوائل انقلاب، روحانیت نزاع سیاسی با احزاب چپ را به جدال عقیدتی بدل کرد و در تلویزیون مناظره‌هایی گذاشت که در آن‌ها یک طرف مانند عبدالکریم سروش و محمدتقی مصباح و محمد بهشتی از خدا دفاع می‌کردند و طرف دیگر از مبانی فلسفی مارکسیسم. خوب طبیعی بود که امت حزب‌الله به راحتی تکلیف‌اش را با منکران خدا تشخیص می‌دهد. «اخلاقی» وانمودن یا «مذهبی» وانمودن مناقشه‌ای سیاسی ترفندی است برای عوام‌زده کردن سیاست و بستن دهان منتقد.

بعد در همین فیسبوک مثلاً اوباما را با بوش مقایسه می‌کنند که یکی صلح‌طلب و دیگری جنگ‌طلب است؛ انگار گزینه‌های ممکن سیاست، در این دو منحصر است. و انگار نه انگار که رژیم تحریم بی‌سابقه علیه ایران ابداع همین دولت اوباما است و در کار سیاست گاهی عمل اشتباه مانند جنگ عراق می‌تواند به اندازه‌ی بی‌عملی اشتباه مانند سیاست اوباما در قبال بحران سوریه فاجعه‌های انسانی کم‌نظیر به بار آورد. عوام‌زدگی یعنی همین؛ یعنی ساده کردن امور پیچیده برای بسیج عمومی. اگر مسائل را پیچیده ببینید آن وقت هر مسأله‌ی بیش از دو وجه خوب و بد خواهد داشت و در نتیجه نمی‌توان مردم را به موافقت خود بسیج کرد یا به بهانه‌ی مخالفت سرکوب نمود. من رسماً عضو حزب دموکرات آمریکا هستم و در انتخابات ریاست جمهوری هم به اوباما رأی دادم و طبعاً در سال‌های بعد هم به نامزدی دموکرات رأی خواهم داد.

در موسسه‌ای که کار می‌کنم تقریباً نیمی از اعضای آن دموکرات هستند و چند نفر از آن‌ها در دولت کلینتون و اوباما مسئولیت‌های بالا داشته‌اند مانند دنیس راس. مانند بسیاری در

فراخوانی برای بیدار کردن وجدان‌ها: فلسطینیان انسان‌های واقعی هستند



باسم عید - فردِ مارون

“فعالان هوادار فلسطینیان” اسرائیل را متهم می‌کنند که توجه چندانی به غیرنظامیان فلسطینی ندارد و هویت انسانی آنها را سلب می‌کند؛ اما واقعیت چیز دیگری است. اگرچه هویت انسانی فلسطینیان به شکل گسترده‌ای نقض می‌شود، عامل آن فردی که شما ممکن است به آن فکر کنید، نیست.

اسرائیل متهم است که فلسطینیان را در پست‌های بازرسی تحقیر می‌کند، و توجه چندانی در جهت پرهیز از تلفات غیرنظامی در حملات خود علیه حماس نشان نمی‌دهد. برخی نیز تا آن جا پیش می‌روند که اسرائیل را به نسل‌کشی فلسطینیان متهم می‌کنند.

اما واقعیت به کلی متفاوت است. اگرچه فلسطینیان بی هیچ شکی در برخی موارد در پست‌های بازرسی تحقیر می‌شوند و حملات اسرائیل علیه تروریست‌ها نیز تلفات غیرنظامی بسیار بالایی دارد (حتی یک کشته نیز بسیار زیاد است)، شواهد گسترده‌ای وجود دارد مبنی بر آن‌که استانداردهای مراقبتی که اسرائیل اعمال می‌کند، حداقل در همان سطحی است که هر دموکراسی لیبرالی در شرایط مشابه اعمال می‌کرد. و مسلماً هیچ نسل‌کشی در کار نیست. البته انکار هویت انسانی فلسطینیان در میان فعالان فوق‌متعصب صهیونیست رخ می‌دهد. برخی از این فعالان، به ویژه آنانی که در اسرائیل زندگی نمی‌کنند، تمایل دارند که به فلسطینیان در شرایطی انتزاعی فکر کنند. آنها به برخی استدلال‌ات مانند اینکه “چیزی به عنوان فلسطینی وجود ندارد”، چنگ می‌زنند؛ و سنگ‌دلانه تراژدی‌های واقعی فلسطینیان (هم‌چون تخریب غزه بر اثر جنگ‌های متوالی و شرایط وخیم پناهندگان فلسطینی در کشورهای عرب) را، با این استدلال که اسرائیل در حال دفاع از خود است، نادیده می‌گیرند. سلب



ما خواهان بیداری وجدان
آنانی هستیم که خود را
“پرو-فلسطینی” می‌نامند.
اگر آنان نه فقط ضد
اسرائیل، که به راستی
هوادار فلسطینیان هستند،
پس از آن‌ها انتظار می‌رود
که تروریسم “حماس”
و فساد “فتح” را که
دلایل اصلی زجر کشیدن
فلسطینیان هستند، به شدت
محکوم کنند



تجاری-صنعتی اسرائیلی است که در ساحل غربی رود اردن فعالیت می‌کند، و در این میان هیچ توجهی به این واقعیت ندارند که آن بنگاه‌ها معمولاً فرصت‌های شغلی خوبی برای فلسطینیان فراهم می‌آورند. از دید فعالان "هوادار فلسطینیان"، بی‌کار شدن فلسطینیان در برابر هدف بزرگ‌تر تضعیف اسرائیل، بهایی قابل قبول است.

بنابراین، فعالان "پرو-فلسطینی" کاملاً از آنچه می‌بایست باشند، یعنی هواداری از فلسطینیان، به ضدیت تام با فلسطینیان تغییر شکل داده‌اند. آنان اگرچه ادعای دفاع از منافع فلسطینیان را دارند، اما در واقع خود در حال شکوفایی به قیمت بی‌کاری فلسطینیان و بر سر اجساد آنها هستند. فلسطینیان یک واقعیت عینی هستند؛ مفهومی انتزاعی نیستند و جان تک تک آنان ارزش دارد. جان کلونیک یک پناهنده فلسطینی در کانادا است که خطر بازگردانده شدن به سرزمین‌های فلسطینی او را تهدید می‌کند؛ بازگردانده شدن به جایی که به دلیل همجنس‌گرا بودن او، تغییر مذهبش (از اسلام به مسیحیت) و هواداری از اسرائیل، جان وی در آنجا در خطر خواهد بود.

اما تا این لحظه هنوز دیده نشده که حتی یکی از گروه‌های "هوادار فلسطینیان" به دفاع از کلونیک برخیزد. هیچ شکی نیست که اگر کلونیک یک هوادار حماس بود و خطر این می‌رفت که توسط اسرائیل زندانی شود، سیل گروه‌های "هوادار فلسطینیان" برای دفاع از او روانه می‌شد؛ اما از آنجا که کلونیک از اسرائیل هواداری می‌کند، در نظر آنها فلسطینی‌ای نیست که ارزش دفاع کردن داشته باشد. فعالان "هوادار فلسطینیان" برای زندگی فلسطینیان دل نمی‌سوزانند؛ آنچه برای آنها مهم است، ارزش تبلیغاتی زندگی و مرگ فلسطینیان است. البته آنچه در اولویت نخست ضدصهیونیست‌ها قرار دارد، انکار هویت انسانی اسرائیلیان است. اگر آنها می‌پذیرفتند که اسرائیلیان مردمی واقعی هستند، آنگاه این احتمال نیز بیشتر می‌شد که بتوانند قبول کنند فلسطینیان

هویت انسانی فلسطینیان در رژیم‌های عرب نیز به صورت گسترده‌ای رایج است. آنها از لحظه استقلال اسرائیل، از فلسطینیان به عنوان گروگان و یک مهره استفاده کرده‌اند و همچنان نیز تا به امروز به این کار خود ادامه می‌دهند. این واقعیت که حکومت‌های عربی به فلسطینیانی که دهه‌ها است میزبان آنها بوده‌اند حق شهروندی نمی‌دهند، اهمالی است که اگر در هر یک از کشورهای اروپایی یا آمریکای شمالی رخ داده بود، به شدیدترین شکل محکوم و به آن حمله می‌شد؛ اما از آنجا که در این مورد هم قربانی و هم ستمگر عرب هستند، جهان چشم بر آن فرو بسته و حتی از طریق تأمین مالی "آنروا" (کمیته ویژه سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی) آن را تشویق می‌کند. اما قهرمانان بلامنازع سلب هویت انسانی فلسطینیان، همان‌هایی هستند که عنوان بی‌جای فعالان "هوادار فلسطینیان" را یدک می‌کشند.

در همان حال که برخی صهیونیست‌ها به شکلی ناعادلانه هرگونه مرگ (فلسطینیان) در غزه را نادیده می‌گیرند، فعالان "هوادار فلسطینیان" نیز مرگ فلسطینیان را ابزار پروپاگاندای خود می‌کنند، در حالی که حاضر نیستند هیچ‌گونه درخواستی مبنی بر پایان دادن به حملات تروریستی از نوار غزه مطرح کنند؛ و این در حالی است که تنها راه برای جلوگیری از گیر افتادن غیرنظامیان در میان تبادل آتش، این است که حملات تروریستی از نوار غزه متوقف شود که اسرائیل هم واکنش نشان ندهد. در همان حال که برخی صهیونیست‌ها دفاع از اسرائیل را هدفی می‌دانند که ورای هرگونه منافع فلسطینیان قرار دارد،

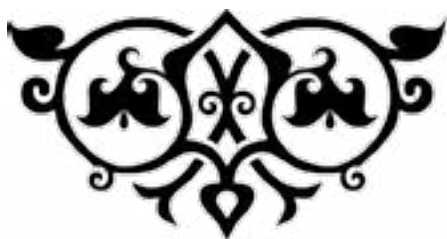
نابودی اسرائیل نیز برای فعالان "هوادار فلسطینیان" هدفی است که تنها با گذشتن از روی اجساد فلسطینیان ممکن خواهد شد. فعالان "پرو-فلسطینی" در کرانه باختری نیز فلسطینیان را بازیچه خود قرار داده‌اند. آنها درگیر کمپینی هستند که هدف آن مشروعیت‌زدایی از بنگاه‌های

ضدیت با صهیونیسم است. این تفکر، پیروان خود را به سمتی هدایت می‌کند که آن‌چنان غرق در جنگلی شوند که غالباً تنها در تصورات آنها وجود دارد، که دیگر نتوانند درختان را ببینند. ذات بر اساس نفرت ضدیت با صهیونیسم، همه چیز را در اطراف خود می‌سوزاند؛ و در این میان، فلسطینیان قربانیان اصلی آن هستند.

بنابراین ما خواهان بیداری وجدان آنانی هستیم که خود را "پرو-فلسطینی" می‌نامند. اگر آنان نه فقط ضد اسرائیل، که به راستی هوادار فلسطینیان هستند، پس از آن‌ها انتظار می‌رود که تروریسم "حماس" و فساد "فتح" را که دلایل اصلی زجر کشیدن فلسطینیان هستند، به شدت محکوم کنند؛ نه اینکه اسرائیل را به سان دیوی نشان دهند بدون آن‌که نتیجه این اقدام خود را در زندگی روزمره فلسطینیان در نظر بگیرند.



ما خواهان بیداری وجدان
آنانی هستیم که خود را
"پرو-فلسطینی" می‌نامند



* "باسم عید"، روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر فلسطینی، و "فرد مارون"، تحلیل‌گر کانادایی عرب‌تبار مسائل خاورمیانه است. نسخه‌ی انگلیسی این یادداشت در تاریخ ۱۶ خرداد ماه ۱۳۹۴ در وبسایت "تایمز اسرائیل" منتشر شده است.

ترجمه: اشکان صفایی

نیز انسان‌هایی واقعی هستند. اما ضد صهیونیست‌ها مردم اسرائیل را مانند پایگاهی استعماری در جهان انتزاعی خود تصور می‌کنند. گذشته از آنکه اسرائیل یک تشکیلات استعماری نیست، بلکه یک ایده بومی است؛ هیچ دو فرد اسرائیلی کاملاً شبیه یکدیگر نیستند. اما از دید ضد صهیونیست‌ها، همه اسرائیلیان باید تقبیح شوند، مورد تحریم قرار گیرند، منزوی گردند و در نهایت محو شوند.

آیا اینکه ارتش دفاعی اسرائیل نگاهی انسانی به فلسطینیان داشته باشد مهم است؟ بله؛ البته که اهمیت دارد. اما این موضوع هر روز و هر ساعت، توسط گروه‌های مردمی، از جمله خود مردم اسرائیل، به آنان گوشزد می‌شود. ولی در واقع ارتش دفاعی اسرائیل در این زمینه عملکرد قابل قبولی دارد و لازم نیست که تا این حد اهمیت موضوع به آنها یادآوری شود. آن گروه‌های مردمی اما هیچ‌گاه نگاهی به خود نمی‌کنند تا ببینند که خود آنها، بیش از هر شخص دیگری، به شکل روزمره و بی ملاحظه در حال انکار هویت انسانی فلسطینیان هستند.

هر گاه که به این فعالان "هوادار فلسطینیان" گوشزد می‌کنید که اقدامات آنان به مراتب بیش از اسرائیل به فلسطینیان آسیب می‌رساند، آنان گوش خود را گرفته و سر و صدا به راه می‌اندازند و با به کریت (ترکیب نشنیدن و خریت) زدن خود، پس از لحظاتی به همان شعار همیشگی خود درباره اینکه اسرائیلیان مردمانی شیطان‌صفت هستند که زمین‌ها را دزدیده‌اند و باید مجازات گردند و... باز می‌گردند. البته این موقعیت اگر واقعی نبود، می‌توانست خنده‌دار باشد! انکار هویت انسانی فلسطینیان توسط برخی صهیونیست‌ها، اگرچه وحشتناک است، اما با در نظر گرفتن ۶۷ سال خشونت علیه اسرائیل قابل انتظار است؛ اما این‌که فعالان "هوادار فلسطینیان" حتی بیشتر هویت انسانی فلسطینیان را انکار می‌کنند یک تراژدی بزرگ است.

مشکل اساسی ماهیت متعصبانه و وسواس‌گونه

اومانيسم و ليبراليسم دوران نوزايي اروپا و حقوقی شدن سياست (بخش دوم و پايانی)

مرکز مطالعات ليبراليسم - مانی فرزام: تعارض‌های موجود در قانون اساسی و قوانين مدنی جمهوری اسلامی بیش از همه ناشی از تلقی پيشامدرن از دانش حقوق و مفهوم قانون است. حقوقدانان مستقل ایرانی و نظریه‌پردازان اندیشه‌ی حقوقی پیش از این بارها گفته اند که سامانه‌ی دادگستری و قضایی جمهوری اسلامی ایران کاملاً زیر تسلط خوانشی سنتی از فقه دینی است و با استناداردهای حتی سه سده پیش اروپا هم سازگاری ندارد. در این بخش به ادامه‌ی شکل‌گیری حقوق مدرن در دوران نوزایی تا آستانه‌ی دوران روشنگری در سده‌ی ۱۸، دوره‌ای به «مدرنیته‌ی آغازین» (Early Modernity) مشهور است، به‌ویژه در فرانسه می‌پردازیم.

در دانش حقوق جدید عصر نوزایی تا آستانه عصر روشنگری در اروپا، دو مکتب متفاوت وجود داشتند، یکی مکتب فرانسه و دیگری مکتب ایتالیا. فرانسوی‌ها اغلب دیالکتیسیست و اهل بحث‌های نظری درباره حقوق بودند اما ایتالیایی‌ها تجربه‌گراتر بودند. در واقع، اختلاف روش مکتب فرانسه و مکتب ایتالیا اختلاف اسکولاستیسم (روش استدلالی سده‌های میانه) و اومانيسم عملگرا بود. با وجود این، هر دو به این نتیجه رسید بودند که دانش حقوق یک دانش مدنی عملی با قاعده‌هایی سامان‌مند و در خدمت علت‌های واقعی است، نه صرفاً یک فعالیت عالمانه و نظری. بزرگترین مشکلی که حقوق‌دانان و دانشوران دانش مدنی آن دوران با آن مواجه بودند یافتن روش علمی متفاوت از روش‌های دانش‌های دیگر چون فلسفه و علم دستور و فن بلاغت بود. نکته‌ی دیگر درباره‌ی حقوق مدرنیته‌ی آغازین، پذیرش خودکامگی ژوستینیان در قانون رومی از سوی حقوق‌دانان و دانشوران حقوق بود. اغلب آنها در مورد اینکه حاکمیت مطلقه امری ناپسند نیست با یکدیگر توافق داشتند. برای ظهور مشروطیت و حاکمیت مردم هنوز باید منتظر سده ۱۷ و ۱۸ باشیم. در واقع، بیش از همه در این دوران، بازیابی معنای قانون و سازگاری آن با واقعیت‌های اجتماعی اهمیت بیشتری داشت تا نوع رابطه حاکم و قانون. به همین دلیل یکی از علاقه‌های دانشوران حقوق دوران سده ۱۶، دوران باستان و خاستگاه‌های قانون بود. این گرایش آنقدر گسترش یافت که می‌توان از نوعی باستان‌گرایی (antiquarianism) تجدید



پیامد «اقتدار» در معنایی تاریخی و اجتماعی است و حقوق را باید بر اساس تجربه‌ی محلی فهمید نه بر اساس ساختار شبه‌هندسی و انتزاعی. اما این اعتراض‌ها در آن دوران کارگر نیافتاد



مشروطه خواهان تعلق داشتند. دو نفر از این گروه اگویینر بارون (Éguiner-François Baron) حقوق دان مشهور دانشگاه بورژ و لویی لو کارون (Louis Le Caron) در سده‌ی شانزدهم میلادی است. بارون معتقد بود شاه فرانسه بیش از آنکه از امپراتور پیروی کند تابع عقل است، و «قانون مدنی نه توسط عقل امپراتور بلکه توسط امپراتوری عقل» تایید می‌شود. لو کارون نیز برخلاف هواداران حاکمیت مطلقه چون بودن، معتقد بود حاکمیت بیشتر از آنکه به قدرت اجرایی وابسته باشد به خود عدالت یعنی سامانه‌ی دادگستری وابسته است. قضاوت حقوقی و نه قدرت سیاسی از نظر لو کارون، موضوع دانش سیاست (La science politique) که به سلطنت فرانسه هویت می‌داد.

پیدایش قانون طبیعی در معنایی نو

شاید بتوان گفت مهمترین انگیزه‌ی دانش حقوق مدرن یافتن یک سامانه‌ی فراگیر بود که اغلب راهی برای تسلط سیاست بر حقوق به‌شمار می‌رفت. دانش حقوق سامان مند و سیستماتیک تلاش می‌کرد نوعی «فلسفه‌ی راستین» (vera philosophia) در سایه‌ی عقل‌گرایی و در چارچوب «سودمندی همگانی» باشد، چیزی که دو سده بعد توسط ناپلئون بناپارت با ایجاد «قانون مدنی فرانسویان» مشهور به «قانون ناپلئون» (Code Napoléon) به معنای واقعی تحقق یافت. یکی از مفاهیمی که در این دوره شکل گرفت، مفهوم انتقادی حاکمیت در معنایی اخلاقی و موجه بود که بودن و گرگوار (Pierre Grégoire de Toulouse) «حیات سیاسی» یا «حاکمیت همگانی» می‌نامیدند. واژه‌ی فرانسوی که آنها برای این مفهوم استفاده می‌کردند République بود که در انگلیسی Commonwealth به‌کار می‌رود. حقوق دانان و نظریه‌پردازان فرانسوی دوران نوزایی فرانسه اغلب با باورهای ماکیاولی مبنی بر جدایی اخلاق عمومی از اخلاق سیاسی موافق نبودند و در نهایت حاکمیت سیاسی را

نظرطلب در میان دانشوران دانش مدنی آن دوران نام برد. آنها می‌خواستند بدانند چطور سنت‌ها قانون‌های نگاشته شده توسط حکومت را تایید می‌کند، چیزی که تا پیش از آن اصلاً مطرح نمی‌شد. قوانین یا الهی و دینی بودند یا بحثی درباره علل تاریخی وضع قانون‌ها نمی‌شد.

همانطور که در بالا گفتیم دو روش عمده در رویکرد نسبت به دانش حقوق عصر نوزایی وجود داشت، اما این اختلاف فقط محدود به روش نبود. در سراسر اروپا، پس از فروپاشی امپراتوری روم شرقی در سده ۱۵، دولت‌هایی ملی و مستقل و نیمه‌مستقل شکل گرفتند که نیاز به قانون‌های سیاسی و اجتماعی متفاوتی بود. این امر موجب پیدایش نوعی «ملی‌گرایی حقوقی» (juridical nationalism) در مقابل جهان‌گرایی رومی (Roman universalism) در دانش حقوق شد. مهمترین کشوری که از دل امپراتوری روم برخاست فرانسه بود که نیاز به وضع قوانین جدید بود، به ویژه برای پادشاهی ملی بود. فرمول «امپراتور در قلمرو خود» (rex imperator in regno suo) برای پادشاه فرانسه ساخته‌ی دانشوران فرانسوی دانش مدنی نو بود. آنها فرمول قدیمی «خدای جهان» (imperator nunquam dominus mundi) را برای امپراتور نمی‌پذیرفتند. اما منطقه‌ای کردن حاکمیت به معنای مشروط کردن آن و کاستن از قدرت مطلق او نبود، بلکه در فرمولی متناقض با فرمول‌های پیشین، بر اساس فرمول مشهور کلیسا، پادشاه «هیچ کسی را بالاتر از خود در قدرت سیاسی به رسمیت نمی‌شناسد» و «بالاتر از همه پادشاهان قرار دارد» (super omnes reges). در حقیقت در این زمان بود که مواد لازم برای نظریه‌ی فلسفی ژان بودن (Jean Bodin) در کتاب «شش رساله در باب حیات سیاسی» (۱۵۷۶) و طرح حاکمیت ملی مدرن فراهم آمد. اما حقوق دانان فرانسوی هوادار حقوق بومی (vernacular jurisprudence) هم بودند که به گروه اومانيست‌ها و در معنای محدودی،

ديد. اما چه منشا قانون طبيعی باشد چه اختیاری، وجاهت آن جهانشمول است.

در نهایت آنچه را در این نوشته و بخش نخست درباره دگرگونی دانش حقوق اروپا میان دوران نوزایی و آستانه‌ی روشنگری سده ۱۸ گفتیم می‌توان در موضوع‌های زیر خلاصه کرد:

۱. گسترش حرفه‌ی حقوق. از سده‌ی سیزدهم به بعد به تدریج حقوقدانان به بخشی از دستگاه حکومتی تبدیل شدند و این امر تاثیر زیادی بر اندیشه سیاسی و دانش حقوق و در نتیجه فهم جامعه اروپایی شد.

۲. بحث درباره‌ی روش. از بارون تا دکارت، از حقوقدانان تا فیلسوفان، در این دوره یافتن روشی علمی برای بررسی روابط اجتماعی و کارهای اقتصادی یکی از بحث‌های رایج در دوران ابتدایی مدرنیتیه بود.

۳. هرمنوتیک (تفسیر) حقوقی. در دوران مدرنیتیه‌ی آغازین بود که پرسش‌هایی چون منابع، اصالت، نیت مولف، و معنای زمینه‌محور و عقل‌محور قانون‌ها مطرح شد. دانش قدیمی تأویل تاریخی و الهیاتی وارد دانش تفسیر قضایی شد و البته در مقابل این رویکرد، قانون‌گذاری توصیفی و غیرتفسیری همچنان هواداران خود را داشت.

۴. باستان‌گرایی تاریخی در دانش حقوق. پیش از ظهور طبیعت‌گرایی در اندیشه‌ی سیاسی و حقوقی، پژوهش‌های تاریخی درباره‌ی قانون‌ها و نهادهای سده‌های میانه و حتی دوران باستان رواج پیدا کرد. این کاوش‌های تاریخی به حقوقدانان و نظریه‌پردازان امکان می‌داد به تفسیر و تجدید نظر در قانون‌ها دست بزنند. ۵. سنت‌های ناهمسان ملی در حقوق. حقوقدانان کشورهای مختلف در تفسیر حقوق رومی روش‌ها و رویکردهای متفاوتی داشتند و این سبب شد که تفسیرهای

واسطه‌ای برای زندگی اخلاقی شهروندان و سعادت ابدی می‌دانستند، اما در نهایت دریافت آنها از سیاست و حقوق انسان‌گرایانه و غیرکلیسایی بود، به طوری که می‌توان از یک سنت «اومانيسم حقوقی» سخن گفت. یکی از مفاهیم نویی که وارد ادبیات حقوقی آن دوران شد، تعریف نویی از مفهوم قانون طبيعی (jus naturale) شد. قانون طبيعی در دوره‌ی مدرنیتیه‌ی نخستین اغلب یا با قانون الهی، یا «عقل سلیم»، قانون ملل یا حتی سنت (custom) یکسان پنداشته می‌شد. در ضمن، دو تلقی از قانون طبيعی در آن دوره وجود داشت، یکی قانون طبيعی نخستین که با عقل طبيعی هماهنگ بود، دیگری قانون طبيعی از نوع دوم که در رفتار و کردار جمعی مردم منعکس می‌شد.

در میان بنیانگذاران مفهوم مدرن حقوق طبيعی می‌توان از بودن، یوهان اولدندورپ (Johann Oldendorp)، حقوق‌دان و اصلاح‌گر آلمانی، درگذشته ۱۵۶۷ م.)، پوفندورف، هوگو گروتیوس و الهی‌دان-حقوق‌دان اسپانیایی، فرانسیسکو سوارز نام برد. مهمترین دوره‌ی اوج مفهوم قانون طبيعی سده‌ی ۱۷ بود که به فلسفه‌ی طبيعی منجر شد. دکارت، لایبنیتز و هابز مهمترین نظریه‌پردازان حقوق طبيعی در سده هفدهم بودند که در مقابل هواداران «حقوق اثباتی» (jus positum, positive jurisprudence) قرار داشتند. تقابل حقوق طبيعی و حقوق اثباتی به نوعی تقابل طبیعت‌گرایی و تاریخ‌گرایی به‌شمار می‌رفت. این تقابل دوتایی ریشه در تمایز باستانی میان طبیعت و هنجار دارد. به زبان ارستو، میان قانونی که در طبیعت است (physikon) و قانونی که اختیاری است (nomikon) تفاوت هست. شرح این تفاوت در کتابی از هابز با عنوان «گفت‌وگوی میان یک فیلسوف و یک دانشجوی حقوق عمومی انگلستان» (۱۶۶۱) آمده است. هواداران حقوق طبيعی (jusnaturalist) معتقد بودند منشا قانون اقتدار نیست، بلکه عقلانیت متافیزیکی آن یا همان «روح قانون» است. این اختلاف را در سده بعد یعنی سده ۱۸ میان مونتسکیو و ویکو خواهیم

نویی از حقوق کلیسایی و حقوق رومی (usUS modernus Pandectarum) انجام شود.

حقوق طبیعی به حق انقلاب به معنای مدرن واژه تعبیر شد.

۶. حقوق ملل. شکل‌گیری حقوق روابط میان ملت‌ها (jus gentium) در آمدی شد بر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل (international law) و آنچه بعداً ویکو به عنوان «حقوق جهان‌شمول» طرح‌ریزی کرد.

۱۳. ایده‌ی مالکیت خصوصی. این مفهوم که با مفهوم کلاسیک «امر شخصی» پیوند داشت توسط حقوقدانان در امور اقتصادی در کنار مفاهیمی چون کار و سود مطرح شد.

۷. سامان‌مندی حقوقی. سیستم‌سازی حقوقی در سده‌ی ۱۵ به بعد یکی از دستاوردهای مهم این دوران به شمار می‌رود و در آن حقوقدانان فرانسوی نقش زیادی داشتند.

۱۴. ایده‌ی قرارداد. این مفهوم که ریشه‌ی رومی داشت بعدتر از قلمرو اقتصاد وارد سیاست شد و در پی استدلال‌های فلسفی معنای اجتماعی یافت. ۱۵. ایده‌ی حقوق‌دان کامل. به موازات کامل‌تر شدن دانش حقوق، و شکل‌گیری اومانيسم حقوقی، به تدریج حقوقدانان مانند فیلسوفان به‌عنوان استادان علوم سیاسی و حقوقی مطرح شدند.

۸. حقوق طبیعی. تلاش برای تعریف قانون طبیعی بخشی از سامانه‌ی حقوق عقلگرا بود که در سده هفدهم به تلاش برای جدایی کامل از حقوق رومی بر اساس نظم طبیعی انجامید. پیدایی حقوق طبیعی به موازات پیدایی مدل‌های متافیزیکی و هندسی در سده ۱۶ و ۱۷ بود.

۱۶. نقد حقوق و نقد حقوق‌دانان. همانطور که حقوقدانان در سده‌ی ۱۶ و ۱۷ معتبرتر می‌شدند مخالفت‌ها با آنها نیز بیشتر می‌شد. لوتر به عنوان نمونه در مقابل مفهوم «حقوق‌دان کامل» این ضرب‌المثل قدیمی را تکرار می‌کرد: «وکیل مسیحی بدی ست.» اما چه در دفاع چه در نقد دانش حقوق، دانش حقوق نقش زیادی در شکل‌گیری مدرنیته‌ی اروپایی داشت. به هر ترتیب، دانش مدنی کهنه جای خود را به تدریج به حقوق طبیعی می‌داد و از فلسفه‌ی سیاسی سنتی فاصله می‌گرفت. البته بودند حقوقدانان هوادار حقوق اثباتی که از عقلگرایی افراطی در نظریه‌های قرارداد اجتماعی انتقاد می‌کردند. برای نمونه، بعدتر ویکو از بنیان‌های دانش مدنی قدیم برای ساختن «دانشی نو» بر اصول انسانی و البته ضدطبیعت‌گرا بهره برد. ویکو معتقد بود «قطعیت» پیامد نخستین عقل نیست، بلکه پیامد «اقتدار» در معنایی تاریخی و اجتماعی است و حقوق را باید بر اساس تجربه‌ی محلی فهمید نه بر اساس ساختار شبه‌هندسی و انتزاعی. اما این اعتراض‌ها در آن دوران کارگر نیافتاد. گرایش به عقل‌جهانشمول و انتزاعی تا سده‌ی ۱۹ که مکتب

۹. ایده‌ی حاکمیت. مفهوم حقوقی حاکمیت در واقع به صفات «امپراتور» که مبتنی بر حقوق و امتیازات شاهانه بود اطلاق می‌شد به تدریج شکل گرفت.

۱۰. ایده‌ی سنت. سنت یا عرف، مستقل از معنای اجتماعی و فرهنگی معنایی حقوقی یافت و به‌عنوان «روح» تصحیح‌کننده‌ی حقوق رسمی پذیرفته می‌شد. سنت نقطه‌ی تماس مهمی میان انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و حقوق بود.

۱۱. ایده‌ی آزادی. مفهوم پروتستانی و ژرمانیک آزادی وجدان به تدریج با مفهوم وضعیت بشر در حقوق عرفی پیوند خورد و حتی به‌عنوان حقوق «طبیعی» و در ضمن مدنی انسان به رسمیت شناخته شد. ۱۲. ایده‌ی مقاومت. این ایده که با ایده‌ی آزادی پیوند داشت، با مفهوم دینی و خصوصی دفاع از خود پیوند خورد و در قلمرو

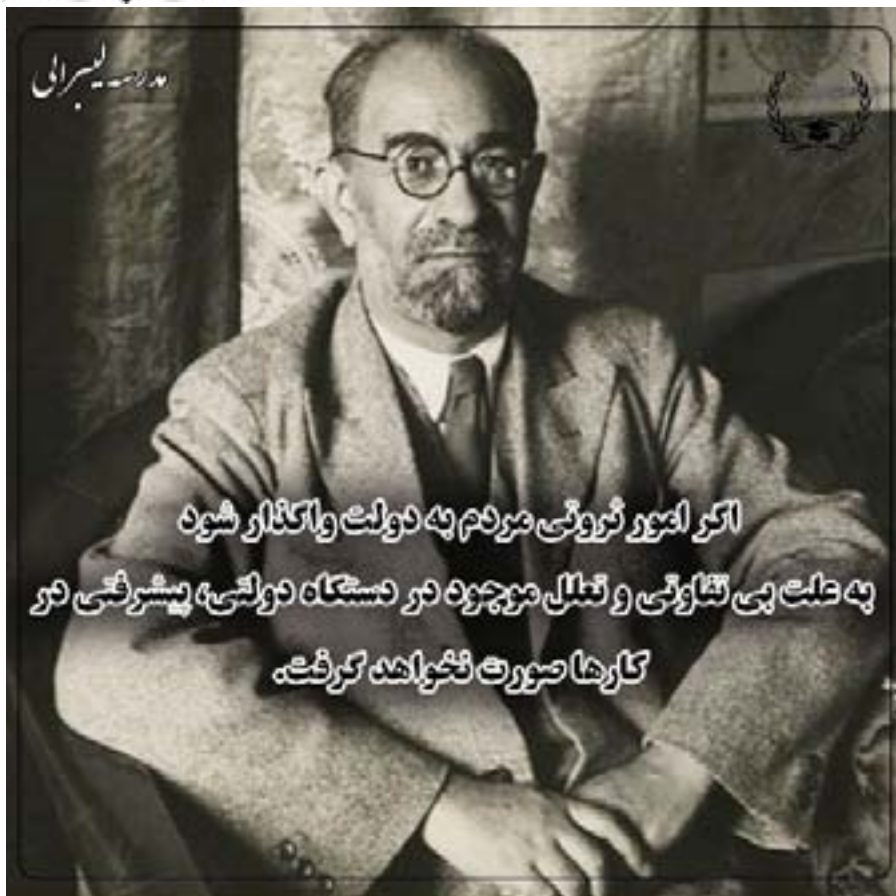
تاريخي گري به وجود آمد هواداران زيادي داشت. دانش حقوق مدني زير سايهي حقوق طبيعي و دانش مدني زير سايهي دانش طبيعي قرار گرفت.

Evans, G.R., Law and Theology in the – middle Ages, Routledge ,۲۰۰۲.

منابع:

- طباطبائي، جواد، مفهوم ولايت مطلقه در اندیشه‌ي سياسي سده‌هاي ميانه، نگاه معاصر، ۱۳۸۰.

The Cambridge’s History of Political – Thought: ۱۷۰۰-۱۴۵۰, ed. Burns, J.H., ۱۹۹۱, Cambridge University Press



پيرسايي

اگر انور ثروتي مردم به دولت واگذار شود
به دليل بي تفاوتی و تعطل موجود در دستگاه دولتي، پيشرفتي در
کارها صورت نخواهد گرفت.



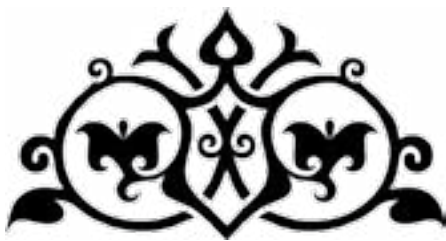
ایران آن‌گونه که است تا جعل یک ایران خیالی



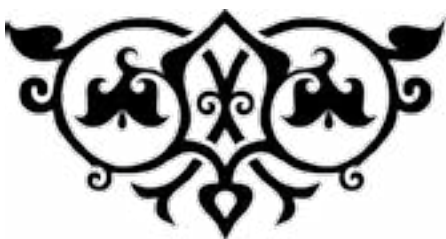
سعید قاسمی نژاد

همه کسانی که به کشور دیگری مهاجرت می‌کنند دوست دارند بتوانند به میهن اصلی خود در سرزمین جدید افتخار کنند. ایران متأسفانه ظرف سی سال اخیر برای مهاجران ایرانی مایه افتخار نبوده است. حمایت از تروریسم در خارج و سرکوب آزادی‌های اساسی در داخل و تحمیل عقب‌افتاده‌ترین ایدئولوژی‌های قرون وسطایی به کشوری که زمانی مهد تمدن بوده است، تصویری دوست‌داشتنی از ایران به جهان ارائه نداده است. در تمامی نظرسنجی‌های انجام‌شده، چهره ایران در نزد افکار عمومی عمده کشورهای جهان، تصویری تاریک و منفی است. واکنش مهاجران ایرانی به این مسأله متفاوت بوده است. از تغییر نام و انکار ریشه ایرانی خود تا تلاش برای فهماندن تفاوت میان جمهوری اسلامی و ایران به مخاطب... یکی از واکنش‌هایی که این روزها طرفداران بیشتری دارد انکار واقعیت است. به نظر می‌رسد کسانی از اینکه تغییری در نظام سیاسی حاکم بر ایران یا در رویه و رفتار جمهوری اسلامی رخ بدهد ناامید شده‌اند و از تصویر منفی سرزمینی که در آن به دنیا آمده‌اند در چشم مردمان سرزمینی که به اختیار در آن زندگی می‌کنند به تنگ آمده‌اند در یک طرح ابتکاری تصمیم گرفته‌اند اصل قضیه را منکر بشوند: این حرف‌ها که درباره جمهوری اسلامی زده می‌شود دروغ است. جمهوری اسلامی هم نظامی است مثل باقی حکومت‌ها که در آن مثل همین آمریکا و اروپا فساد و خانواده سالاری

رایج است. در همه جای دنیا نوعی از شورایی نگهبان است. در همه جای دنیا با مخالفانی که بخواهند اصل نظام را تغییر بدهند برخورد شدید می‌شود. در همه جای دنیا حقوق بشر نقض می‌شود. تندروها در جمهوری اسلامی مثل جمهوریخواهان آمریکا یا محافظه‌کاران اروپا هستند و میانه‌روها مثل دموکرات‌ها و لیبرال‌ها و قس علیهذا. این به‌سازی چهره پُرچاله‌چوله‌ی جمهوری اسلامی و ایران تحت حاکمیت آن، اگر موفقیت‌آمیز باشد البته به جمهوری اسلامی و این مهاجرین کمک می‌کند، اما بعید است به مردمی که واقعا تحت لوای حکومت جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند کمکی کند. برای افتخار به میهن، آن میهن باید واقعا و در عمل مایه‌ی افتخار باشد. به جای جعل یک تصویر خیالی از میهنی که وجود ندارد، بهتر است تلاش کرد آن سرزمین را به جای واقعا بهتری بدل کرد و بر حاکمان آن سرزمین فشار گذاشت نه این‌که وضعیت تأسف‌باری را که بسیاری از هم‌میهنان‌تان در آن زندگی می‌کنند، به دروغ، وضعیتی عادی و حتی بیش از آن تحسین‌برانگیز نشان بدهید.



برای افتخار به میهن، آن
میهن باید واقعا و در عمل
مایه‌ی افتخار باشد



تئودور آدورنو: علیه لیبرالیسم، علیه موسیقی جَز



فرهاد سلیمان نژاد

تئودور آدورنو در کتاب «دیالکتیک روشنگری»، موسیقی «جَز» (Jazz) را به مثابه یکی از مصادیق آنچه خود آن را «صنعت فرهنگ» نام نهاد نکوهیده، و به زعم خویش از اعتبار انداخته است. در پس براهین وی که با زبان یا جوج مأجوج هگلی بیان می‌شود، بیش و پیش از هر چیز نفرت لاعلاجی از سرمایه‌داری و لیبرالیسم نهفته است که در منطق دیالکتیکی آدورنو علت فاشیسم نیز محسوب می‌شود. ۱ رد این نفرت احتمالاً درمان‌ناپذیر را می‌توان نزد قاطبه‌ی فرَق مارکسیستی از بلشویسم تا چپ جدید پی جست. این نفرت در پس براهینی چون اشاعه و تحمیل فرهنگ مصرفی، تحمیل توده‌ای، مغزشوئی، خلق نیازهای مجعول و... مستور است که طبق تئوری فراگیر مارکسیستی مشهور به «تئوری توطئه»، کارکرد اصلی آن تضمین سیطره‌ی سرمایه‌داری است که به دروغ بر نقاره‌ی بدنوای لیبرالیسم و آزادی می‌کوبد تا به واسطه‌ی آن توده‌های از خودبیگانه را به آزادی لگام‌گسیخته‌ی در مصرف من جمله مصرف تولیدات صنعت فرهنگ چون موسیقی جَز تهییج کند تا برای حفظ و تحکیم نظام «یک‌دست‌ساز» سرمایه‌داری لیبرالی فایده‌مند باشد. از این حیث در بینش آدورنو و دیگر رفقاییش، آزادی ممدوح لیبرالیسم آزادی در مصرف است نه آن آزادی ناکجاآبادی و شاعرانه‌ای که مارکسیسم و دیگر فرقه‌های رومانتیسم فلسفی با بینشی پیشگویانه نویدش می‌دهد. همچنین در خلال دعاوی و براهین آدورنو می‌توان آن خوی نخبه‌گرایانه‌ی شبه‌فاشیستی را نیز بازشناخت که صنعت فرهنگ و تولیدات آن چون موسیقی جَز را به فرومایگی و فقر زیبایی‌شناختی متهم می‌کند و از این منظر مصرف‌کنندگان آن را نیز. این خوی نخبه‌گرایی و ضدلیبرالی آدورنو که با حمله‌ی فلسفی وی به «شعور متعارف» و «عقل سلیم» (common sense) نیز همراه است، باعث شد که وی در جوانی و در کوران



از دیگر سو ماهیت
لیبرالیستی موسیقی جَز در
نقش بی‌بدیل هنرمند خالق
نیز بنیادی دارد.



بود. مع الوصف اگرچه آدورنو مسئولیت این خبط گذشت‌ناپذیر را بر عهده گرفت، با اینهمه هرگز دست از ایده‌های باطلش علیه لیبرالیسم نکشید. فی‌الواقع میان حمله‌ی نخبه‌گرایانه‌ی آدورنو علیه لیبرالیسم فرهنگی و مصادیق آن چون موسیقی جَز و نفرت زیاد الوصف نازیسم علیه فرهنگ لیبرالی تشریک مساعی و همسویی همچنان پایدار ماند. نه‌تنها فرو غلتیدن در منجلاب نازیسم باعث نشد که آدورنو قلبی به نخبه‌گرایی فرهنگی خود تردید کند، بلکه تا آخر عمر بر آن پای فشرده.

البته حق با آدورنو است! جَز در ساختار خود گونه‌ای موسیقی لیبرالیستی است که مرزهای تعریف شده‌ی موسیقی نخبه‌گرا را در می‌نوردد و خود را از حصار الزامات آن رها می‌سازد. از این حیث موسیقی جَز تجسم و تجسد زیباشناختی آزادی است در بستر هنر موسیقی. پربیراه نخواهد بود اگر سرمنشاء روانشناختی این اراده‌ی معطوف به آزادی را برآمده از خاستگاه طبقاتی و تاریخی موسیقی جَز بپنداریم. می‌دانیم که جَز و بلوز موسیقی سیاهان آمریکاست؛ همان اقلیت سرکوب‌شده‌ای که به جرم بیولوژیکی (!) رنگین‌پوستی، طی چندین نسل رنج و محنت حُزن‌آور و نفرت‌انگیز نژادپرستی و برده‌داری را متحمل شدند و سال‌ها پس از اصلاحات آبراهام لینکلن همچنان به مبارزات خود ادامه دادند و در نهایت نیز با زعامت و رهبری مارتین لوتر کینگ مقتول نژادپرستی را در کشور آمریکا به زباله‌دان تاریخ پرتاپ کردند.

همان آمریکایی که با همه‌ی صنعت فرهنگ‌سازی‌اش مفر آدورنو و دوستانش از شر نازیسم بود! تبعاً با تصور چنین تجربه‌ی محنت‌باری از نژادپرستی، می‌توان میل بنیادین سیاهان به آزادی را درک کرد که در ساختار موسیقی جَز نیز رسوخ کرده و مأوا گزیده است. همچنان که گفتیم آدورنو موسیقی جَز را هنری توده‌ای می‌پنداشت که مبتلا به فقر زیبایی‌شناختی

رخدادهای سیاسی و اجتماعی دهه‌ی چهل آلمان به شکل نفرت‌انگیزی همچون همه‌ی نخبه‌های ضدلیبرال آلمان به نازیسم متمایل شود. وی در ژوئن ۱۹۳۴ در نشریه‌ی Die Musik که ارگان رسمی سازمان جوانان رایش بود، در ستایش از ترانه‌های هربرت مونتسل مقاله‌ای منتشر کرد. نکته اینجاست که این ترانه‌ها خود متأثر بود از اشعاری از بالدور فن شیراخ که به «پیشوا آدولف هیتلر» تقدیم شده بود. مضمون مقاله‌ی آدورنو تلاش برای «احیاء گونه‌ای رومانتیسم جدید» است که با «رنالیسم رمانتیک» گوبلز منطبق باشد.

سال‌ها بعد در ژانویه‌ی ۱۹۶۳ دانشجویی به نام کلوس. چ. شرودر در یک نشریه‌ی دانشجویی به نام Diskus طی نامه‌ای سرگشاده نویسنده‌ی کتاب «اخلاق صغیر» را خطاب قرار داد و راجع به درستی تا نادرستی این مسأله طرح پرسش کرد.

شرودر نوشت آدورنو که خود نظر مساعدی نسبت به نازیسم و ترانه‌های نفرت‌انگیز شاعران آن داشته، چطور می‌تواند همه‌ی کسانی را که پس از سال ۱۹۳۴ با رژیم هیتلر همراه بوده‌اند را مورد حمله قرار دهد! آدورنو در پاسخ خود به سوالات شرودر اعتراف کرد که نویسنده‌ی آن مقاله خود وی بوده و با پذیرش مسئولیت آن فصاحت تاریخی از کرده‌ی خود ابراز پشیمانی کرد. البته وی این کرده‌ی وقیحانه‌ی خود را با احاله به «انگیزه‌ی خیرخواهانه» ی خود «مصلحتی ناشیانه» خواند که غرض از آن هیچ نبوده جز کمک رساندن به موسیقی مدرن برای نجات از «سرمای زمستان رایش سوم». آدورنو تأکید کرد که بر اساس یک «ارزیابی خطا» مرتکب آن خطا شده؛ لکن با این وجود اعلام آمادگی کرد تا در هر محکمه‌ی مستقل و بی‌طرفی محاکمه شود. الغرض این همسویی آدورنو با نازیسم حتی اگر خطایی مقطعی و ناشی از یک ارزیابی اشتباه انگاشته شود، یک رویه‌ی رایج در میان اکثر روشنفکران و نخبگان آلمانی در ۱۹۳۴ محسوب

است. لکن از بداقبالی او موسیقی جَز به لحاظ ساختاری و موسیقایی از چنان قابلیت‌های نادری برخوردار است که از رُستن‌گاه تاریخی، فرهنگی و طبقاتی خود فراتر رفت و در جایگاه موسیقی نوابغ و نخبگان استعلا یافت؛ تا بدانجا که امروزه برای طرفداران این سبک از موسیقی، سبک‌های دیگر موسیقی صنعت فرهنگ چون راک، به یک آلودگی صوتی گوش‌خراش می‌ماند و نه بیش!

از دیگر سو ماهیت لیبرالیستی موسیقی جَز در نقش بی‌بدیل هنرمند خالق نیز بنیادی دارد. خلق موسیقی جَز بیش و پیش از هر چیز به نبوغ و قدرت بداهه‌نوازی نوازنده ابتداء دارد تا خلاقیت آهنگسازی که در موسیقی مورد نظر آدورنو همچنان حاکمی قدار و مطلق است. فی‌الواقع نوازنده‌ی موسیقی جَز «سوژه‌ای» آزاد است که در حریت و استقلال کامل به آفرینش موسیقی می‌پردازد. البته آزادی نوازنده‌ی جَز با اشراف تامه‌ی او به دانش موسیقی و قدرت بی‌بدیل نواختن ممکن نیست و از این حیث آزادی نوازنده در این سبک موسیقی را منطبق با آزادی لیبرالیستی «آزادی‌ای مشروط» است نه بی‌قید و شرط.

از این حیث برخلاف تنگ‌نظری آدورنو، موسیقی جَز نه‌تنها پدیده‌ای توده‌ای نیست، بلکه به بالاترین سطح نبوغ ذوقی و توان تکنیکی نیز محتاج است. ویژگی دیگر موسیقی جَز توان و امکان نادر آن در گفتگو با سنت موسیقی است. سنتی که آدورنو با رویکردی مستبدانه و شبه‌فاشیستی بر حجیت مطلق زیبایی‌شناختی آن اصرار می‌ورزد و هر هنری را که با آن منطبق نباشد با اطلاق عنوان صنعت فرهنگ و هنر توده‌ای تحقیر می‌کند. جَز می‌تواند سنت موسیقی را به گفتگو فرا خواند و در شریان‌های آن هستی دوباره تزریق کند. این همان رخداد زیبایی‌شناسانه‌ی خارق‌العاده‌ای است که روان آدورنو را ملتهب می‌سازد، آنچنان که از بازخوانی مدرن فلان سمفونی بتهوون توسط موسیقی جَز به وحشت می‌افتد و چونان

استادش هگل در سوگ «مرگ هنر» نوحه سر می‌دهد. موسیقی جَز موسیقی «رواداری» (Tolerance) است و همین رواداری لیبرالیستی است که این امکان را فراهم می‌کند تا موسیقیدان جَزیست بتواند هر سنتی از موسیقی را به گفتگویی موسیقایی فرا بخواند. در این میان فرقی نمی‌کند که این سنت موسیقایی متعلق به عصر باروک باشد یا موسیقی مقامی آذربایجان. در باب مورد اخیر از خانم عزیزا مصطفی‌زاده یاد می‌کنم که نمونه‌ی منحصربه‌فرد گفتگوی مدرن با یک سنت بومی موسیقایی است.

لازم به ذکر است که مسئولیت نگارش کتاب «دیالکتیک روشنگری» همزمان بر عهده‌ی آدورنو و هورکهایمر است. اما همچنان که گونزلین اشمیدنور نیز بدان اشاره کرده است، احتمالاً آدورنو نویسنده‌ی نخستین نسخه‌ی فصل «صنعت فرهنگ‌سازی» از کتاب مورد اشاره است. همچنین با توجه به تخصص آدورنو در موسیقی و گرایش او به شوئنبرگ، احتمال اینکه مباحث مرتبط با موسیقی جَز متعلق به او باشد بسیار است.

۱. آدورنو به همراه ماکس هورکهایمر در کتاب فوق‌الذکر که حجم وسیعی از جملات آن غیرقابل‌فهم است استدلال می‌کند که برآمدن فاشیسم از بطن فلسفه‌ی روشنگری امری بود اجتناب‌ناپذیر. تصور نمی‌کنم نیازی به تأکید داشته باشد که لیبرالیسم شکل فراگیر سیاسی برآمده از فلسفه‌ی روشنگری است. ترجمه‌ی بسیار بدخوان و به‌مراتب غیر قابل‌فهم‌تری هم از این کتاب به فارسی صورت گرفته که اکیدا توصیه می‌کنم از خواندن آن دوری شود.

۲. در خصوص ماجرای مرتبط به آدورنو بنگرید به کتاب زیر: فلیپ لاکولابارت: هایدگر، هنر و سیاست، افسانه‌ی امر سیاسی، ترجمه‌ی مهدی نصر، انتشارات رخداد نو، تهران، ۱۳۹۰، صص ۱۴۹-۱۵۰

مماشات با رژیم ایران به جهانی خطرناک‌تر منتهی خواهد شد

در چند هفته گذشته، شماری از فعالان ایرانی، با صدای بلند، حمایت خود را از توافق هسته‌ای میان ایران و گروه ۱+۵ (چین، روسیه، فرانسه، انگلستان، آمریکا و آلمان) اعلام کردند. ما در عین حال که به تجربه و دیدگاه این افراد احترام می‌گذاریم، شنیدن دیدگاه‌های دیگر را نیز مهم می‌دانیم.

ما جمعی دیگر از فعالان ایرانی را نمایندگی می‌کنیم که اگرچه مانند بقیه جهان، امید به آینده‌ای بهتر داریم، اما معتقدیم که مماشات با رژیم ایران، به جهانی خطرناک‌تر منتهی خواهد شد. ما زندگی خود را صرف حمایت از صلح، عدالت و آزادی در ایران کرده‌ایم. ما طیف متنوعی از ایرانیان را نمایندگی می‌کنیم که می‌خواهند به جهان درباره خطر این رژیم، صرف‌نظر از تعداد سانتریفیوژهایی که در ایران در حال چرخش هستند، هشدار بدهند. این توافق، نزدیک به ۱۵۰ میلیارد دلار پول نقد بادآورده را به حساب بانکی مستبدان و دین‌سالاران حاکم بر کشور ما می‌ریزد. این پول، خرج مردم ایران نخواهد شد بلکه صرف تقویت رژیم سرکوب‌گر می‌شود. متأسفانه، دنیا خواستار بهبود واقعی در اوضاع حقوق بشر در ایران نشده است. هزاران فعال (از جمله چند آمریکایی) همچنان پشت میله‌های زندان عذاب می‌کشند و این خیلی غم‌انگیز است که آزادی آن‌ها در مذاکرات مطرح نشده است.

ما قبل از این‌که خیلی دیر شود، زنگ خطر را به صدا در می‌آوریم. آن‌هایی که به صلح اهمیت می‌دهند، باید به بازگرداندن تمرکز، روی سوابق حقوق بشری وحشیانه‌ی رژیم ایران، حمایتش از تروریسم جهانی، و نقش آن در بی‌ثبات کردن خاورمیانه کمک کنند. باید فشار بیشتری بر این رژیم وارد شود.

روزی که سرانجام مردم ایران آزاد شوند، در نظر خواهند داشت که چه کسانی در کنارشان ایستادند و چه کسانی در کنار رژیم قرار گرفتند. هنوز برای پاسخ‌گو کردن رژیم ایران در ارتباط با نقض ادامه‌دار حقوق بشر دیر نشده است. امروز در ایران، زندانیان سیاسی شکنجه می‌شوند. وبلاگ‌نویسان، روزنامه‌نگاران، و معلمان، پشت میله‌های زندان هستند. حقوق جنسی و مذهبی زیر پا گذاشته می‌شود. و با زنان به عنوان شهروندان درجه دو رفتار می‌شود.

توجه‌گران و مماشات‌جویان غربی حکومت دینی ایران، هیچ لطفی در حق مردم این کشور نمی‌کنند. آن‌ها احتمال تغییر مثبت در ایران را کم و امید ایرانیان را ناچیز می‌کنند. آن زمان که رژیم ایران دیگر از مردم خود نترسد، دنیا نیز دلیلی برای ترسیدن از این رژیم نخواهد داشت.

امضاکنندگان:

آویده مطمئن‌فر، احمد باطبی، احمد عشقیار، احمد مصطفی‌لو، اشکان منفرد، افشین افشین‌جم، افشین عمرانی، الهام یعقوبیان، امیرحسین اعتمادی، امیرخسرو شیبانی، بابک سراج، برزومهر طلوعی بنفشه پورزند، بهرام بهرامیان بهزاد مهرانی، بیژن فتحی، پرویز صیاد، پیتر کهن‌لو، حسن داعی، حسین لاجوردی، دامون گلریز، دانیال جعفری، رضا تقی‌زاده، روزبه فراهانی‌پور، سام بیبری، سایه سعیدی سیرجانی، سعید قاسمی‌نژاد، سلمان سیما، سهیلا نیک‌پور، سیاوش صفوی، سیاوش عبقری، سیروس ملکوتی، شادی پاوه، شایان آریا، شب‌نم اسداللهی، شهلا عبقری، شیما کلباسی، شیوا محبوبی، علی‌رضا کیانی، فرخ زندی، کاوه آهنگری، کاوه طاهری، کیوان کابلی، لیونا عیسی‌قلیان، مارینا نعمت، مجید رفیع‌زاده، مجید محمدی، مرجان کی‌پور، مریم مؤمن‌زاده، مسعود مسجودی، منصوره ناصرچیان، مهوش علاسوندی، میترا پورشجری، نیما راشدان، یوحنا نجدی

درباره توافق هسته‌ای



نیما ارشادان

چرا این یادداشت نوشته شده؟

این یادداشت تاثیر خاصی روی کسی که مدت‌ها است تصمیمش را برای حمایت/عدم حمایت از توافق آقایان خامنه‌ای و اوباما گرفته نخواهد گذارد. روان سیاسی آدم‌ها با استدلال شکل نمی‌گیرد؛ بیشتر لاتاری تولد است؛ از شهر یا روستا و لایه اجتماعی، تربیت و دوستی‌های دوران نوجوانی-جوانی‌شان می‌آید. دو نفر خواهر و برادر، از یک خانواده، از یک شهر به صورت کاملا تصادفی، با دو نفر دیگر که یکی مجاهد و دیگری مجاهد انقلاب اسلامی است دوست می‌شوند. نفر اول سال‌ها است که در خاوران خفته، دومی نماینده مجلس، وزیر و بعد مغضوب و زندانی سیاسی. ذیل به صدر، صدر به ذیل.

نظر کسی با خواندن این مطلب عوض نمی‌شود. عوض هم که می‌شد باز انتشار این مطلب فایده خاصی نداشت چون "Outreach" میزان نشر و بازنشر این مطلب به زحمت سه یا چهار رقمی خواهد بود، فرض کنید ۲۰ هزار نفر نهایتاً این مطلب را خواهند خواند. در وضعیت فعلی، گروه‌های رقیب در فضای سیاسی ایران برای کسب محبوبیت، هزینه آگهی پرداخت می‌کنند. محبوبیت می‌خرند. پوشش دیدگاه‌های مختلف حکومتی در ایران با هزینه‌ای که برای خرید محبوبیت پرداخت می‌شود فوق‌العاده بالا است، یکی برای محبوبیت ۲ میلیون واحد خانه و چند ده‌هزار تن سیب‌زمینی هدیه می‌دهد، دیگری نصف روزنامه‌ها و صفحات محبوب فیسبوک را می‌خرد و آن یکی مالک مطلق صدا و سیما است، رقم Outreach همه ایشان ۸ رقمی است. این مطلب اساساً شنیده نخواهد شد. کما این‌که صدای مخالفان فراندوم «جمهوری اسلامی آری/ خیر» هم میان غریو فریادهای توفنده ایرانیان سرمست از پیروزی،

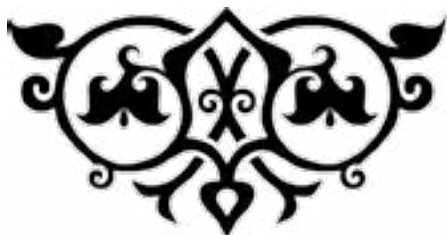


۱۷ اسفند ۱۳۵۷ در برابر
آن ۹۸,۲ درصد، جمع چند
هزار نفری زنان تحصیل‌کرده
و شهری ایرانی علیه حجاب
تظاهرات کردند





صدای آن هشت دهم درصد
شنیده نشد؛ صدای ما
هم در وضع ناپایدار فعلی
شنیده نخواهد شد.



زیست‌بوم خشک و غیرقابل سکونتی است که
حتی برای واردات غلات، نیازمند کمک‌های
بشردوستانه سازمان ملل متحد خواهد بود.

۱۷ اسفند ۱۳۵۷ در برابر آن ۲/۹۸ درصد، جمع
چند هزار نفری زنان تحصیل کرده و شهری ایرانی
علیه حجاب تظاهرات کردند. آن تظاهرات درست
مثل این یادداشت تاثیر خاصی نداشت. شهادت
آن زنان، یک کلیپ ویدئویی ۱۲ دقیقه‌ای شد از
یک تلویزیون فرانسوی تا ۳۶ سال بعد ایرانیان
ببینند، لحظه‌ای بیاندیشند و محکم بر پیشانی‌شان
بکوبند که کاش اجازه داده بودیم آن هشت دهم
درصد مخالفان فراندوم حداقل نظرشان را گفته
بودند.

با خودمان چه کردیم...

از مسعود رجوی و موسی خیابانی گرفته تا
صادق خلخالی، شنیده نشد. ۲/۹۸ درصد به قتل
عام خودشان، به نابودی اقتصاد و طبیعت و همه
زیرساخت‌ها و به خروج دسته‌جمعی و یکپارچه‌ی
الیت علمی، صنعتی ایران و به کوچ دسته‌جمعی
ایرانیان مسیحی، یهودی و دیگر اقلیت‌ها، به
جنگ و قتل عام و خاوران رای مثبت دادند. در
همسایگان جنوبی ایران دلار چهار درصد گران‌تر
شد، در این ۳۵ سال ایران، البته ۵۰۰ برابر.

صدای آن هشت دهم درصد شنیده نشد؛ صدای
ما هم در وضع ناپایدار فعلی شنیده نخواهد شد.
خیلی چیزهای دیگر هم دیده نخواهد شد: قیمت
ماندگار نفت ۳۰-۴۰ دلاری که درآمد نفتی ایران
را عملاً صفر می‌کند. خشکیدن اکثریت دشت‌های
چند هزارساله کشور، هجوم ۱۵ میلیون روستایی
تشنه به حاشیه شهرهای بزرگ، بحران فراگیر
غله و گرسنگی ایران در پایان دهه ۱۳۹۰،
شورش‌های حاشیه شهرها و درگیری‌های
منطقه‌ای و... این‌ها هم شنیده نخواهند شد. اما
اتفاق خواهد افتاد. و اتفاق افتاد.

سن رای را ۲ سال پایین آوردند تا نوجوان ۱۶
ساله به ولایت فقیه آقای خمینی رای مثبت دهد،
آن نوجوان ۱۶ ساله‌ی سال ۵۸ (متولد ۱۳۴۲)
میان سنی صدها هزار قربانی جنگ ایران و عراق
و قتل‌عام‌های سیاسی شد. نسل بر باد رفته.
خرداد ۱۳۷۶ نسل بعدی میان کف و سوت و
غریو شادی به اصلاحات رای داد دست بر قضا
متولدین همان فراندوم کذایی و ۱۶ سال بعد به
لحاظ تکتک شاخص‌های رضایت و توسعه‌ی
انسانی بی‌سرانجام‌ترین نسل تاریخ معاصر شد.
امروز ۳۵ ساله است و میانسال. درد درونی این
نسل نیازمند توضیح نیست. ۱۳۹۲ درست همان
رقم جادویی ۱۶ برای حسن روحانی و ظریف
لایک زد و تدبیر و امید شیر کرد.

اما این دفعه ۱۶ سال زمان لازم نیست. ۶ سال
بعد از این، به گفته عیسی کلانتری، این نسل ساکن

رها بحرینی، پژوهشگر سازمان عفو بین‌الملل: حسن روحانی برنامه و عزمی برای بهبود حقوق بشر ندارد



مرکز مطالعات لیبرالیسم - یوحنا نجدی: نزدیک به بیست و دو ماه از عمر دولت حسن روحانی در ایران می‌گذرد و در این مدت، عمده‌ی تمرکز این دولت به حل پرونده‌ی هسته‌ای و سر و سامان دادن به وضعیت اقتصادی بحرانی کشور اختصاص داشته است. در این میان، آنچه کمتر به آن پرداخته شده، مساله‌ی آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و وضعیت حقوق بشر است که بهبود بخشیدن به آن، از جمله وعده‌های اصلی آقای روحانی در کارزار انتخاباتی‌اش در سال ۱۳۹۲ به شمار می‌رفت. درباره‌ی کارنامه حقوق بشری دولت حسن روحانی، با رها بحرینی، حقوق‌دان و پژوهشگر سازمان "عفو بین‌الملل" گفتگو کرده‌ام. خانم بحرینی که سازمان متبوعش وضعیت حقوق بشر در ایران را به دقت رصد می‌کند، می‌گوید کارنامه حقوق بشری دولت روحانی با وعده‌های او پیش از انتخاب شدن به سمت ریاست جمهوری اسلامی فاصله بسیاری دارد.

یوحنا نجدی: بسیاری از افرادی که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ به آقای روحانی رأی دادند، امیدوار بودند که با به قدرت رسیدن وی، وضعیت حقوق بشر در ایران بهبود یابد. در حالی که چند ماه بیشتر به پایان دومین سال ریاست جمهوری آقای روحانی باقی نمانده، وضعیت حقوق بشر در دوران دولت کنونی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

رها بحرینی: وضعیت حقوق بشر در ایران طی دو سال گذشته "بسیار نگران‌کننده" بوده است و با وجود امیدهایی که بعد از انتخاب آقای روحانی به ریاست جمهوری ایجاد شده بود، ما در بسیاری موارد حتی شاهد وخیم‌تر شدن وضعیت حقوق بشر در ایران بودیم. از جمله مواردی که باعث افزایش نگرانی‌ها



سازمان "عفو بین‌الملل"
همیشه از وعده‌های مقامات
جمهوری اسلامی نسبت به
بهبود وضعیت حقوق بشر در
ایران استقبال می‌کند



رها بحرینی: آقای روحانی به عنوان رییس جمهور بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی موظف به اجرای قانون اساسی هستند و در موارد تخلف، عدم اجرا و نقض اصولی از قانون اساسی اساسی می‌بایست به شکل رسمی به نهادهای متخلف اخطار و تذکر بدهند.

علاوه بر این از ایشان انتظار می‌رفت که حداقل در صحبت‌های رسانه‌ای، اعتراض بیشتری به بازداشت‌های خودسرانه و حکم‌های ناعادلانه ابراز کنند. اما ما نه تنها با سکوت آقای روحانی مواجه هستیم بلکه در برخی از موارد، وزیر یا سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در حمایت از موارد نقض حقوق بشر در ایران و مشخصاً اعدام‌ها سخن گفته‌اند.

برای مثال، چندین ماه قبل آقای ظریف در گفتگویی با خبرنگار بی‌بی‌سی از آمار بالای اعدام افراد به دلیل جرایم مربوط به مواد مخدر دفاع کردند و گفتند که به مقابله با این معضل "افتخار" می‌کنند.

این در حالی است که بر اساس اصل ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که ایران هم در آن عضو است، استفاده از مجازات اعدام برای جرایم مربوط به مواد مخدر جایز نیست و نهادهای حقوق بشری و سازمان ملل، سال‌ها است که نسبت به صدور حکم اعدام برای جرایم مربوط به مواد مخدر معترض هستند و آنها را محکوم می‌کنند.

یوحنا نجدی: با توجه به توضیحاتی که دادید این سوال به وجود می‌آید که اصولاً آقای روحانی در دوران رقابت‌های انتخاباتی، چقدر در وعده‌های حقوق بشری خود با مردم "صادق" بودند؟

شده است می‌توان به آمار بالای اعدام در دو سال گذشته اشاره کرد که حتی بزهکاران نوجوان - یعنی کسانی را که در زمان وقوع جرم زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند - در بر می‌گیرد. مورد دیگر، در دستور کار قرار گرفتن لایحه‌های متعددی است که حقوق زنان را بیش از پیش پایمال می‌کند. موارد دیگر نیز شامل موج‌های متعدد سرکوب روزنامه‌نگاران، فعالان حقوق زنان و مدافعان حقوق بشر و در عین حال، افراد متعلق به اقلیت‌های مذهبی، دینی و قومی است؛ اعتراض‌های این گروه‌ها در بسیاری موارد با سرکوب شدیدی مواجه شده است.

طبیعتاً مسولیت بخش زیادی از این موارد نقض حقوق بشر با قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران است که افراد را تنها به دلیل استفاده از حق آزادی بیان و حق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز بازداشت، و در جریان یک دادرسی غیرعادلانه، احکام سنگینی را علیه آنها صادر می‌کند. بسیاری از زندانی‌ها در مرحله اول، تحت کنترل نیروهای سپاه قرار دارند و بازجویی می‌شوند که امری غیرقانونی است.

آقای روحانی با توجه به وعده‌هایی که در زمان انتخابات داده بودند، به عنوان مسوول اجرای قانون اساسی ایران موظف هستند که به این موارد نقض حقوق بشر رسیدگی کنند. اما ما تاکنون هیچ‌گونه پیگیری جدی از سوی آقای روحانی در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران ندیده‌ایم.

یوحنا نجدی: شما به وعده‌ها و حدود وظایف و اختیارات آقای روحانی اشاره کردید؛ با این وجود، برخی معتقدند که دست آقای روحانی برای بهبود وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی بسته است و نباید زیاد از ایشان انتظاری داشت. نظر شما چیست؟

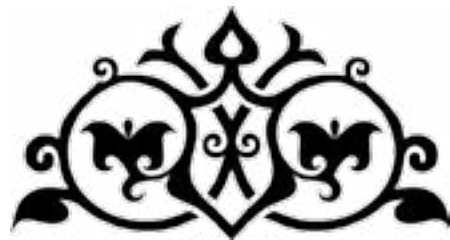
خصوص از طبقات محروم اجتماعی را به دلیل عدم دسترسی به وسایل پیش‌گیری از بارداری در معرض خطر باروری‌های مکرر ناخواسته و طاقت‌فرسا و بیماری‌های مقاربتی قرار می‌دهد.

این بودجه‌بندی توسط دولت انجام شده است و ما امیدواریم که دولت آقای روحانی برای سال آینده ضمن تجدیدنظر در این خصوص، بودجه درستی را برای تامین سلامت جنسی و باروری زنان در نظر بگیرد. همچنین وزارت ارشاد و دیگر نهادهای مربوط دولتی در زمینه آزادی مطبوعات و اینترنت و صدور مجوز برای کتاب، فیلم و موسیقی می‌توانستند دست به اقدام‌های مهم و مفیدی بزنند اما چنین نکردند.

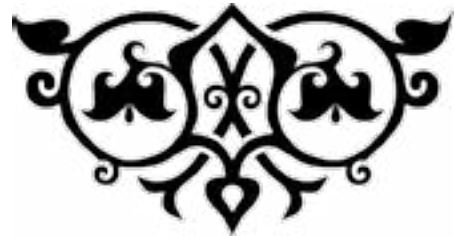
نقض آزادی بیان هنوز به شکل گسترده و نظام‌مند در کشور صورت می‌گیرد و صدای مخالف زیر تیغ سانسور و سرکوب قرار دارد. در این خصوص، فهرست بلندبالایی از مجلات تعطیل‌شده، وبسایت‌های فلیترشده و آثار ادبی و هنری مجوزنگرفته را می‌توان ارائه کرد. خشونت علیه زنان به اصطلاح "بدحجاب" توسط نیروهای انتظامی، محرومیت دانشجویان ستاره‌دار و دانشجویان بهایی از تحصیلات عالی، عدم رسیدگی و تحقیق درباره شیوع شکنجه و بدرفتاری با متهمان، اعمال گسترده تبعیض بر اساس مذهب و جنسیت در دسترسی به فرصت‌های تحصیلی و اشتغالی از مسائل دیگر در زمینه حقوق بشر هستند که رییس جمهوری اسلامی می‌تواند به آنها رسیدگی کند. به شرطی که واقعا وی چنین کارهایی را در دستور کار خود قرار بدهد. تا به امروز به نظر نمی‌رسد که آقای روحانی چنین برنامه و عزمی داشته باشد.

یوحنا نجدی: جمهوری اسلامی همواره به دلایل متعددی از جمله پرونده هسته‌ای در معرض فشارهای خارجی بوده است. به نظر شما، فشار خارجی چه تاثیری بر بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران دارد؟

رها بحرینی: سازمان "عفو بین‌الملل" همیشه از وعده‌های مقامات جمهوری اسلامی نسبت به بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران استقبال می‌کند و ما امیدوار بودیم که آقای روحانی، به شکل جدی‌تری وعده‌های انتخاباتی خود را پیگیری کند. تقاضای عفو بین‌الملل از ایشان است که در دو سال باقی‌مانده از دوره ریاست جمهوری‌شان، قدم‌های مهم و ملموسی در این خصوص بردارند.



تاکنون هیچ‌گونه پیگیری جدی از سوی آقای روحانی در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران ندیده‌ایم.



موارد متعددی در زمینه حقوق زنان وجود دارد که مشخصا در حیطه اختیارات رییس جمهور قرار دارد؛ برای مثال، سازمان "عفو بین‌الملل" در ماه مارچ گذشته، گزارشی در مورد هجوم جدید حکومت به حقوق باروری زنان در ایران منتشر کرد که در آن، در مورد قطع بودجه برنامه‌های تنظیم خانواده در ایران و ایجاد محدودیت در دسترسی زنان به وسایل پیش‌گیری ابراز نگرانی شد. لغو این بودجه، اساسا به حیطه‌ی اختیارات رییس جمهور مربوط است؛ بی‌توجهی به این مساله، میلیون‌ها زن در ایران به

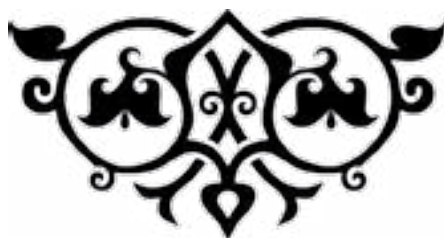
رها بحرینی: ساز و کارهای سازمان ملل، از جمله مهمترین اهرم‌ها در زمینه فشارهای بین‌المللی هستند که می‌توانند گه‌گاه موجب بهبود در وضعیت زندانیان، توقف اجرای یک حکم اعدام یا تغییر قوانین شوند و یا حداقل با مستندسازی و ثبت موارد نقض حقوق بشر، مقامات ایران را زیر فشار افکار عمومی در جهان قرار دهند.

بخشی از این ساز و کارها توسط متخصصان یا به اصطلاح "گزارشگران ویژه سازمان ملل" (مثلا در زمینه اعدام، شکنجه، آزادی بیان و خشونت علیه زنان)، اعضای کارگروه‌های مختلف حقوق بشری (مثل کارگروه بازداشت‌های خودسرانه یا کارگروه ناپدیدشدگان قهری یا کارگروه تبعیض علیه زنان)، و همچنین اعضای کمیته‌های ناظر بر معاهده‌های بین‌المللی حقوق بشری که ایران به آنها پیوسته اعمال می‌شود.

بخش دیگری از این ساز و کارها ماهیت "میان-دولتی" دارند به این معنا که در آنها، دولت‌ها نقش اصلی را ایفا می‌کنند.



نقض آزادی بیان هنوز به شکل گسترده و نظام‌مند در کشور صورت می‌گیرد و صدای مخالف زیر تیغ سانسور و سرکوب قرار دارد.



بررسی ادواری جهانی در شورای حقوق بشر یکی از همین ساز و کارهای "میان-دولتی" است که هر چهار سال یک بار کارنامه حقوق بشری همه کشورها از جمله ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. در ساز و کارهای "میان-دولتی"، طبیعتاً نقش دولت‌ها بسیار مهم است چون که این دولت‌ها هستند که در شورای حقوق بشر سازمان ملل، مثلاً ماموریت "گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور ایران" را تمدید می‌کنند در واکنش به موارد مختلف نقض حقوق بشر قطعنامه صادر می‌کنند؛ و در جلسه بررسی ادواری، از مقامات ایران سوال می‌پرسند و به آنها توصیه‌های مشخص می‌دهند. به این دلیل خیلی مهم است که کشورهای عضو سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، آگاهی کافی داشته باشند تا بتوانند از ساز و کارهای حقوق بشری آن برای اعمال فشار بر ایران و بهبود وضعیت حقوق بشر استفاده درست کنند.

یک روش دیگر برای اعمال فشار، استفاده از فرصت‌هایی است که مقامات کشورهای مختلف با مقامات ایران دیدار می‌کنند و می‌توانند در طی این ملاقات‌ها وضعیت زندانیان عقیدتی و سیاسی را از مسوولان جمهوری اسلامی جویا شوند و یا نگرانی‌های خود را برای مثال درباره ی آمار بالای اعدام، شکنجه یا تبعیض علیه زنان و اقلیت‌ها ابراز کنند.

یوحنا نجدی: درباره طرح بحث‌های حقوق بشری در جریان مذاکرات سیاسی، برخی معتقدند که دولت‌های غربی باید این‌گونه مسائل را در خلال گفتگو با مقامات جمهوری اسلامی به طور جدی، مطرح و پیگیری کنند. اما عملاً شاهدیم که مسائل حقوق بشری در این‌گونه مذاکرات مطرح نمی‌شوند یا به طور کلی، در حاشیه مطلق قرار دارند. شما چقدر امیدوارید که دولت‌های غربی، مثلاً در جریان مذاکرات مهمی مثل مسأله هسته‌ای ایران، بحث‌های حقوق بشری را نیز مطرح کنند؟

تحقیقی وی به ایران را فراهم می‌کردند. تا زمانی که چنین امکانی وجود نداشته باشد، آقای احمد شهید تنها از طریق مصاحبه با قربانیان نقض حقوق بشر و آمارهای نهادهای مختلف حقوق بشری می‌تواند گزارش‌های خود را تهیه کند.

یوحنا نجدی: یک نقدی که به گزارش‌های آقای احمد شهید وارد می‌شود، این است که گزارش‌های ایشان از "ضمانت اجرایی" برخوردار نیست. دیدگاه شما در این باره چیست؟ این گزارش‌ها چطور می‌توانند الزام‌آور شوند؟

رها بحرینی: مسأله "فقدان ضمانت اجرایی" فقط به گزارش‌های آقای احمد شهید مربوط و محدود نمی‌شود بلکه این مشکل به طور کلی در ساز و کارهای سازمان ملل نیز وجود دارد. این ساز و کارها همیشه در مستندسازی و ارائه توصیه به دولت‌ها بر اساس تعهدات حقوق بشری کارآمد هستند اما تحقق این توصیه‌ها به توانایی و ظرفیت جامعه مدنی در توزیع عمومی و استفاده از این اسناد و گزارش‌ها و در مبارزه برای تحقق و احترام به حقوق بشر بر می‌گردد.

مثلا علاوه بر گزارش‌های آقای احمد شهید، هر چند سال یک بار کارنامه ایران در کمیته‌های مختلف ناظر بر تعهدات بین‌المللی حقوق بشری، مورد بررسی قرار می‌گیرد و در این بررسی‌های دوره‌ای، گزارش‌های سایه یا موازی از سوی سازمان‌های مختلف حقوق بشری به این کمیته‌ها ارائه می‌شود تا در کنار گزارش رسمی دولت ایران، مورد تحلیل و ارزیابی واقع شود. از دل این مجموعه، توصیه‌های مشخصی برای بهبود وضعیت حقوق بشر بیرون می‌آید و بعد از آن، دیگر به عهده فعالان حقوق بشر و جامعه مدنی است که این توصیه‌ها را در فضای عمومی منتشر کنند و با ایجاد آگاهی عمومی و پیگیری مستمر، مقامات ایران را مجبور کنند که در جهت آن قدم بردارند.

رها بحرینی: سازمان "عفو بین‌الملل" در مورد مذاکره‌های هسته‌ای موضع‌گیری نمی‌کند اما این سازمان همواره تقاضا کرده که نقض گسترده حقوق بشر تحت‌الشعاع مسأله هسته‌ای قرار نگیرد و وضعیت بغرنج حقوق بشر در ایران به شکل مستقل و جداگانه مورد بررسی و پیگیری قرار گرفته در صورت توافق احتمالی به فراموشی سپرده نشود.

یوحنا نجدی: اخیرا آقای جواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، چندین موضع‌گیری حقوق بشری داشتند از جمله چندی قبل در مصاحبه‌ای ادعا کردند که در ایران کسی به خاطر ابراز عقیده‌اش زندانی نیست و کمی بعد هم در مصاحبه با نشریه آلمانی "اشپیگل"، گزارش‌های آقای احمد شهید را "بی‌اعتبار" توصیف کردند. نظر شما درباره مواضع حقوق بشری آقای ظریف چیست؟

رها بحرینی: متأسفانه موضع ایشان یک بار دیگر نشان می‌دهد که چقدر عملکرد کابینه آقای روحانی با وعده‌هایی که در دوران انتخابات داده بودند، فاصله دارد. صحبت‌های آقای ظریف گویای آن است که هنوز هیچ عزم جدی برای برخورد با روند سرکوب روزنامه‌نگاران، فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر در ایران وجود ندارد. آقای ظریف در حالی درباره "بی‌اعتبار" بودن گزارش‌های آقای احمد شهید سخن گفته که شواهد بسیار زیادی درباره نقض حقوق افراد، بازداشت و زندان‌های کوتاه و بلندمدت به دلیل استفاده از حق آزادی بیان و تجمعات در ایران دیده می‌شود.

این موارد، قابل کتمان نیست. آقای احمد شهید، گزارش‌های خود را بر اساس استانداردهای تحقیقاتی سازمان ملل تهیه می‌کند. مقامات ایران اگر واقعا مایل بودند که ارتباط بهتری را با "گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران" داشته باشند، در وهله اول باید امکان سفر

اسلامی خواسته تا حق آزادی بیان و تجمعات مسالمت‌آمیز را به رسمیت بشناسند و افراد را به دلیل فعالیت‌های قانونی حقوق بشری‌شان مورد سرکوب و زندان قرار ندهند.

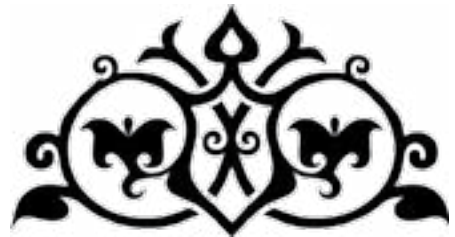
یوحنا نجدی: با وجود تلاش رسانه‌ها برای پوشش اخبار مربوط به نقض حقوق بشر در ایران، شاهد هستیم که همواره اسامی بسیاری از قربانیان نقض حقوق بشر در ایران، هیچ‌گاه مطرح نمی‌شود یا به نوعی، سهوا یا عمدا، نوعی تبعیض درباره پوشش اخبار مربوط به زندانیان سیاسی در برخی از رسانه‌ها احساس می‌شود. سازمان "عفو بین‌الملل" چه تدبیری برای پوشش اخبار مربوط به این زندانیان گمنام و شناخته‌نشده به کار می‌برد؟

رها بحرینی: سوال خوبی مطرح کردید؛ "عفو بین‌الملل" با وجود چالش‌های متعدد دسترسی به اطلاعات در داخل ایران همیشه تلاش کرده تا وضعیت قشرهای مختلف اجتماعی را بازتاب دهد و به همین دلیل هم مسائل مربوط به حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی به ویژه در استان‌های مرزی و یا مثلا حقوق بهائیان و نوکیشان مسیحی و همچنین جامعه همجنسگرا و ترنس‌جندر را در گزارش‌هایش لحاظ می‌کند.

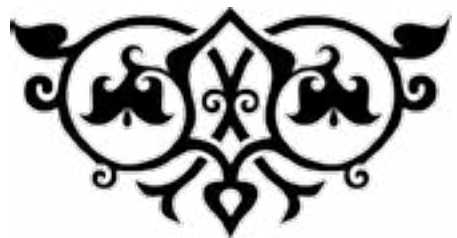
با این وجود، از آن جایی که امکان سفر تحقیقاتی به ایران وجود ندارد و سازمان "عفو بین‌الملل" نمی‌تواند از بازداشتگاه‌ها بازدید کند و حتی در بسیاری از موارد، امکان صحبت با خانواده زندانیان سیاسی نیز فراهم نمی‌شود، طبیعتاً این سازمان با چالش‌هایی برای دسترسی به اطلاعات همه موارد نقض حقوق بشر در ایران مواجه است. اما به هر حال، تلاش ما این است که تا جایی که امکانش وجود دارد، موارد نقض حقوق بشر را نه فقط برای افراد شناخته‌شده بلکه برای همه قربانیان بازتاب دهیم.

یوحنا نجدی: حتما در جریان هستید که برخی از فعالان سرشناس حقوق بشر در ایران، از جمله خانم نسرین ستوده و آقایان محمد ملکی و محمد نوری‌زاد، با وجود همه فشارها و تهدیدها، طی ماه‌های اخیر در جهت دفاع از حقوق ابتدایی خود، در مکان‌های مختلفی دست به تحصن زده‌اند. نظر شما درباره این اقدام‌ها چیست؟

رها بحرینی: سازمان "عفو بین‌الملل" همواره از تمام فعالان و مدافعان حقوق بشر در ایران که به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز مورد آزار و تعقیب قرار گرفته‌اند، حمایت کرده است. حتما خاطرتان است زمانی که خانم نسرین ستوده، به عنوان یکی از مدافعان برجسته حقوق بشر در ایران، در زندان بودند، شبکه بین‌المللی "عفو بین‌الملل" خیلی تلاش کرد تا ایشان از زندان آزاد شوند. امروز هم که متأسفانه خانم نرگس محمدی در زندان هستند، شبکه بین‌المللی "عفو بین‌الملل" در تلاش برای آزادی خانم محمدی است.



آقای احمد شهید،
گزارش‌های خود را بر اساس
استانداردهای تحقیقاتی
سازمان ملل تهیه می‌کند.



سازمان "عفو بین‌الملل"، از تمام مدافعان حقوق بشر در ایران که با وجود سرکوب‌های گسترده، همچنان در دفاع از حقوق بشر فعالیت می‌کنند، حمایت می‌کند و همواره از مقامات جمهوری

اقتصاد ایران در خردادماه



یوحنا نجدی و سعید قاسمی نژاد

اقتصاد ایران در نیمه اول خردادماه بیش از هر چیز تحت تاثیر تک‌نرخی شدن بهای بنزین و حذف سهمیه‌بندی آن قرار گرفت که این اتفاق نگرانی برخی فعالان اقتصادی در بخش‌های خودرو، مسکن و تاکسیرانی را به همراه داشت. از سوی دیگر، مقام‌های مسوول در استان‌های مختلف از کمبود اعتبار برای اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام در این استان‌ها خبر داده‌اند. استمرار بحران بیکاری و دل‌سردی در بازار بورس در کنار افزایش ۱۵ درصدی تعرفه گاز از دیگر خبرهای اقتصادی مهم ایران در نیمه نخست خردادماه امسال به شمار می‌روند.

بیکاری؛ قصه‌ای بی‌پایان

تعدادی از جوانان شهرستان عسلویه و برخی شهرستان‌های هم‌جوار روز ۱۱ خرداد با حضور در "اداره کار و اشتغال منطقه ویژه پارس"، خواهان شاغل شدن خود در صنایع این منطقه شدند. به گزارش خبرگزاری "مهر"، این جوانان که تعداد آنها حدود ۵۰ نفر گزارش شده، «کار در صنایع منطقه را حق خود دانسته و خواستار رسیدگی مسوولان به این خواسته شدند». در خبری دیگر در ارتباط با بحران بیکاری در ایران، مرتضی میرباقری، "معاون اجتماعی وزارت کشور"، روز هفتم خرداد اعلام کرد که «۱۱ شهرستان ایران، بیکاری بیش از ۴۰ درصدی دارند». به گفته وی، این شهرستان‌ها در استان‌های لرستان، کرمانشاه، بخشی از کرمان و سیستان و بلوچستان قرار دارند.

پیش‌تر در نخستین روز خردادماه، علی ربیعی، "وزیر کار" دولت حسن روحانی گفته بود که «هر دقیقه ۵ نفر جویای کار وارد بازار می‌شوند». او این موضوع را "نشان از برنامه‌ریزی‌های



بر اساس آمارهای "بانک مرکزی" جمهوری اسلامی ایران، نرخ تورم اردیبهشت ماه معادل ۱۵/۵ درصد اعلام شده است



غلط اقتصادی در گذشته» دانسته و افزوده بود: «اقتصاد ما ضعیف شده و پول فروش نفت کفاف هزینه‌ها را نمی‌کند.»

افزایش قیمت بنزین، خودروسازان داخلی تصمیم جدی دارند قیمت خودرو را افزایش دهند.»

وی که با خبرگزاری «ایلنا» سخن می‌گفت، افزود که «افزایش نرخ بنزین و کالا و خدمات مرتبط با خودرو» دلیل گران شدن خودروها اعلام شده و خودروسازان تاکید دارند که «اگر قیمت خودرو افزایش پیدا نکند، ضرر خواهند کرد.»

بنزین؛ شوک جدید از راه رسید

پس از چند روز شایعه و گمانه‌زنی، سرانجام عباس کاظمی، معاون وزارت نفت روز ۳ خرداد به خبرگزاری‌ها اعلام کرد که «سه‌میه بنزین ۷۰۰ تومانی دیگر واریز نمی‌شود» و «بنزین معمولی و سوپر به ترتیب با قیمت‌های ۱۰۰۰ و ۱۲۰۰ تومان عرضه خواهند شد». وی اضافه کرد که از پایان شهریورماه، سه‌میه‌های بنزین ۷۰۰ تومانی نیز فاقد اعتبار خواهد بود.

احمدرضا عامری، رییس «اتحادیه تعاونی مسافربری کشور» نیز روز ۵ خردادماه با ابراز اطمینان از اینکه «افزایش نرخ سوخت بر هزینه‌ها و کرایه‌ها تاثیر می‌گذارد»، اظهار داشت: «تنها راننده‌ها هستند که افزایش هزینه‌ها را از نزدیک درک می‌کنند.»

این موضوع اما واکنش بازار و بخش‌های مختلف اقتصاد کشور را به همراه داشت.

وی در سخنانی کنایه‌آمیز ادامه داد: «نمی‌توان از مسوولان رده بالا یا کسانی که کار دفتری و اداری انجام می‌دهند انتظار داشت تفاوت هزینه‌ها پس از افزایش نرخ سوخت را درک کنند.» در واکنش به انتقادهای، اما، یک مقام دولتی گفت قیمت بنزین می‌توانست بیش از این هم افزایش یابد.

از جمله خبرگزاری «مهر» روز ۸ خرداد ماه در گزارشی از نگرانی فعالان بازار مسکن نسبت به آینده این بازار بعد از تکرخی شدن قیمت بنزین خبر داد و نوشت که به عقیده‌ی این فعالان، «دولت با افزایش نرخ سوخت، بازار مسکن را با رکود بیشتری مواجه می‌کند و توان اقتصادی خانوارها کاهش می‌یابد». ایرج رهبر، «کارشناس بازار مسکن» نیز گفت که اگرچه «دولت با افزایش وام مسکن سعی کرد که مسکن را از رکود خارج کند» اما «افزایش نرخ سوخت باعث افزایش هزینه‌ها و کاهش توان خانوارها شده و تقاضا را در بازار مسکن کاهش می‌دهد». وی پیش‌بینی کرد که «کاهش تولید مسکن و صدور پروانه‌های ساختمانی» در سال‌های آینده، بازار مسکن را با «بحران» مواجه کند.

نصرت‌اله سیفی، مدیرعامل «شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت» روز ۱۰ خردادماه در گفتگو با خبرگزاری «ایسنا» اظهار داشت: «قیمت بنزین مصوب می‌توانست بالاتر از قیمت کنونی باشد، زیرا این قیمت جدید هنوز کم است.»

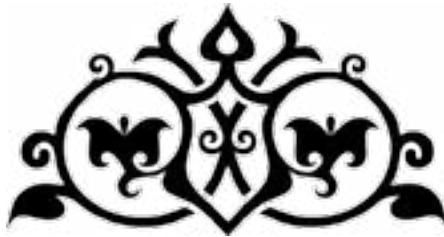
وی با تاکید بر این‌که «افزایش قیمت بنزین، تأثیری در مصرف و ترافیک شهر نداشته» و «خیابان‌ها خلوت‌تر نشده‌اند»، نتیجه گرفت که «جامعه توانسته قیمت بنزین ۱۰۰۰ تومانی را در روابط اقتصادی هضم کند.»

هم‌زمان، بازار خودرو نیز واکنش مثبتی به تکرخی شدن نرخ بنزین نشان نداد. از جمله، غلام‌محمد زارعی، عضو «کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی» از احتمال زیاد افزایش بهای خودرو خبر داد و گفت که «با

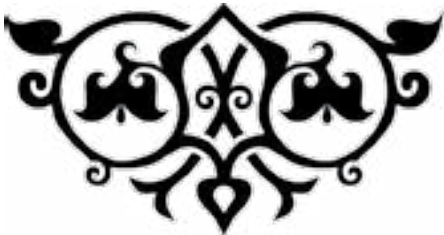
این مقام دولتی ضمن دفاع از افزایش بهای بنزین در ایران مدعی شد که اگر قیمت بنزین واقعی شود، مردم سعی می‌کنند در صورت امکان کارهای‌شان را از طریق «تلفن» انجام دهند.

بهای سوخت در دولت روحانی چند برابر شد؟ کمبود اعتبار در استان‌های مختلف

«معاون برنامه‌ریزی و اشتغال استانداری گلستان» روز ۱۱ خردادماه اعلام کرد که به اتمام رسیدن پروژه‌های نیمه‌تمام در این استان به ۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان تسهیلات نیاز دارد. علی مرگداری با اشاره به مشکل تامین این اعتبار خاطر نشان کرد که «دولت در حال حاضر ۲ هزار میلیارد تومان به بانک‌ها بدهکار است و از طرفی بانک‌ها به محلهایی پول داده‌اند که قابل برگشت نیست».



معضل فعلی سایپا نتیجه همان سوء تدبیرها است



هم‌زمان، امیدعلی پارسا، رییس «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران»، روز ۱۱ خردادماه گفت که تکمیل پروژه‌های عمرانی ناتمام این استان، نیاز به ۲ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد. وی با بیان این‌که «هر سال ۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار تخصیص داده می‌شود» برآورد کرد که با ادامه روند کنونی، اتمام پروژه‌های ناتمام استان مازندران حدوداً ۱۰ سال طول خواهد کشید. «معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت» هم روز ۹ خردادماه از بدهی ۲۴۰۰ میلیارد تومانی شرکت‌های «ایران‌خودرو» و «سایپا» به بانک‌ها خبر داد و گفت که این موضوع «معنای بسیار تلخی» دارد. رضا نوروززاده با اشاره به اختصاص ۸۰۰ میلیارد دلار به واردات اقلامی چون «کاهوی چینی، انگور فرانسوی و سنگ قبر و خاک نرم برای گربه و حیوانات خانگی» خاطر

خبرگزاری «مهر» روز ۴ خردادماه در گزارشی با اشاره به آنچه که «آغاز دوئل نرخ تورم و گرانی سوخت» نامید، نوشت که از زمان روی کار آمدن دولت حسن روحانی، قیمت بنزین، ۱۱۸ درصد و نرخ گاز مایع، ۳۲۶ درصد گران شده است.

علاوه بر این، قیمت بنزین سوپر ۱۰۰ درصد، نفت سفید ۵۰ درصد، نفت کوره ۲۰۰ درصد و گازوییل حدود ۱۰۰ درصد رشد یافته‌اند. «مهر» با اشاره به آمارهای دولتی مبنی بر «کاهش نرخ تورم» در ایران یادآور شده که دولت و «مرکز آمار» در حالی در آخرین گزارش خود نرخ تورم نقطه به نقطه را ۱۳/۷ درصد اعلام کرده‌اند که «کمترین میزان افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی در دو سال اخیر بیش از ۵۰ درصد بوده است».

جدیدترین گزارش‌های رسمی از نرخ تورم در ایران روز ۵ خردادماه منتشر شد.

بر اساس آمارهای «بانک مرکزی» جمهوری اسلامی ایران، نرخ تورم اردیبهشت ماه معادل ۱۵/۵ درصد اعلام شده است. دو روز پیش از آن نیز مرکز آمار ایران، اعلام کرد که نرخ تورم در اردیبهشت ماه گذشته با دو دهم درصد کاهش نسبت به فروردین ماه به ۱۴/۳ درصد رسیده است.

در همین حال، حمیدرضا عراقی، مدیرعامل «شرکت ملی گاز ایران»، روز ۵ خردادماه در یک نشست خبری از افزایش ۱۵ درصدی تعرفه گاز تجاری، دولتی و خانگی نسبت به قیمت‌های سال گذشته خبر داد و اعلام کرد که قیمت گاز در زمستان از ۸۴ تومان به ۹۶ تومان در هر مترمکعب افزایش یافته است. به گزارش خبرگزاری «فارس»، آقای عراقی گفت که طبق مصوبه جدید هیات دولت، قیمت گاز در تابستان نیز ۱۵۰ تومان در هر مترمکعب محاسبه می‌شود

نشان کرد که «معضل فعلی سایپا نتیجه همان سوء تدبیرها است».

رییس «سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان» هم روز ۲ خردادماه با تاکید بر اینکه در صنعت این استان «مشکل نقدینگی» وجود دارد، اظهار داشت که «واحدهای اقتصادی استان کرمان به ۱۴ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارند».

محمود سلطانی گفت که در حال حاضر در استان کرمان، ۳۷ هزار میلیارد تومان پروژه نیمه تمام در بخش فولاد وجود دارد.

اما شاید جالبترین سخنان در خصوص مشکلات و وضعیت زندگی مردم در ایران را باید اظهارات معاون «وزیر راه و شهرسازی» در روز ۳ خردادماه دانست. پیروز حناچی که در نخستین «مسابقه سراسری عکس و کارتون نقد بنا و فضای شهری» سخن می گفت، تصریح کرد: «بعید می دانم ساکنان شهرها از فضای شهری و چشم انداز شهرها راضی باشند».

وی پیش بینی کرد که «در ۱۰ سال آینده هم کیفیت زندگی در شهرهای کشور بهبود پیدا نمی کند».

«مرد باید بدهی داشته باشد»

در دو هفته نخست خردادماه، شماری از فعالان صنعتی و مقام های مسوول در جمهوری اسلامی پرده از بخش های جدیدی از مشکلات اقتصاد کلان ایران برداشتند.

از جمله، وزیر «راه و شهرسازی» روز ۷ خردادماه گفت که وزارتخانه تحت مدیریتش ۵ هزار میلیارد تومان بدهی دارد. عباس آخوندی با بیان این که «مرد باید بدهکار باشد» ابراز امیدواری کرد که این وزارتخانه، بخشی از بدهی های را ظرف «چندماه آینده» پرداخت خواهد کرد. یک روز پیش تر، حمید کارگر، سرپرست «مرکز ملی

فرش ایران» در سخنانی در مراسم افتتاحیه نمایشگاه ملی فرش ایران در مشهد از «ناخوشی» حال صنعت فرش خبر داده و گفته بود که این امر «یک واقعیت» است و «رنگ و بوی منفی بافی و سیاه نمایی ندارد».

وی با اشاره به کاهش میزان صادرات فرش دستباف کشور به ۳۱۴ میلیون دلار در اواخر سال ۹۲، خاطرنشان کرده بود که «این عدد، کمترین میزان صادرات ثبت شده در زمینه فرش دستباف بوده است».

در این میان، در روز ۵ خردادماه، علی عسگری، رییس «سازمان امور مالیاتی کشور» اعلام کرد که حدود ۲۰ درصد ظرفیت مالیاتی که رقمی بین ۲۰ تا ۲۵ هزار میلیارد تومان است، شامل فرار مالیاتی می شود.

نوسان ارز و انتظار در بازار بورس

بهای دلار آمریکا در بازار آزاد از ۳۳۱۷ تومان در ابتدای خردادماه با اندکی افزایش به ۳۳۳۲ تومان و قیمت یورو با اندکی کاهش از ۳۷۲۰ به ۳۶۹۰ ریال رسید.

بهای سکه تمام «بهار آزادی» نیز از ۹۳۷ هزار و ۵۰۰ تومان به ۹۳۱ هزار تومان کاهش یافت و سکه نیم «بهار آزادی» هم با اندکی افزایش از ۴۷۴ هزار تومان به ۴۷۵ هزار تومان رسید.

با توجه به تعطیل بودن روزهای سیزدهم تا پانزدهم خردادماه، آخرین وضعیت بازار بورس به روز ۱۲ خردادماه مربوط می شود. شاخص کل بازده نقدی و قیمت بورس اوراق بهادار تهران در روز سه شنبه ۱۲ خردادماه با افزایش ۶۲ واحدی به رقم ۶۳ هزار و ۲۸۹ واحد رسید. شاخص های بورس اگرچه در این روز سبزپوش شدند اما اهالی تالار شیشه ای با گلایه از «استمرار رکود» معتقدند که همچنان نوعی فضای «دلسردی»

در بورس تهران دیده می‌شود.

شاخص کل بورس در نیمه اول خردادماه، در مجموع "نوسانات بسیار آرامی" را در کانال ۶۳ هزار واحدی سپری کرده است. به اعتقاد برخی از فعالان اقتصادی، بازار بورس در این روزها منتظر آغاز جدیدترین دور مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی با قدرت‌های غربی است.

پس از گزارش: اقتصاد مقاومتی حتی برای کشورهای غیرمسلمان

"پس از گزارش" این یادداشت را به جدیدترین ستایش‌های غلوآمیز از آنچه که توسط رهبر جمهوری اسلامی با عنوان "اقتصاد مقاومتی" یاد می‌شود، اختصاص داده‌ایم. حمیدرضا مجردی، رییس "جهاد دانشگاهی کردستان" روز ۶ خردادماه در مراسمی با عنوان "نشست تخصصی اقتصاد مقاومتی" با تاکید بر اینکه «اقتصاد اسلامی مبتنی بر آموزه‌های دینی و مذهبی است» گفت که «اگر اقتصاد اسلامی در برخی موارد موفقیت نداشته باشد» به خاطر "سهل‌انگاری مسوولان" و "ناکارآمدی تزه‌های اقتصادی تعریف‌شده" از سوی آنان است.

سهراب دل‌انگیزان، عضو "هیات علمی دانشگاه رازی کرمانشاه" نیز روز ۱۲ خردادماه در همایشی موسوم به "کارگاه آموزشی اقتصاد مقاومتی" مدعی شد که «الگوی اقتصاد مقاومتی تنها محدود به اقتصاد ایران نیست» و «کشورهای غیرمسلمان هم می‌توانند از آن استفاده کنند». علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته و طی سخنرانی‌های مختلفی بر اجرای آنچه "اقتصاد مقاومتی" می‌خواند، تاکید کرده است. وی از جمله روز اول فروردین ماه سال ۱۳۹۳ در سخنانی در مشهد گفت: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است، با تحریکات جهانی با تکانه‌های جهانی، با سیاست‌های آمریکا و غیرآمریکا زیر و رو

نمی‌شود. یک الگوی علمی، متناسب با نیازهای کشور ماست اما منحصر کشور ما هم نیست. این اقتصاد عدالت‌محور است و تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری اتکا نمی‌کند. اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور است. عملاً ممکن است، حتماً.»

تکذیب رشد اقتصادی سه درصدی

"دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی" روز ۳۰ خردادماه با انتشار گزارشی ادعای مقام‌های دولتی مبنی بر رشد اقتصادی ۳ درصدی ایران در سال ۱۳۹۳ را رد و اعلام کرد که بر اساس محاسبات این مرکز، رشد اقتصادی ایران در سال گذشته "دو درصد" بوده است.

این گزارش خاطر نشان می‌کند که با وجود تاکید مقام‌های دولت حسن روحانی بر "مثبت شدن رشد اقتصادی" و "خروج از رکود"، «بررسی جزئیات، به خصوص در بخش صنعت نشان می‌دهد علائم چندان مثبتی در رابطه با خروج از رکود دیده نمی‌شود». پیش‌تر در روز ۲۷ خردادماه، بانک مرکزی جمهوری اسلامی، گزارشی را روی وبسایت خود قرار داد که در آن، تولید ناخالص ایران در سال ۹۳ به بیش از ۲۰۳ هزار و ۱۵۹ میلیارد تومان رسید که نسبت به رقم مشابه سال ۹۲، "سه درصد" رشد نشان می‌دهد.

در همین روز، علی طیب‌نیا، "وزیر امور اقتصادی و دارایی" نیز در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران، آمارهای "بانک مرکزی" را تایید کرد و گفت: «برای چهار فصل متوالی نرخ رشد اقتصادی مثبت داشتیم». وی با تاکید بر رشد اقتصادی ۳ درصدی ایران در سال گذشته نسبت به سال ۱۳۹۲ افزود: «این نشان می‌دهد بعد از هشت فصل متوالی که نرخ اقتصادی منفی شده بود، ۴ فصل اقتصادی مثبت شده است.»

در خبری دیگر در ارتباط با مسائل کلان اقتصادی، مدیرعامل "صندوق ضمانت صادرات ایران" روز ۱۹ خردادماه اعلام کرد که «ایران پرریسک‌ترین کشور از نظر صادرات کالا در دنیا شناخته شده است».

به گفته‌ی طاهر شه‌حامد، «کشورهای دنیا از لحاظ ریسک تجاری به هفت گروه تقسیم‌بندی شده‌اند که ایران در گروه هفتم قرار گرفته است».

دو روز پیش از آن نیز حسین سلیمی، رییس "انجمن سرمایه‌گذاران خارجی اتاق بازرگانی ایران" در سخنانی در همایش جذب سرمایه‌گذاری در مشهد با انتقاد از میزان تصدی‌گری دولت در اقتصاد ایران گفت که «۸۵ درصد اقتصاد ایران متعلق به بخش دولتی و تنها ۱۵ درصد در اختیار بخش خصوصی است».

این در حالی است که به اعتقاد شماری از اقتصاددانان مستقل و کارشناسان غیردولتی، درصد بیشتری از اقتصاد ایران در اختیار دولت قرار دارد.

پرتقال آلوده و میوه‌های قاچاق

در جدیدترین اخبار مربوط به آلودگی مواد غذایی در ایران، در نیمه دوم خردادماه، گزارش‌هایی در خصوص واردات میوه‌های آلوده از مرز سردشت منتشر شد.

رسول خضری، عضو "کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی" روز ۳۰ خرداد با انتقاد از بی‌توجهی مقام‌های دولتی به واردات هزاران تن پرتقال آلوده به کشور گفت: «با وجود رسانه‌ای کردن ماجرای ورود پرتقال‌های آلوده مصری و تذکر کتبی به وزیر کشور، وزارتخانه‌های کشور و جهاد کشاورزی هنوز هیچ واکنشی به این ماجرا نشان نداده‌اند».

به گفته وی، در ابتدا قرار بوده مقداری از پرتقال‌های آلوده از طریق "مرز پیرانشهر" وارد کشور شود که «در آنجا با مقاومت فرمانداری پیرانشهر، جلوی آن گرفته و بازگردانده شد» اما سرانجام همین پرتقال‌ها در روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد که تعطیل بوده از طریق مرز رسمی سردشت وارد کشور شد.

این عضو مجلس خاطر نشان کرد که "سودجویان"، با پاره کردن "بخشی از فنس مرزی" اقدام به وارد کردن این پرتقال‌ها کرده‌اند.

وی درباره حجم این پرتقال‌های آلوده نیز گفت: «به تعبیری می‌گویند دو هزار تن و به نقل دیگری می‌گویند ۷۰۰ تن پرتقال وارد کرده‌ایم، اما آنچه مهم بوده، این است که این پرتقال‌ها پخش شده است».

برخی گزارش‌ها حاکی از آن است این پرتقال‌ها در قالب "۲۵ کانیترا" جاسازی شده بودند و علاوه بر پرتقال، سایر میوه‌ها نیز در میان آنها به چشم می‌خورد. در همین حال، رییس شعبه ۱۴ "سازمان تعزیرات حکومتی" تهران، روز ۲۶ خردادماه در گفتگویی رادیویی از ورود یک محموله پرتقال قاچاق به چرخه فروش پس از کشف و ضبط آن خبر داد.

ناصر مدیحی با بیان اینکه «محموله‌های توقیف‌شده باید به سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی تحویل داده شود»، گفت که «یک تعاونی مصرف فرهنگیان این محموله را از سازمان مذکور خریداری کرده تا آن را در میان اعضای خود تقسیم کند اما بعد از خرید، محموله‌ها سر از میدان میوه و تره‌بار در آورده‌اند». به گفته وی، «شرکت تعاونی یاد شده این میوه‌ها را به قیمت ۴۰۰۰ تومان خریداری کرد» و همان میوه‌ها بعدتر با قیمت «۱۰ تا ۱۲ هزار تومان در اختیار مردم قرار گرفت».

هنوز اطلاعات دقیق‌تری در خصوص این میوه‌های آلوده و قاچاق و همچنین توزیع آنها در سطح کشور منتشر نشده است.

در خبری دیگر در همین زمینه، "دبیر انجمن صنایع آبمیوه و کنسانتره" روز ۱۷ خرداد به خبرگزاری "ایسنا" گفت که «به دلیل این‌که در شمال کشور خاک گوگردی وجود دارد، میوه و کنسانتره آن تلخ می‌شود» و در نتیجه، «هیچ کشوری خواستار آب پرتقال ایرانی نیست».

ولی الله داوودآبادی ادامه داد که در حال حاضر، نه تنها «صادراتی در زمینه آب پرتقال ایرانی وجود ندارد»، بلکه «از برزیل نیز کنسانتره پرتقال وارد می‌شود».

قراردادهای کار یک‌ساله؛ عقب‌نشینی دولت در مقابل کارفرمایان

تنها یک هفته پس از بخشنامه "وزارت کار" مبنی بر "ممنوعیت قراردادهای کار کمتر از یک‌سال" که با استقبال کارگران همراه شده بود، این وزارت‌خانه با عقب‌نشینی در مقابل اعتراض‌های کارفرمایان، دستور لغو بخشنامه روز ۱۹ خردادماه "وزارت کار" خطاب به بنگاه‌ها و واحدهای مشمول قانون کار کشور، "امضای قراردادهای کاری زیر یک سال در مشاغل با ماهیت مستمر و دائم" ممنوع اعلام شده بود.

"معاون وزیر کار" در این بخشنامه نوشته بود که از این پس، «کارفرمایان دیگر امکان انعقاد قراردادهای کاری زیر یک سال در واحدهای با ماهیت کاری مستمر را ندارند» و «اگر بنگاهی بخواهد بدون توجه به ابلاغیه، به انعقاد قراردادهای کوتاه‌مدت کمتر از یک سال ادامه دهد، آن قرارداد همان حکم یک‌ساله را خواهد داشت». بسیاری از کارگران و فعالان کارگری با استقبال از این بخشنامه اعلام کرده بودند

که کارگران از این پس، از "امنیت شغلی" بهتری برخوردار خواهند شد. اما از سوی دیگر، کارفرمایان به شدت از این تصمیم وزارت کار انتقاد کردند تا این‌که "وزارت کار" تنها یک هفته پس از ابلاغ این بخشنامه، ضمن لغو فوری آن بار دیگر «مجاز قراردادهای روزانه، هفتگی، ماهیانه و کوتاه‌مدت را صادر کرد».

لغو این بخشنامه با انتقاد فعالان کارگری از دولت همراه شد. از جمله، رحمت‌الله پورموسی، دبیرکل "کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور" گفت: «راه حل حمایت دولت از کارفرمایان، از بین رفتن منافع کارگران نیست».

وی ادامه داد: «دولت نباید به دلیل حمایت از کارفرمایان، قراردادهای یک‌ماهه و ۳ ماهه را مجاز اعلام می‌کرد. کارفرمایان می‌توانند بروند دنبال قانون رفع موانع تولید و نباید صورت مسئله‌ها پاک شود». فرامرز توفیقی، "نماینده کارگران در شورای عالی کار" نیز با طرح انتقادهایی صریح‌تر، لغو ابلاغیه ممنوعیت قراردادهای کاری زیر یک سال را نشان‌دهنده "عدم استقلال وزارت کار" دانست و افزود که «سرمایه‌گذاران و کارفرمایان می‌توانند به راحتی مصوبه دولت را لغو کنند».

کمبود اعتبار و بدهی‌های دولت

در ادامه‌ی انتقادهای مقام‌های استانی از کمبود اعتبارات دولتی برای تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام، فرزاد رستمی، سرپرست "اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر" روز ۳۰ خردادماه گفت که «راه‌آهن عسلویه-بوشهر-شیراز نیازمند ۳۰ هزار میلیارد ریال اعتبار است». وی با بیان این‌که «اعتبارات تخصیص‌یافته به این طرح، پاسخ‌گوی نیازهای پروژه نیست»، افزود که «کمبود اعتبار باعث شده تا این پروژه در حالت غیرفعال قرار بگیرد». مجید انصاری، "معاون پارلمانی رییس جمهوری اسلامی" نیز روز ۲۵ خردادماه در سخنانی در نشست شورای

اداری شهر بوشهر گفت که تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام کشور به رقمی بالغ بر ۴۰۰ هزار میلیارد تومان نیاز دارد.

مدیر "امور شعب بانک ملی مازندران" نیز روز ۱۸ خردادماه در گفتگو با خبرنگاری "مهر" اعلام کرد که «برای تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام و بزرگ در استان مازندران، حدود دو هزار میلیارد تومان منابع و اعتبار نیاز است».

به گفته وی در میان این طرح‌های بزرگ، سه پروژه بیمارستانی نیمه‌تمام در شهرهای بابل، تنکابن و نکا به چشم می‌خورد.

مقام‌های مسوول در حالی از کمبود اعتبار در استان‌های مختلف کشور خبر می‌دهند که هم‌زمان، رقم‌های جدیدی از میزان بدهی‌های دولت به پیمانکاران و نهادهای مختلف نیز فاش شده است.

از جمله، رییس "انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت" روز ۲۶ خردادماه از "بدهی ۵/۵ میلیارد دلاری وزارت نفت" به پیمانکاران و سازندگان نفتی خبر داد.

رضا پدیدار تصریح کرد که «تا پایان سال گذشته، حجم بدهی نفتی وزارت نفت به پیمانکاران و سازندگان از مرز ۳۰ هزار میلیارد تومان عبور کرده است». به گفته وی، «هم‌اکنون ۷۰ تا ۷۵ درصد ظرفیت سازندگان و صنعت‌گران داخلی در صنعت نفت بدون استفاده مانده است».

یک روز پیش از این اظهارات نیز "مشاور ارشد رییس جمهوری اسلامی"، از کشفیات جدید دولت در خصوص بدهکاری‌های به جامانده از دولت محمود احمدی‌نژاد خبر داد. اکبر ترکان گفت که «بدهی‌های ناشی از فروش اوراق مشارکت و سررسید شدن آن‌ها به بانک‌ها در دولت قبل حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان است».

وی با اشاره انواع بدهکاری‌های دولت قبلی افزود: «اخیراً متوجه شده‌ایم ۳۵ میلیارد دلار از سپرده‌های بانک مرکزی نزد شرکت "نیکو" که از زیرمجموعه‌های شرکت نفت است، قرار دارد».

دبیر "شورای هماهنگی مناطق آزاد" با بیان این‌که «بدهی دولت قبلی به سایر بانک‌ها حدود ۱۲ میلیارد دلار بوده» ادامه داد که «در مجموع دولت قبلی ۴۷ میلیارد دلار بدهی برای وزارت نفت تراشیده است».

زمین‌های بی سند و رواج دلالی در صنف آهن‌سازان

مقام‌های مسوول در جمهوری اسلامی در نیمه دوم خردادماه نیز از کشف فعالیت غیرمجاز و تخلف هزاران واحد صنفی در کشور خبر دادند.

رییس "اتحادیه آهن‌سازان" روز ۳۱ خردادماه در گفتگویی با خبرنگاری "ایسنا" گفت که بسیاری از فعالان این صنف به "واسطه‌گری" روی آورده‌اند چون به این ترتیب، «دیگر نیازی نیست که هزینه مالیات و دیگر هزینه‌های جاری را بپردازند». حبیب‌الله بشارتی افزود که «خیلی از فعالان این صنف، کار خود را تعطیل کرده» و در حال حاضر فقط با یک "تلفن همراه" کار می‌کنند.

در همین روز، معاون "سازمان امور اراضی" نیز از "بی‌سند بودن" میلیون‌ها هکتار از زمین‌های کشاورزی در کشور خبر داد.

فرید صیدی‌نژاد که به استان آذربایجان شرقی در غرب ایران سفر کرده بود، در همایشی در این استان گفت که در جریان عکس‌برداری و تهیه نقشه از زمین‌های زراعی کشور مشخص شده که «۷۰ درصد از اراضی کشاورزی کشور فاقد سند هستند». جواد محمدی فشارکی، مدیر "بازرسی اصناف استان اصفهان" نیز روز ۲۷ خردادماه آمارهایی را در خصوص فعالیت صنفی

و نوشت که عبدالرضا رحمانی فضلی، "وزیر کشور" دولت روحانی که هم‌زمان با دولت احمدی‌نژاد، رییس "دیوان محاسبات" بود، «چگونه {می‌تواند} از کشف اعجاب‌آمیز معاون اول رییس جمهور بی‌اطلاع باشد؟»

رییس "مرکز سیاسی حزب موتلفه اسلامی" در ادامه یادداشت خود مدعی شد که آقای رحمانی فضلی در زمان ریاست بر دیوان محاسبات، "تخلف" اسحاق جهانگیری مبنی بر «دریافت و پرداخت‌های خلاف قانون منتهی به تضییع حقوق دولت» هنگام تصدی وزارت صنایع و معادن در دولت دوم سیدمحمدخاتمی را در فاصله سال‌های ۱۳۸۱ تا ۸۴ رصد کرده است. وی با درج شماره و تاریخ پرونده‌های مربوط به این تخلف، رقم آن را "بیش از ۶ میلیارد تومان" برآورد کرد.

یک هفته پیش از انتشار این یادداشت، آقای جهانگیری در جریان سفر به بوشهر از نامشخص بودن سرنوشت "بیش از صد میلیارد دلار پول حاصل از واگذاری شرکت‌ها و کارخانه‌ها" در دولت محمود احمدی‌نژاد خبر داد و گفت که البته «هیچ‌کس» قرار نیست این موضوع را بررسی کند. به گزارش "واحد مرکزی خبر"، وی با بیان اینکه «بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از کارخانه‌های مهم در بخش‌های مختلف از جمله مخابرات، فولاد، پالایشگاه، نیروگاه و معادن مس را فروختند»، ابراز امیدواری کرد که «ان‌شاءالله که پولش را در راه پیشرفت کشور هزینه کرده باشند».

او تاکید کرد که مشخص نیست پول حاصل از این واگذاری‌ها «در کجا خرج شده است». مقام‌های دولت حسن روحانی طی ماه‌های اخیر موارد متعددی از فساد اقتصادی در دولت گذشته و نزدیکان محمود احمدی‌نژاد افشا کرده‌اند. به نظر می‌رسد که چالش بر سر این موضوع میان "اصول‌گرایان" و "اصلاح‌طلبان" طی ماه‌های پیش رو، به ویژه با نزدیک شدن به انتخابات دوره بعدی مجلس شورای اسلامی، افزایش یابد.

غیرمجاز در این استان اعلام کرد. وی گفت که در بررسی‌های صورت گرفته از ابتدای سال جاری تاکنون «دو هزار و ۵۴۴ واحد صنفی بدون مجوز در استان اصفهان شناسایی شده است».

اما جدیدترین آمارها درباره میزان فرارهای مالیاتی در ایران، شام‌گاه ۱۷ خردادماه در تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی ایران به روی آنتن رفت.

حسین وکیلی، معاون "سازمان امور مالیاتی ایران" که در یک برنامه تلویزیونی حضور یافته بود، از "۱۲۰ تا ۱۳۰ هزار میلیارد تومان" فرار مالیاتی سالانه در ایران خبر داد و گفت که این سازمان هم‌چنان به دلیل فقدان اطلاعات کافی، از دسترسی به رقم واقعی فرار مالیاتی در ایران بازمانده است. وی هم‌چنین از کشف یک فرار مالیاتی "۹۰۰ میلیارد تومانی" در استان اصفهان خبر داد و خاطر نشان کرد که این فرار مالیاتی را "گروهی" که «در مقوله کدفروشی و فاکتورفروشی فعالیت می‌کردند»، انجام داده‌اند.

آقای وکیلی با اشاره به پرونده دیگری از فرار مالیاتی در تهران تصریح کرد: «هم‌اکنون یک پرونده دیگر در استان تهران در حال بررسی است که یک کدفروش، ۱۲۰ مَهْر را برای شرکت‌ها درست و ۱۲۰ میلیارد تومان فاکتورفروشی کرده است.»

واکنش روزنامه "رسالت" به افشای معاون حسن روحانی

روزنامه "رسالت" چاپ تهران در شماره روز ۲۵ خردادماه خود در یادداشتی به قلم محمدکاظم انبارلویی، سردبیر این روزنامه به سخنان اسحاق جهانگیری، "معاون اول رییس جمهوری اسلامی" ایران مبنی بر «نامشخص بودن محل خرج ۱۰۰ میلیارد دلار در دولت محمود احمدی‌نژاد» واکنش نشان داد

ثبات نسبی ارز و فعالیت‌های مشکوک در بورس

این شاخص اگرچه در روزهای منتهی به پایان خرداد، روند صعودی آرامی را پشت سر گذاشته بود اما با کاهشی ناگهانی، رونق خود را از دست داد و بار دیگر به روند نزولی خود بازگشت.

این در حالی است که روح‌الله نجفی، دبیر «کمیته مبارزه با پول‌شویی سازمان بورس» روز ۳۱ خردادماه از ارسال «دو مورد گزارش معاملات مشکوک» به دبیرخانه «شورای عالی مبارزه با پول‌شویی» خبر داد.

وی در عین حال تاکید کرد که «امکان اعلام جزییات دو مورد پول‌شویی وجود ندارد»

بهای دلار آمریکا در بازار آزاد از ۳۳۲۴ تومان در ۱۶ خردادماه با اندکی کاهش به ۳۲۸۰ تومان رسید و یورو نیز با وجود نوسان در این مدت اما در میانه و پایان خردادماه با قیمت ۳۷۰۰ تومان در بازار تهران معامله شد.

قیمت «سکه تمام بهار آزادی» با کاهشی محسوس از ۹۱۸ هزار و ۵۰۰ تومان در ۱۶ خردادماه به ۹۱۰ هزار و ۵۰۰ تومان رسید و بهای «سکه نیم بهار آزادی» نیز از ۴۶۹ هزار تومان به ۴۵۵ هزار تومان کاهش یافت. شاخص بورس اوراق بهادار تهران نیز در پایان خردادماه به ۶۳۸۱۰ واحد رسید.



نشانه‌ای از رشد در بورس تهران نیست



حمید بابایی

نزدیک به یک سال و نیم است که شاخص بازار بورس تهران در سراشیبی سقوط قرار گرفته است و دیگر خبری از آن روزهای رو به رشد گذشته نیست. آخرین روند رشد شاخص بازار تهران در همان پاییز و زمستان ۹۲ بود که طی آن مقدار اسمی شاخص، مرز ۸۹۰۰۰ واحد را نیز رد کرد و به رکورد جدیدی دست یافت و از آن زمان تاکنون، دیگر این مقدار را دوباره لمس نکرده است. البته همان زمان که مقدار اسمی شاخص رو به رشد بود، با توجه به نرخ بالای تورم در ایران، تردیدهای زیادی در مورد نرخ رشد واقعی بازار وجود داشت و نگارنده معتقد است در آن زمان هم خبری از رشد واقعی نبوده است.

اما سقوط شاخص، مصادف بود با زمانی که مجلس طی مصوبه‌ای، نرخ خوراک پتروشیمی‌ها را افزایش داد و بسیاری از تحلیل‌گران بازار با توجه به این نکته که پتروشیمی‌ها سهم عمده‌ای از بافت سرمایه‌ای بازار را تشکیل می‌دهند این افزایش بها در خوراک پتروشیمی‌ها را علت کاهش شاخص بورس دانستند. البته بعد از این‌که اخبار و حواشی این افزایش بها در خوراک پتروشیمی‌ها فروکش کرد و حتی بعد از آن برآورد سال ۹۳ نیز رشد چشمگیری در شاخص حاصل نشد. اوایل سال ۹۳ پس از چند ماه سقوط پی در پی در شاخص سهام، مسوولان ذی‌ربط جهت جلوگیری از ریزش بازار و افزایش نقدینگی

مصوبه‌ای را به تصویب رساندند که طی آن مقرر شد حقوقی‌های بازار مبلغ پنج هزار میلیارد تومان به بازار سرمایه تزریق کنند و از این طریق جلوی ریزش بیشتر را بگیرند. اینک با گذشت بیش از یک سال از آن تاریخ، این مهم محقق نشده و این در حالی است که بسیاری از حقوقی‌ها از جمله بانک‌ها با مشکل نقدینگی معوقات دست و پنجه نرم می‌کنند. اتخاذ این تصمیم در آن مقطع زمانی، واکنشی بود به اعتراضات سرمایه‌گذاران در ریزش پی در پی بازار در حالی که تحقق چنین مبلغی آن هم در برهه‌ای که بسیاری از پروژه‌های عمرانی کشور با مشکل تامین سرمایه روبه‌رو است بسیار غیر محتمل به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، اتخاذ چنین سیاستی یعنی تزریق اجباری و دستوری پول به بازار اوراق بهادار جهت جلوگیری از سقوط شاخص با اصول حاکم بر مکانیزم طبیعی بازار سرمایه مغایرت داشته هیچ‌گاه نمی‌تواند منجر به رشد مثمر بازار گردد.

در ماه‌های گذشته نیز بسیاری از سرمایه‌گذاران چشم به مذاکرات هسته‌ای دوخته بودند و با امید به این‌که رسیدن به توافق هسته‌ای باعث رشد این بازار می‌شود و زمینه‌ای برای سرمایه‌گذاری در این بازار فراهم خواهد شود. با این وجود، صدور بیانیه لوزان هم که تا حد زیادی امید به توافق را افزایش داد نیز نتوانست سرمایه‌گذاران را نسبت به این بازار خوش‌بین کند و بسیاری از سرمایه‌گذاران خرد، هم‌چنان ناامیدند و در حال خارج کردن سرمایه‌های خود از این بازار هستند. با این توضیح، رسیدن به توافق نهایی نیز بعید است خوش‌بینی سرمایه‌گذاران را نسبت به بازار سرمایه در پی داشته باشد چرا که ایجاد خوش‌بینی به بازار در گرو شکل‌گیری مناسبات اقتصادی و تجاری کارا و عملی با جامعه جهانی و بالاخص با غرب است.

در این میان، در هفته‌های اخیر، تصمیم "شورای پول و اعتبار" در خصوص تعیین نرخ ۱۸ درصدی برای سود سپرده‌های بانکی که خود بالاتر از تورم نقطه به نقطه‌ی ۱۵ درصد است باعث شد تا

این روند خروج سرمایه از بازار سهام تا زمانی که اقتصاد تکانی نخورد و بخش‌های مهم اقتصادی کشور از قبیل بخش مسکن - که نزدیک به ۴۰ درصد اقتصاد ایران به آن وابسته است - صنایع پتروشیمی، فولاد و... هم‌چنان در رکود باشند ادامه خواهد داشت.

* حمید بابایی دانشجوی مقطع دکترای فایننس در دانشگاه لی‌یژ بلژیک است. او در مردادماه ۱۳۹۲ در سفری به ایران بازداشت شد و در حال حاضر، محکومیت شش سال حبس خود را در زندان رجایی‌شهر کرج سپری می‌کند.

سرمایه‌گذاران پول خود را به جای تحمل ریسک سرمایه‌گذاری در بازار بورس، در بانک بگذارند و نرخ سود بدون ریسک ۱۸ درصد را دریافت کنند. بدیهی است که سپرده‌گذاری در بانک با نرخ بالاتر از تورم آن هم با ضریب اطمینان بالاتر از بازار بورس برای سرمایه‌گذاران بسیار جذاب‌تر است تا این‌که سرمایه خود را در بازاری وارد کنند که نشانه‌ای از رشد در آن نیست انتظارات سرمایه‌گذاران نسبت به این بازار که همواره روند حرکت بازار را رقم می‌زند این روزها منفی است و شکل‌گیری انتظارات مثبت نیازمند تحول اساسی در وضعیت اقتصادی بنگاه‌ها و همچنین تغییر واقعی در مناسبات اقتصادی کشور با غرب است.



نماینده جامعه جهانی بهایی در گفتگو با تقاطع: حتی یک دانشجوی بهایی هم به دانشگاه بازنگشته است



یوحنا نجدی: تقریباً کمتر روزی را می‌توان یافت که در آن، گزارشی در خصوص بازداشت، صدور حکم زندان، محرومیت از تحصیل و اخراج از دانشگاه، و حتی ممانعت از دفن شهروندان بهایی در رسانه‌های ایران منتشر نشده باشد. برای بررسی تازه‌ترین موارد این فشارها به سراغ "دیان علایی"، نماینده "جامعه جهانی بهایی" در سازمان ملل متحد رفتیم. خانم علایی که به واسطه‌ی مسوولیتش اخبار مربوط به نقض حقوق بهاییان در ایران را از نزدیک دنبال می‌کند، با وجود همه‌ی این فشارها، همچنان از "امید" به بهبود وضعیت سخن می‌گوید.

یوحنا نجدی: خانم علایی، به عنوان نخستین پرسش، از جمله آخرین موارد اجرای حکم زندان برای شهروندان بهایی آقایان حمید عزیزی در همدان، مهران اسلامی در یزد و ساسان حقیری در اصفهان برای طی کردن دوران محکومیت خود به زندان رفته‌اند. آیا شما خبر جدیدی در ارتباط با وضعیت این افراد و سایر مواردی که شاید در رسانه‌ها مطرح نشده باشد، دارید؟

دیان علایی: نه؛ درباره این افراد اطلاعات بیشتری نداریم اما می‌دانید که بهاییان در ایران تنها به خاطر بهایی بودن زندانی می‌شوند. این روند در حال حاضر، همچنان در ایران ادامه دارد و هم‌اکنون، در مجموع ۱۲۰ شهروند بهایی تنها به خاطر دین و آیین‌شان در زندان‌های جمهوری اسلامی به سر می‌برند.

یوحنا نجدی: زندانیان بهایی، به طور کلی در کدام زندان‌های ایران محبوس هستند؟ و تراکم جمعیت بهاییان در کدام زندان‌ها بیشتر است؟



محرومیت جوانان بهایی از
ادامه تحصیل از همه بدتر
است.



دیان علایی: ببینید؛ بهاییان در "سراسر ایران" بازداشت می‌شوند و فشار بر بهاییان تنها به چند شهر محدود نمی‌شود.

بهاییان، هم در زندان‌های شهرهای بزرگ همچون اوین در تهران و رجایی‌شهر در کرج و زندان شهرهای مشهد و شیراز محبوس هستند و هم در زندان‌های شهرهای کوچک‌تری مثل ساری، یاسوج، بندرعباس و گنبد. به این ترتیب، بهاییان در زندان‌های سراسر ایران محبوس هستند.

یوحنا نجدی: یکی از موارد فشار بر بهاییان در ایران، پلمپ محسوب کسب و کار آنها است؛ به عنوان مثال اخیراً محل کار یازده بهایی در شهرستان ساری در استان مازندران پلمپ شد. لطفاً در این خصوص و سایر موارد مشابه برای خوانندگان ما توضیح دهید. آیا آماری درباره پلمپ محل کسب و کار بهاییان در ایران دارید؟

دیان علایی: مساله پلمپ مغازه شهروندان بهایی فقط به این خاطر بوده که "شهروندان بهایی" در این اماکن مشغول کسب و کار بودند و سال گذشته نیز ما شاهد این اقدامات در شهرهای دیگری بودیم. این اتفاق تنها به این دلیل رخ داد که این شهروندان، مغازه‌های خود را در "روزهای مقدس بهاییان"، بسته بودند البته دلیل بسته بودن مغازه‌هایشان را اعلام نکرده بودند اما جالب است که از نظر مقامات جمهوری اسلامی، این هم یک کار "خطرناک" از سوی بهاییان محسوب می‌شود.

نیروی انتظامی همچنین از شهروندان بهایی خواست تا با امضای برگه‌ای قول بدهند که از این پس، مغازه‌هایشان را فقط در روزهایی که از طرف حکومت، تعطیل اعلام شده، تعطیل کنند. البته بهاییان از امضای این برگه خودداری کردند. این در واقع نوعی فشار اقتصادی کلی علیه بهاییان است و متأسفانه، یک نوع روند تازه محسوب می‌شود.

یوحنا نجدی: اخیراً در برخی وبسایت‌های خبری، تصویر دستوری از سوی "نیروی انتظامی" به نهادهای صنفی منتشر شده که طبق آن، بهاییان از اشتغال در ۳۰ شغل ممنوع شده‌اند. شما گزارشی از داخل ایران دارید که اصناف و فعالان اقتصادی چقدر از این‌گونه دستورها پیروی می‌کنند؟ و چنین محدودیت‌هایی چقدر در ایران به مرحله اجرا می‌رسند؟

دیان علایی: این فشار، واقعا خیلی زیاد است؛ از ایران به ما اطلاع رسیده که در خیلی از موارد، به کسانی که شهروندان بهایی را استخدام می‌کنند، فشار می‌آورند تا آنها را اخراج کنند. البته باید گفت که خیلی از هم‌وطنان ایرانی ما به این دستورات عمل نمی‌کنند و حتی به بهاییان کمک می‌کنند. مثلاً چندی قبل، دو خواهر بهایی در یک آرایشگاه مشغول به کار شدند. ماموران امنیتی به صاحب آرایشگاه فشار آوردند که این دو خواهر را اخراج کند اما وی نه تنها از این کار سر باز زد بلکه وی به همراه شوهرش نامه مفصلی خطاب به نهادهای امنیتی نوشتند و تاکید کردند که رفتار این دو خواهر بهایی در محل کارشان بسیار خوب است و ما از کارشان بسیار راضی هستیم و دلیلی برای اخراج آنها نمی‌بینیم.

یوحنا نجدی: اردیبهشت ماه گذشته، سه نفر از اساتید دانشگاه آنلاین بهاییان در ایران به نام‌های آقایان فرهاد صدقی، محمود بادوام و رامین زیبایی پس از چهار سال حبس، از زندان آزاد شدند. در حال حاضر چه تعداد از اساتید و همکاران دانشگاه آنلاین بهاییان در ایران، زندانی هستند؟

دیان علایی: بله؛ بعد از آزادی افرادی که شما نام بردید، دو نفر دیگر هم از زندان آزاد شدند؛ ولی خوب، هم‌چنان بیش از هفت نفر از افراد مرتبط با دانشگاه آنلاین بهاییان در زندان هستند. باید تاکید کنم، کسانی هم که اخیراً آزاد شدند،

در حقیقت به خاطر پایان دوران محکومیت‌شان از زندان رها شدند وگرنه هیچ تخفیفی در حکم و شرایط آن‌ها اعمال نشد. بنابراین مساله دانشگاه آنلاین بهاییان به همان رویه سابق است و فشار وزارت اطلاعات علیه این دانشگاه همچنان خیلی زیاد است.

یوحنا نجدی: عطاالله رضوانی، شهروند بهایی ساکن بندرعباس در شهریور ماه سال ۱۳۹۲ به طرز مشکوکی به قتل رسید و جسد وی در یکی از جاده‌های متروکه خارج از شهر پیدا شد اما با گذشت دو سال، هنوز نتایج تحقیق درباره پرونده وی منتشر نشده است. آخرین اطلاعات شما در خصوص قتل آقای رضوانی چیست؟

دیان علایی: متأسفانه این پرونده هنوز به هیچ جایی نرسیده است. چیزی که ما می‌دانیم این است که یک زمانی، قوه قضاییه خیلی تلاش می‌کرد تا این‌طور القا کند که آقای رضوانی "خودکشی" کرده است اما این اصلاً غیرقابل قبول است و امکان نداشت. اصلاً از لحاظ فیزیکی هم نمی‌توانست هیچ اتفاقی رخ دهد! اما بعد از آن، دیگر پرونده همین‌طور راکد باقی مانده است.

یوحنا نجدی: چقدر امیدوارید که پرونده آقای رضوانی به نتیجه برسد و قوه قضاییه به این پرونده رسیدگی و نتیجه آن را اعلام کند؟

دیان علایی: اگر مقام‌های جمهوری اسلامی ادعا دارند که در پی نوعی "عدالت اسلامی" هستند، ما امیدواریم که این عدالت اسلامی را در مورد این پرونده نشان دهند و قاتل یا قاتلان آقای رضوانی در یک دادگاه عادلانه، محکوم و مجازات شوند.

یوحنا نجدی: جدیدترین آمار شما از تعداد دانشجویان بهایی محروم از تحصیل چیست؟

دیان علایی: آن‌قدر تعداد این دانشجویان زیاد است که ما آمار دقیقی نداریم. خیلی از جوانان بهایی بعد از قبولی در دانشگاه، اجازه ثبت نام نمی‌یابند. تنها می‌توان گفت که شمار این جوانان قطعاً به "صدها" نفر می‌رسد که هر ساله، از ادامه تحصیل در دانشگاه باز می‌مانند.

یوحنا نجدی: آیا از زمان روی کار آمدن دولت آقای روحانی در ایران، دانشجوی بهایی محروم از تحصیلی موفق به بازگشت به دانشگاه شده است؟

دیان علایی: خیر؛ حتی یک مورد هم چنین خبری به دست ما نرسیده است.

یوحنا نجدی: به دلیل مجموعه فشارهای جمهوری اسلامی بر بهاییان، بسیاری از آن‌ها به ناچار ایران را ترک می‌کنند. آیا شما آماری در این خصوص دارید؟ به طور مثال، چه تعداد بهایی در طول هفته یا ماه از ایران خارج می‌شوند؟

دیان علایی: شما باید بدانید که آرزوی بهاییان ایرانی این است که در کشور خودشان بمانند و در کنار سایر ایرانیان، به پیشرفت مملکت‌شان کمک کنند. بنابراین هنوز تعداد بهاییانی که از ایران خارج می‌شوند، خیلی زیاد نیست. ما آمار دقیقی از مهاجرت بهاییان ایرانی به خارج از کشور نداریم و این در حالی است که بهاییان، همان‌طور که پیش‌تر صحبت کردیم، حتی برای تامین مایحتاج زندگی‌شان نیز زیر فشار نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی قرار دارند.

یوحنا نجدی: یکی از مهم‌ترین وعده‌های آقای روحانی در دوران مبارزات انتخاباتی، گشایش در عرصه سیاسی و احترام به حقوق شهروندی مردم بود. در حال حاضر که نزدیک به دو سال

از ریاست جمهوری ایشان می‌گذرد، تحلیل شما از وضعیت بهاییان در دوران ریاست جمهوری آقای روحانی چیست؟ آیا بهبودی مشاهده می‌کنید؟

دیان علایی: متأسفانه بهاییان هنوز در دولت آقای روحانی نیز اساساً به عنوان شهروند محسوب نمی‌شوند. در این خصوص، اکثراً هم به قانون اساسی جمهوری اسلامی استناد می‌شود چون در این قانون، تنها یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان به عنوان اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده‌اند.

بنابراین چون بهاییان در قانون اساسی حتی به عنوان اقلیت دینی نیز به رسمیت شناخته نشده‌اند،

هیچ حقی در کشور ندارند. در همین راستا، چندی قبل، آقای موسوی بجنوردی، {از روحانیان اصلاح‌طلب، عضو مجمع روحانیون مبارز و رییس دایرةالمعارف بزرگ اسلامی} رسماً اعلام کرد که بهاییان، حقوق شهروندی ندارند.

یوحنا نجدی: به نظر شما، تغییر دولت در جمهوری اسلامی میان اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان چقدر می‌تواند در وضع بهاییان تاثیرگذار باشد؟

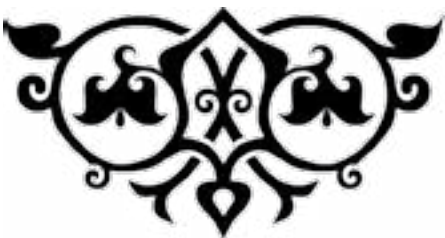
دیان علایی: ببینید؛ مساله این است که آیا دولتی که بر سر کار می‌آید، می‌خواهد به حقوق بشر احترام بگذارد یا خیر؟ حقوق بشر، در حقیقت، حقوق همه ایرانیان را در بر می‌گیرد و از جمله، حقوق بهاییان. در واقع، هر دولتی اگر بخواهد حقوق بشر را عایت کند، طبیعتاً به حقوق بهاییان نیز احترام خواهد گذاشت و قطعاً وضعیت بهاییان بهبود خواهد یافت؛ چون بهاییان، شهروندان ایران هستند و دست به هیچ کار خلافی نزده‌اند. بهاییان فقط می‌خواهند به کشورشان کمک کنند اما دین و باور خودشان را هم دارند.

یوحنا نجدی: شما چقدر امیدوارید که چنین دولتی در جمهوری اسلامی به قدرت برسد و به حقوق بشر و طبیعتاً حقوق بهاییان احترام بگذارد؟

دیان علایی: خوب؛ هر فردی همیشه امیدوار است که وضعیت کشورش بهبود پیدا کند؛ بنابراین ما هم همچنان امیدواریم.



بهاییان طبق قانون اساسی هیچ حقی در کشور ندارند.



یوحنا نجدی: خانم علایی، شما اخبار بهاییان را به طور مرتب رصد می‌کنید. از میان همه فشارها و محدودیت‌ها علیه بهاییان در ایران -از بازداشت و صدور احکام زندان و تبعید گرفته تا محرومیت از تحصیل و حتی جلوگیری از خاکسپاری شهروندان بهایی فوت‌شده- کدامیک از این فشارها شما را بیشتر متاثر می‌کند؟

دیان علایی: {بعد از کمی تعمق} ببینید؛ همانطور که می‌دانید هیچ ترتیبی در این خصوص نمی‌توان در نظر گرفت که کدام دردناک‌تر است اما برای شخص من، محرومیت جوانان بهایی از ادامه تحصیل از همه بدتر است. محرومیت از تحصیل عملاً باعث می‌شود که جوانان زیادی، امید خود را برای داشتن و ساختن یک زندگی خوب از دست بدهند؛ این خیلی غم‌انگیز است؛ خیلی

بازنمایی سبک زندگی در «شهر موش‌ها ۲»؛ عبور از ارزش‌های اسلامی-انقلابی



مانی فرزام: پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران به‌عنوان یک «بلاک‌باستر» می‌تواند نمونه‌ی مناسبی برای تحلیل جامعه‌شناسانه باشد. موفقیت بلاک‌باسترها معمولاً باید تضمین‌شده باشد چرا که حجم سرمایه‌گذاری روی آن‌ها بالا است و سرمایه‌گذاران کاملاً به ویژگی‌های فرهنگی و جامعه‌شناختی محتوا و داستان آن توجه دارند. فیلم‌های پرفروش در ضمن، فیلم‌های به اصطلاح «کالت» هم هستند، زیرا طبق تعریف «فیلم کالت»، پیامدهای فرهنگی و فعالیت‌های جانبی شکل‌گرفته پیرامون آن به نوعی است که می‌توان از یک خرده‌فرهنگ مرتبط با فیلم «کالت» سخن گفت.

شهر موش‌ها (قسمت دوم) را می‌توان هم یک بلاک‌باستر دانست هم یک فیلم کالت. بنابراین، تمام بحث‌های پیرامونی چنین فیلم‌هایی را درباره‌ی این فیلم عروسکی که دیگر فقط مخاطب کودک ندارد می‌توان در نظر گرفت. خاطره‌ی جمعی بخش بزرگی از جامعه‌ی ایران که در دهه‌ی ۶۰ پای تلویزیون می‌نشستند و مجموعه‌ی «مدرسه‌ی موش‌ها» (فصل یک ۱۳۶۰ و فصل دو ۱۳۶۳) را می‌دیدند عاملی شد برای فروش بالای فیلم «شهر موش‌ها» (۱۳۶۴) و قسمت دوم آن که در سال ۱۳۹۳ ساخته شد. به جز فروش بلیت در گیشه، نسخه‌های قسمت اول آن در طول این سال‌ها به فروش بالایی دست یافتند و احتمال فروش بالای نسخه‌ی دی‌وی‌دی قسمت دوم آن هم که در عید فطر سال ۱۳۹۴ پخش شد بالا است. از همان مجموعه‌ی تلویزیونی پخش‌شده در تلویزیون دولتی ایران روایت‌هایی نمودگر در فرهنگ عامه شکل گرفت تا جایی که این تفسیر به نشریات هم راه یافت. با توجه به سابقه‌ی داستان‌های نمادین و اخلاقی حیوانات در ادبیات فارسی بزرگسالان، چه دوران کلاسیک چه دوران مدرن، و نیز آثاری نمایشی و سینمایی



الگوی زندگی در نسل‌های
بعد از انقلاب با الگوهای
سال‌ها قبل تفاوت کرده‌اند.



مانند «شهر قصه» (اجرای نخست ۱۳۴۷)، طبیعی بود که تفسیرهایی انتقادی و سیاسی از عناصر داستانی این اثر تلویزیونی-سینمایی شکل گیرد. البته این تفسیرها با توجه به رویکرد فانتزی و کودکانه‌ی قصه‌ی مجموعه-فیلم به اندازه‌ی آثار انتقادی در چارچوب جامعه‌ی حیوانات گسترده نبود. با پخش فیلم جدید «شهر موش‌ها» در نخستین روزهای شهریور ۱۳۹۳ برخی رسانه‌های اصول‌گرا در ایران دوباره بازار تفسیرها در جامعه نسبتاً داغ شد اما این نشریه‌های اصول‌گرا بودند که تلاش کردند بر دلالت‌های «انتقادی» در تم داستان تاکید کنند و علیه آن یا در تفسیر متفاوتی از آن نوشتند. در یکی از موارد، فیلم به مانیفستی از انرژی هسته‌ای و نكوهش بمب اتمی تعبیر شد.

فیلم نوعی نمادسازی از نسل دوم و سوم انقلاب اسلامی تلقی شد. اما در مواردی جدی‌تر، فیلم به جهت مضامین غربی و غیراسلامی درون آن، متهم به شکستن ارزش‌های انقلاب شد (۱ و ۲).

در یکی از این نقدها می‌خوانیم: «موش‌ها در قسمت اول حجاب داشتند و فرهنگ ایرانی در آن جلوه داشت. بازار، گرمابه، زورخانه، موسیقی سنتی و غیره. لکن در این قسمت، سبک زندگی، واضحا مدرن و اروپایی شده است.

موش‌ها در این فیلم کشف حجاب کرده‌اند که چیز پسندیده‌ای نیست. راقم امیدوار است که در قسمت بعدی به بهانه‌ی اینکه اصولاً حیوانات لباس نمی‌پوشند عریان نشوند.» نویسنده‌ی این یادداشت، تا آنجا پیش رفت که برای فیلم روایتی دینی-تاریخی پیدا کرد: «ظاهراً این فیلم از الگوی هجرت بنی‌اسرائیل از مصر به رهبری موسی، و غرق شدن فرعون در دریا استفاده کرده است. به این ترتیب می‌توان گفت که موش‌ها نماد بنی‌اسرائیل هستند و گربه‌ی سیاهی که آنها را تعقیب می‌کند در حکم فرعون.» اما جز این

تفسیرها و نقدها، از موضعی عینی و جامعه‌شناختی می‌توان به فیلم ساخته‌شده‌ی سال ۹۳ پرداخت، فیلمی که به استناد رسانه‌ها «پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران» تا کنون لقب گرفته است. یکی از موضوع‌های مطالعات فرهنگی، سبک زندگی و بازنمایی آن در رسانه‌ها از جمله سینما است. «شهر موش‌ها ۲» با یک اتفاق تازه همراه بود، آنچه در قسمت‌های پیشین ساخته‌شده در دهه‌ی ۶۰ هم‌خوانی نداشت. عروسک‌های زن، حجاب اسلامی نداشتند.

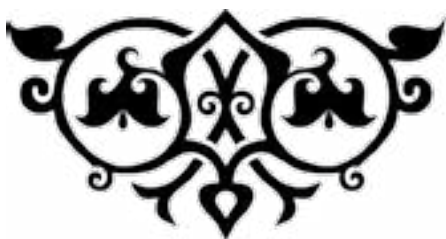
کسانی که با رسانه‌های کودکان، تصویرسازی کودک و پویانمایی کودکان در فضای ایران بعد از انقلاب «اسلامی» آشنایی دارند می‌دانند که تا چه اندازه در تصویرسازی و شخصیت‌پردازی عناصر رسانه‌های کودک، محدودیت وجود دارد. مرضیه برومند، کارگردان فیلم، در بخشی از گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم در مهرماه ۱۳۹۳ می‌گوید: «می‌گویند چرا در اینجا کار کاموای بافتنی سر زن‌ها است. خیلی عجیب است چند بار خوانده‌ام که انتقاد می‌کنند به "شهر موش‌ها ۲" که چرا سر موش‌ها حجاب ندارد، من تعجب می‌کنم، من هیچ وقت نمی‌آیم با این کار به حجاب بی‌احترامی‌کنم، اگر سر موش‌ها حجاب نگذاشته‌ام چون نمی‌خواهم به حجاب توهین کنم. این خیلی خنده‌دار است که من این انتقادها را باید بشنوم.» هرچند در نهایت مانعی بر سر ساخت و پخش این فیلم ایجاد نشد، اما رویکرد عوامل فیلم در تغییر گفتمان (دیسکور) درون فیلم نکته‌ای است که جالب توجه است.

اگر در مدرسه‌ی موش‌ها و شهر موش‌های دهه‌ی ۶۰ خبری از ساز موسیقی و پوشش آزاد موش‌های شهرنشین نبود، در شهر جدید موش‌ها، در کنار پلیس و پزشک و مدرسه و آزمایشگاه و غیره که توسط بزرگسالان اداره می‌شود و فقط در شهر انسان‌ها وجود دارند، روابط آزاد تعریف‌شده در شهر مدرن غربی نیز وجود دارد.

در این باره، به جز پژوهش‌های میدانی بر اساس نظرسنجی‌های موسسه‌های علمی سنجش افکار عمومی، پژوهش‌های رسانه‌ای نشان می‌دهد



انقلابی اجتماعی در ایران بدون توجه به استانداردهای حاکم در حال وقوع است



که الگوی زندگی در نسل‌های بعد از انقلاب با الگوهای سال‌ها قبل تفاوت کرده‌اند. بخشی از این تغییر الگو در هر جامعه‌ای طبیعی است اما بخش دیگر، دلایل محلی در ایران دارند. گسترش رسانه‌های ماهواره‌ای فارسی و غیر فارسی زبان، تغییر الگوی زندگی در سطح جهانی، سرایت کاهش مشروعیت سیاسی به اقبال کمتر به ارزش‌های حاکمیت رسمی، و نیز سازگار نبودن این ارزش‌ها با دنیای روزمره، می‌توانند از دلایل این تغییر نگرش در الگوی زندگی نسل دهی گذشته باشند.

موش‌موشک (خواهر کوچکتر کپل رستوران‌دار) بالاخره به مدرسه رفته و امروز مربی موسیقی مدرسه‌ی موش‌ها شده، او در میان همه پیانو می‌زند، آواز می‌خواند در حالی که در فضای عمومی «شهر موش‌ها» مجبور به رعایت پوشش اجباری نیست. دختر و پسر موش در مدرسه‌ای دوجنسیتی در کنار هم درس می‌خوانند.

«موشمندان» (همان شهروندان شهر موش‌ها) پلیس خود را دوست دارند و به او احترام می‌گذارند. در شهر موش‌ها، قانون حکم‌فرما است و کسی اعمال حاکمیت در زندگی روزمره‌ی موش‌ها (آدم‌ها) نمی‌کند. مردم به دعوت همدلی و دوستی یک کودک، گوش می‌دهند. کودکان در فضایی سالم و آرام زندگی می‌کنند. این مجموعه‌ی نکات جزیی اما مهم این فیلم پرفروش سینمای ایران می‌تواند به تنهایی یک نظرسنجی جامعه‌شناسی در سطح جامعه‌ی ایران باشد.

اگر نام‌ها ایرانی‌اند، نام مغازه‌ها ایرانی‌اند، اما برخی از آزادی‌های شهر موش‌ها در شهر مردمان امروز ایران نیست. آشکارا می‌توان ایده‌آل‌های بخش بزرگی از جامعه‌ی ایرانی مخاطب را در این بلاک‌باستر عروسکی دید.

امروز در غرب، جامعه‌شناسی سینما و رسانه به عنوان یک گرایش دانشگاهی در دانش جامعه‌شناسی و مطالعات رسانه، یکی از دانش‌های مفید برای اداره‌ی جامعه است و داده‌های آن، اعتبار علمی دارند.

شاید این امری بدیهی باشد که جامعه‌ی ایران راهی دیگر را می‌رود اما اهمیت دادن به این شاخه از جامعه‌شناسی به‌ویژه در آثاری این‌چنین، اهمیتی راهبردی دارد. ببینندگان پرشمار فیلم می‌تواند گواهی بر این باور برخی از کارشناسان باشد که انقلابی اجتماعی در ایران بدون توجه به استانداردهای حاکم در حال وقوع است.

اقتصاد ایران در تیرماه



یوحنا نجدی و سعید قاسمی نژاد

اقتصاد ایران در نیمه اول تیرماه بیش از هر چیز تحت تاثیر گزارش‌های مربوط به گم شدن یک دکل حفاری خریداری شده توسط دولت ایران به ارزش ۷۸ میلیون دلار قرار داشت. با این حال، مواردی چون کیفیت منفی خودروهای تولید داخل، استمرار رکود شدید در بازار مسکن، ماجرای زمین‌خواری یک عضو کابینه محمود احمدی‌نژاد، شدت یافتن بحران آب در استان‌های مختلف کشور و رقم‌های عجیب و غریب از فرار مالیاتی در ایران را می‌توان از دیگر خبرهای داغ ابتدای تابستان امسال دانست.

بحران آب به استان‌های شمالی رسید

در نیمه اول تیرماه و همزمان با شروع فصل تابستان، گزارش‌های جدیدی از بحران کمبود آب در استان‌های مختلف کشور منتشر شد.

از جمله، استاندار گیلان روز ۸ تیرماه در سخنانی در جمع فرمانداران و سایر مسوولان استانی وضعیت آب در این استان را «بحرانی» توصیف کرد و از همه دستگاه‌های مربوطه خواست که «برای برون رفت از این بحران تلاش کنند».

محمدعلی نجفی گفت که اگرچه «تا قبل از این هیچ‌گاه گیلان به عنوان استان «کم آب» شناخته نمی‌شد»، اما در حال حاضر «بیش از ۶ هزار هکتار از اراضی کشاورزی گیلان در «تنش کم‌آبی» هستند» و حتی «در صورت فقدان مدیریت صحیح، این میزان به بالای ۲۰ هزار هکتار خواهد رسید». «مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی» روز ۶ تیرماه در گزارشی با هشدار جدی درباره وضعیت آب در کشور تاکید کرد که «تعداد دشت‌های ممنوعه از ۱۵ دشت در سال ۴۷ به ۳۱۹ دشت در سال ۹۳ افزایش یافته است».



یک دستگاه دکل نفتی به نام دکل «دین» با حدود مبلغ ۷۸ میلیون دلار در سال ۹۰ از یک شرکت خارجی خریداری شده که مفقود شده است.

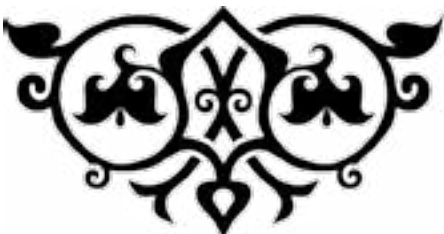


روح‌الله طاهریان‌پور با بیان اینکه «بخش عمده آب استان بوشهر از طریق استان‌های همجوار تامین می‌شود»، تاکید کرد که مناطق روستایی این استان به «۷۵ حلقه چاه جدید» نیازمند است.

یک روز پیش از آن نیز مدیرکل «آب و فاضلاب شهری استان بوشهر» از فرسودگی فراوان خطوط آبرسانی در این استان خبر داد و گفت که «میزان فرسودگی این خطوط حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد و نیازمند ترمیم و بازسازی است».



بیش از ۲۴ هزار و ۹۴۸
هشدار به ادارات دولتی
در خصوص عملکردهای
فسادآمیز داده شده است



کیقباد یاکیده با اشاره به کاهش سرانه آب در استان بوشهر طی سال‌های اخیر افزود: «در سال ۹۲ سرانه آب در استان بوشهر ۳۵۰ لیتر بوده ولی امسال این سرانه به ۲۲۶ لیتر رسیده است که کاهش شدیدی را روایت می‌کند.»

ماجرای دکل گم‌شده؛ در حال پیگیری است

ماجرای گم شدن دکل ۷۸ میلیون دلاری ایران را می‌توان مهمترین خبر اقتصادی در جمهوری اسلامی در نیمه اول تیرماه امسال دانست.

این گزارش می‌افزاید که در ۴۷ سال اخیر مخازن آب زیرزمینی کشور با کسری مخزن بیش از ۱۱۰ میلیارد مترمکعبی مواجه شده‌اند که «حدود ۹۵ میلیارد متر مکعب آن مربوط به ۲۰ سال اخیر است.»

این مرکز در گزارش خود تصریح کرده است در حال حاضر، آب بیش از ۶ هزار روستای کشور با «تانکر» تامین می‌شود. مدیرعامل «شرکت آب منطقه‌ای خراسان جنوبی» نیز روز ۶ تیرماه با بیان اینکه این استان با «بحران آبی» روبرو است، گفت: «طرح‌های تامین آب استان نیاز به اعتبارات میلیاردی دارد که هنوز ردیف اجرایی ندارند.»

حسین امامی در توضیح راه‌های تامین آب برای این استان، از جمله به انتقال آب از سد دوستی به خراسان جنوبی اشاره کرد و افزود که اجرای این طرح به «۵۰۰ کیلومتر خط انتقال» و حدود «سه تا چهار هزار میلیارد تومان» اعتبار نیازمند است. وی راه حل دیگر را «باروری ابرها» دانست و افزود که اجرای این پروژه هم به حدود «هفت میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان» اعتبار نیاز دارد. فرماندار شهرستان محمودآباد در استان مازندران هم روز ۳ تیرماه با ابراز نگرانی شدید از وضعیت آب در اراضی کشاورزی این شهرستان این وضعیت را «بحرانی» و «تاسف بار» توصیف کرد.

سیف‌الله فرزانه گفت بحران کم آبی در بخشی از روستاهای بخش سرخرود به حدی است که «کشاورزان آب را از عمق ۱۰ متری زمین با چاه برای مزارع کشاورزی تامین می‌کنند» و «حتی تعدادی از روستاها دچار کمبود آب آشامیدنی شده‌اند». در همین روز، مدیرعامل «شرکت آب و فاضلاب روستایی استان بوشهر» نیز به خبرگزاری «مهر» گفت که «آبرسانی به ۲۰۰ روستای استان بوشهر با تانکر انجام می‌شود».

اما در نهایت به ایران تحویل داده نشده اینک در یک «کشور همسایه» از آن استفاده می‌شود.

به گفته وی، بر اساس قرارداد، باید ۲۰ درصد از بهای این دکل حفاری در قالب «پیش‌پرداخت» و ۸۰ درصد دیگر نیز پس از تحویل دکل به شرکت واسطه‌ای در ترکیه پرداخت می‌شد اما طرف ایرانی، تمامی بهای دکل را به تدریج پرداخت کرده است.

در همین حال، همچنان خبرهای متفاوتی درباره سرنوشت این دکل به گوش می‌رسد.

از جمله، حمید حسینی، فعال بازار فرآورده‌های نفتی به شماره روز ۷ تیرماه روزنامه «اعتماد» چاپ تهران گفت «گزارشی را دیده‌است که در آن اشاره شده دکل حفاری که قرار بود امروز در خلیج فارس باشد، در آب‌های مکزیک مشغول به کار است». این در حالی است که برخی گزارش‌ها از فعالیت این دکل در کشور قطر خبر می‌دهند.

با این حال، این پایان ماجرا نبود و یک نماینده مجلس شورای اسلامی فاش کرد که دکل‌های نفتی دیگری نیز توسط ایران خریداری و سپس مفقود شده‌اند. حسین دهدشتی، عضو «کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی» در گفتگو با شماره روز ۱۳ تیرماه روزنامه «فرهیختگان» چاپ تهران، فاش کرد که شرکت «ایران گلوبال» (از شرکت‌های زیرمجموعه شرکت تاسیسات دریایی ایران)، در زمان دولت محمود احمدی‌نژاد یک دکل نفتی را خریداری کرده و به «دوبی آورده است، اما مسائلی پیش آمده که نتوانسته‌اند آن را وارد کشور کند».

آنگونه که حسین دهدشتی به این روزنامه صبح تهران گفته است، این دکل «فرسوده» و «قدیمی» بوده است.

یک دستگاه دکل نفتی به نام دکل «دین» با حدود مبلغ ۷۸ میلیون دلار در سال ۹۰ از یک شرکت خارجی خریداری شده که مفقود شده است.

بیژن نامدار زنگنه، «وزیر نفت» دولت حسن روحانی، سرانجام روز دوم تیرماه، برخی گزارش‌ها درباره ناپدید شدن یک دکل نفتی خریداری شده از یک شرکت خارجی در دولت محمود احمدی‌نژاد را تایید کرد و گفت: «موضوع مفقود شدن دکل نفتی متعلق به ایران واقعیت دارد و با پیگیری و شکایت ما پرونده‌ای در این خصوص تشکیل شده است.»

یک هفته بعد، رییس «سازمان بازرسی کل کشور» نیز ضمن تایید گم شدن این دکل نفتی تصریح کرد: «افرادی که این پول را هزینه کرده‌اند تاکنون نتوانسته‌اند هیچ دلیلی ارائه کنند که این پول حتماً به شرکت فروشنده تحویل شده است.» ناصر سراج از تهیه ۸ گزارش توسط سازمان متبوعش از شرکت نفت خبر داد و افزود که گزارش این سازمان در خصوص دکل گمشده، تحویل «مراجع قضایی» شده است.

یک روز پیش از این اظهارات نیز رییس «کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی» در گفتگو با خبرگزاری «ایسنا» گفت که در حال حاضر پرونده دکل گمشده «به قوه قضاییه ارسال شده» و «تیمی بر روی این پرونده کار می‌کند». علی مروی ضمن فاش کردن زوایای جدیدی از این موضوع تصریح کرد: «هنگامی که قصد خرید این دکل وجود داشت گویا مبلغی را به واسطه‌ای دادند تا این کار انجام شود که متأسفانه دکل تحویل داده نشده است.» نخستین گزارش‌ها در خصوص این دکل گمشده به مهرماه سال گذشته باز می‌گردد. در آن زمان، نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه در مجلس شورای اسلامی گفته بود که یک دکل نفتی به نام «دین» به قیمت ۸۷ میلیون دلار در سال ۹۰ از یک شرکت ترکیه‌ای خریداری شده،

در این صورت «دایره تخلفات مورد بررسی فراتر از تغییر کاربری زمین‌ها توسط کامران دانشجو خواهد بود».

در خبری دیگر در ارتباط با فساد اقتصادی در ایران، مشاور ارشد رییس جمهوری اسلامی هم در نخستین روز تیرماه در جریان سفر به استان سمنان با اشاره به فعالیت غیرمجاز شمار زیادی از موسسات مالی در سرار کشور گفت که اگرچه «هیچ واحد صنفی بدون پروانه فعالیت نمی‌تواند دایر باشد»، اما «هنوز معلوم نیست این همه موسسه با شعب مختلف چگونه هنوز دایر هستند».

اکبر ترکان خاطرنشان کرد که در حال حاضر، «۲۰ درصد نقدینگی کشور در اختیار موسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز است». در همین حال، رییس «سازمان بازرسی کل کشور» نیز در گفتگویی در تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی اعلام کرد که حدود ۸۵ درصد از ۱۶۵ میلیون هکتار زمین در ایران، متعلق به «دولت جمهوری اسلامی» است و «بیشتر زمین‌خواری‌ها هم در همه این ۸۵ درصد صورت می‌گیرد».

ناصر سراج با اشاره به جدیدترین موارد فرار مالیاتی کشف شده توسط سازمان متبوعش گفت که «در این رسیدگی‌ها شرکتی شناسایی شده است که از سال ۸۶ تا ۹۲ حدود ۲۹۳ هزار میلیارد ریال فرار مالیاتی داشته است». وی در عین حال افزود که تنها در سه ماهه نخست امسال، «بیش از ۲۴ هزار و ۹۴۸ هشدار به ادارات دولتی در خصوص عملکردهای فسادآمیز داده شده است».

آقای سراج همچنین از رسیدگی به پرونده فساد بانکی مربوط به درآمد ۱۰۸ میلیارد تومانی یکی از مدیران عامل بانک‌های کشور خبر داد.

روزنامه «قانون»، چاپ تهران نیز در شماره روز ۷ تیرماه خود از ورود کامران دانشجو، وزیر پیشین علوم، تحقیقات و فناوری در دولت محمود احمدی نژاد به «باشگاه زمین‌خواران» خبر داد.

این گزارش با اشاره به اینکه «کامران دانشجو متهم به زمین‌خواری است و به زودی باید در پیشگاه دستگاه عدلیه پاسخگوی اتهامات خود باشد»، می‌افزاید که «پرونده تخلفات آقای دانشجو با شکایت سازمان امور اراضی ایران به دادگاه ارسال شده است».

در جدیدترین خبرهای مربوط به فساد در دستگاه‌ها و نهادهای دولتی در جمهوری اسلامی، گزارش‌ها حاکی از آن است که بیشترین موارد در زمین‌خواری در زمین‌های متعلق به دولت صورت می‌گیرد پای وزیر علوم دولت محمود احمدی نژاد هم به زمین‌خواری باز شده است.

محمدرضا پورابراهیمی، نماینده کرمان در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با شماره روز دوشنبه ۱۵ تیر روزنامه «شرق»، چاپ تهران گفت که به نمایندگان این، مجلس اجازه تحقیق و تفحص از «بنیاد تعاون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی» داده نشد.

وی از تلاش‌های بی‌ثمر خود و شمار دیگری از اعضای این مجلس برای تحقیق و تفحص از این نهاد زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی خبر داد و افزود: «من در این باره به آقای لاریجانی نیز تذکر دادم. ایشان باید اجازه تحقیق و تفحص را به ما می‌دادند... ما در پی آن هستیم که هیات ریسه مجلس را قانع کنیم به ما مجوز لازم را بدهد.» «قانون» حتی به صورت تلویحی، از اتهامات دیگری در پرونده آقای دانشجو خبر داد و نوشت که «اگر اتهامات وی محدود به بحث زمین‌خواری نباشد»

رکود در مسکن، معادن و صنعت

مقام‌های مسوول و فعالان صنفی از استمرار رکود در بازار مسکن و صنایع مرتبط با آن و همچنین برخی دیگر از بخش‌های صنعت در ایران خبر می‌دهند.

از جمله، رییس "خانه صنعت و معدن" روز ۱۲ تیرماه در مراسم گرامیداشت روز صنعت و معدن با اشاره به نقش مهم دولت‌ها برای کمک به صنعت در دوران رکود گفت: «جلوی نفس کشیدن صنعتی که در حال غرق شدن است را نباید گرفت.»

عبدالوهاب سهل‌آبادی درباره ریشه‌یابی علت رکود در صنعت ایران افزود: «مادامی که ۲۰ میلیارد دلار قاچاق وارد کشور می‌شود، صنایع داخلی ما جایگاهی نخواهند داشت و راه به جایی نخواهند برد.»

معاون "معادن صنعت، معدن و تجارت استان همدان" هم روز ۱۰ تیرماه اعلام کرد که «۴۰ تا ۵۰ درصد معادن این استان تعطیل هستند». محمد خاکی از "رکود بازار" و "کم بودن و نبودن طرح‌های عمرانی" به عنوان دلایل تعطیلی معادن استان همدان یاد کرد و افزود: «۱۵ تا ۲۰ درصد قیمت فروش مواد معدنی به عنوان مالیات پرداخت می‌شود که این مساله به ضرر مصرف کننده است.»

در ارتباط با ادامه رکود در بازار مسکن، یک عضو "اتحادیه فروشندگان میخ، قفل و لولا" نیز روز ۹ تیرماه با بیان اینکه در حال حاضر تنها "حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد" دستگیره‌های موجود در بازار، "تولید داخلی" است، گفت: «با توجه به رکود حاکم در بازار و به ویژه ساخت و ساز مسکن که ارتباط مستقیم با صنف ما دارد، شاهد رکود خرید و فروش هستیم.»

محمد طاهری که با خبرگزاری "ایسنا" سخن می‌گفت، افزود که «بیش از ۶۰ درصد دستگیره‌های موجود در بازار، خارجی است که بیشتر از کشورهای چین، ایتالیا و کره وارد می‌شود.»

دو روز پیش از این اظهارات نیز رییس "اتحادیه فروشندگان مصالح ساختمانی" با انتقاد شدید از سقف ۸ تا ۱۸ درصدی مالیات تعیین شده در تفاهم بین اتاق اصناف و سازمان امور مالیاتی گفت که این تفاهم‌نامه "مورد قبول" و "قابل استفاده" نیست، چرا که «بازار این بخش در سال گذشته با رکود زیادی مواجه بوده و فروش مصالح ساختمانی حدود ۳۲ درصد کاهش داشته است.»

اسماعیل کاظمی با تاکید بر اینکه ۳۷۰ عضو از ۱۰۲۰ عضو اتحادیه فروشندگان مصالح ساختمانی، "کاملاً غیرفعال" هستند، ضمن اشاره به کاهش ۴۰ درصدی صدور پروانه‌های ساختمانی در سال گذشته پرسید: «با توجه به تورم و افزایش هزینه‌ها، مشخص نیست چرا مالیات باید افزایش پیدا کند؟» به گفته وی، در حال حاضر افرادی بدون داشتن واحد دارای مجوز، به صورت "واسطه‌ای" کار می‌کنند و «درآمد زیادی دارند و بدون داشتن هزینه‌های جاری واحدهای مجوزدار، در این عرصه فعالیت می‌کنند.»

در خبری دیگر در ارتباط با وضعیت صنایع در ایران، رییس "شورای رقابت" شامگاه اول تیرماه در برنامه گفتگوی ویژه خبری در تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی با طرح انتقادهایی صریح از کیفیت خودروهای تولیدی در ایران گفت که «در دو سال اخیر، ضریب کیفیت خودرو که بین منهای ۳ تا مثبت ۳ تعریف شده، همواره منفی بوده است». رضا شیوا خاطرنشان کرد که در حال حاضر، «کمتر خودرویی در کشور اکنون تولید می‌شود که افزایش کیفیت داشته باشد.»

گزارش‌ها حاکی است که گروه فرآورده‌های نفتی، خودرو، گروه مالی که سهام بانک‌ها و بیمه‌ها را در بر می‌گیرد، وسایل ارتباطی، محصولات کاغذ، انبوه‌سازی و ابزار پزشکی بیشترین میزان رشد شاخص روزانه در بورس تهران را در نیمه اول تیرماه تجربه کرده‌اند.

ارقام مختلف از دارایی‌های بلوکه‌شده ایران

به دنبال توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی با قدرت‌های غربی و امکان بازگشت دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در خارج از کشور، رقم‌های مختلفی از میزان این دارایی‌ها توسط مقامات ارشد دولتی اعلام شده است.

علی طیب‌نیا، وزیر «امور اقتصادی و دارایی» در دولت حسن روحانی در آخرین روز تیرماه علت اصلی ارائه رقم‌های مختلف در خصوص پول‌های بلوکه شده ایران در خارج را «تعاریف مختلف افراد از این پول‌ها» دانست و افزود: «ذخایر ما در خارج از کشور ممکن است نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار باشد.»

وی که در نشست شورای وزیران صندوق اوپک در وین سخن می‌گفت، در واکنش به رقم ارائه‌شده از سوی «رییس کل بانک مرکزی» گفت که این رقم (کمتر از ۳۰ میلیارد دلار) «قابل استفاده» و «دسترسی» است چرا که «کمتر از ۳۰ میلیارد جزء منابع مالی بانک مرکزی است». یک روز پیش از آن، رییس کل «بانک مرکزی» گفته بود که تنها «۲۹ میلیارد دلار از منابع ارزی بانک مرکزی، پس از رفع تحریم‌های بانکی قابل استفاده می‌شود».

ولی‌الله سیف با بیان این‌که «این رقم، همه منابع ارزی خارجی بانک مرکزی نیست» اضافه کرد که «دلیلی وجود ندارد حجم منابع ارزی بانک مرکزی اعلام شود».

علی علیلو، عضو «کمیته تحقیق و تفحص از خودروسازان» نیز دیگر میهمان این برنامه بود که ضمن اشاره به مشکلات خودروهای صفر کیلومتر افزود در مراجعات مردم برای تعمیر خودرو به نمایندگی‌های فروش، مشاهده می‌شود که «قطعات کارکرده» و «دست دوم» به جای قطعات نو، در خودروهایشان جایگزین می‌شود.

این نماینده مجلس شورای اسلامی با ابراز تاسف از اینکه «پدیده خود شیفتگی بر صنعت خودرو حاکم شده است»، ادامه داد: «خودروسازان ادعا می‌کنند به آخر خط کیفیت و ساخت رسیده‌اند و هیچ توجهی هم به مراکز تحقیقات خارج از صنعت خودرو و دانشگاهی ندارند.»

بازار طلا و ارز؛ بورس منتظر نتایج مذاکرات هسته‌ای

در نیمه اول تیرماه امسال، بهای دلار آمریکا از ۳۲۷۰ تومان در ابتدای تیرماه با اندکی افزایش به ۳۲۸۵ تومان در نیمه این ماه رسید. در مقابل، بهای یورو با کاهشی محسوس از ۳۷۱۲ به ۳۶۳۵ تومان رسید. قیمت سکه تمام بهار آزادی هم از ۹۰۷ هزار تومان در اول تیرماه با کاهشی قابل توجه به ۸۷۵ هزار تومان در ۱۵ تیرماه کاهش یافت و بهای نیم سکه بهار آزادی هم ۴۵۷ هزار به ۴۴۵ هزار تومان رسید.

بورس تهران در معاملات روز ۱۵ تیرماه خود با افزایش نسبی قیمت‌ها مواجه شد و توانست وارد کانال ۶۶ هزار واحدی شود. حاکم شدن نوعی «خوش‌بینی» نسبت به حصول توافق در مذاکرات هسته‌ای موجب شد تا با افزایش میل به خرید توسط سهامداران، روند متعادلی در تالار شیشه‌ای حاکم شود اما از سوی دیگر، به دلیل مشخص نبودن نتیجه مذاکرات وین، همچنان عده‌ای احتیاط کرده وارد میدان نشدند.

رییس سازمان بازرسی کل کشور روز ۲۳ تیرماه از کشف یک فساد مالی بزرگ خبر داد و گفت که در این پرونده، «فردی با تشکیل شرکت‌های صوری و کاغذی توانسته وام‌های سنگینی از بانک‌ها بگیرد».

ناصر سراج حجم وام پرداخت‌شده را «۷۰۰ میلیارد تومان» اعلام کرد و افزود که مسوولان بانکی، «با علم و آگاهی» این میزان وام را پرداخت کرده‌اند.

در پرونده‌ای دیگر روزنامه «قانون»، چاپ تهران در شماره روز ۲۰ تیرماه خود از قول «رییس هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری نهاد ریاست جمهوری» نوشت که حمید بقایی، «معاون اجرایی محمود احمدی‌نژاد»، اموالی را از کشور خارج و در «ده کشور خارجی سرمایه‌گذاری مالی کرده است».

محمد اشرفی اصفهانی در سخنانی صریح‌تر ادامه داد: «آن قدر خورده و برده که ما باید چند سال بگردیم تا اموالی که غارت و از کشور منتقل کرده را فقط «شناسایی» کنیم؛ نه این که برگردانیم».

پیشتر، وبسایت «تابناک» نیز در گزارشی که دقایقی بعد از انتشار از روی این وبسایت حذف شد، نوشته بود که آقای بقایی «۲۰ هزار میلیارد تومان از داخل کشور به صرافی‌های کشورهای عربی» انتقال داده است.

در خبرهای مربوط به استان‌های کشور نیز «دبیر هماهنگی و مبارزه با قاچاق کالا و ارز استان مازندران» روز ۱۶ تیرماه، ارزش میزان قاچاق کالا و ارز در این استان را با توجه به جمعیت ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار در سال اعلام کرد. محمدعلی پیش‌نمازی، با اشاره به ارزش ۲۲ تا ۲۵ میلیارد دلاری کالای قاچاق در کشور گفت که این میزان «چند برابر اعتبارات عمومی استان‌ها است».

این در حالی است که «معاون ارزی بانک مرکزی» روز ۲۹ تیرماه، مجموع دارایی‌های ارزی بلوکه‌شده‌ای را که «قابلیت آزادسازی» دارد و «دارایی‌هایی که توانایی بازپرداخت آنها وجود ندارد»، حدود ۸۹/۶ میلیارد دلار اعلام کرد و گفت که به دنبال توافق اتمی، تنها ۲۹ میلیارد دلار از این رقم، «قابل استفاده» خواهد بود.

غلامعلی کامیاب به خبرگزاری «ایسنا» گفت که علت ارائه رقم‌های مختلف از سوی مسوولان جمهوری اسلامی، «تفاوت دو مفهوم ذخایر ارزی با دارایی‌های ارزی» است.

در همین حال، یک عضو «کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی» روز ۲۷ تیرماه ضمن تصحیح سخنان پیشین خود تصریح کرد که رقم ۲۹ میلیارد دلار اعلام شده از سوی مقامات بانک مرکزی، «منفاتی» با آنچه وی در سخنان پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران گفته بود، ندارد.

غلامرضا مصباحی‌مقدم روز ۲۶ تیرماه در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران، با بیان اینکه «ایران یک دلار هم بدهی خارجی ندارد»، اعلام کرده بود که «حدود ۱۳۰ میلیارد دلار ذخایر خارجی دارد که در خارج از کشور و در حساب‌های بانک مرکزی است».

وی ادامه داد که منظورش از ۱۳۰ میلیارد دلار، «کلیه ذخایر خارجی ایران اعم از طلا و ارز» بوده است و رییس کل بانک مرکزی تنها به «دارایی‌هایی که آزاد خواهند شد»، اشاره کرده است.

فساد و قاچاق: وام ۷۰۰ میلیارد تومانی با همکاری مسوولان بانکی

در یکی از جدیدترین موارد افشای فساد اقتصادی و قاچاق در ایران،

محمدرضا نعمت‌زاده، وزیر "صنعت، معدن و تجارت" روز ۲۱ تیرماه با اشاره به ابلاغ بخشنامه مربوط به افزایش قیمت این کالاها از سوی "معاون اجرایی رییس جمهور"، به خبرنگاران گفت که «اگر لازم باشد با بررسی و اعمال نظر هیات تعیین و تثبیت قیمت‌ها، بازنگری لازم در خصوص این قیمت‌ها انجام خواهد شد».

کالاهای گران‌شده شامل گندم، آرد، نان، قند و شکر، مرغ، تخم‌مرغ، برنج، روغن نباتی، گوشت قرمز، کره و شیر خام، کودهای اوره، فسفات و پتاس، محصولات لبنی پرمصرف (شیر، پنیر، ماست) و انواع کالاهای یارانه‌ای (حسب ضرورت و اعلام کارگروه تنظیم بازار) هستند.

در همین روز، یک مقام مسوول در "وزارت نیرو" نیز از "اعمال تعرفه‌های جدید آب به محض تصویب در شورای اقتصاد" خبر داد که طی آن، بهای آب نیز برای مشترکان پرمصرف افزایش خواهد یافت.

رسول باقری، "معاون درآمد و امور مشترکین آبفای استان تهران" گفت که با اجرای این طرح، «مشترکان پرمصرف که بیش از ۳۰ مترمکعب آب در ماه مصرف کنند، دو برابر قیمت تمام شده و بیش از ۲۰ مترمکعب به قیمت تمام‌شده بهای آب را پرداخت خواهند کرد».

در همین روز "بانک مرکزی" نیز با انتشار گزارشی اعلام کرد که بهای اجاره مسکن در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال پیش از آن در "تمام استان‌های ایران" افزایش یافته است. بر پایه این گزارش، شاخص بهای مسکن اجاری در مناطق شهری ایران در سال ۱۳۹۳ به عدد ۱۵۷/۲ رسید که نسبت به سال قبل معادل ۱۵/۶ درصد افزایش یافت.

در خبری دیگر در خصوص گرانی، سرپرست "سازمان هواپیمایی کشوری" روز ۳۰ تیرماه از مصوبه دولت برای "افزایش قیمت بلیت هواپیما از محل عوارض فرودگاهی" خبر داد.

از کرمان نیز خبر می‌رسد که تعداد پرونده‌های مربوط به قاچاق در این استان در سال جاری نسبت به سال قبل، نزدیک به ۶۰ درصد رشد یافته است.

به گزارش خبرگزاری "مهر"، ابراهیم شهریار، دبیر "کمیسیون مبارزه با قاچاق کالا و ارز استان کرمان" گفته است که در سال جاری ۱۶۷۹ مورد پرونده مربوط به قاچاق کالا در این استان تشکیل شده است که این رقم نسبت به سال قبل، ۵۷ درصد رشد نشان می‌دهد.

در خبری دیگر در زمینه فساد اقتصادی در ایران، اسحاق جهانگیری، "معاون اول رییس جمهوری اسلامی" روز ۳۰ تیرماه در سخنانی با اشاره به تخلف ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلاری بابک زنجانی به خاطر در دست گرفتن پول حاصل از فروش نفت گفت: «آن‌هایی که ادعا می‌کنند در دولت یازدهم بابک زنجانی دوم و سوم شکل می‌گیرد، این خیال خام و خواب تعبیرنشده خود را به گور می‌برند».

وی با ابراز "شرمساری" از "تخلفات و ناهنجاری‌های اقتصادی و مالی" در حکومت جمهوری اسلامی اضافه کرد که زنجانی «پول این مملکت را گرفته» و «با وجود این‌که در زندان است، حاضر به اعتراف نیست».

تصمیم دولت برای گرانی ۱۸ قلم کالا و بلیط هواپیما

هم‌زمان با توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی با قدرت‌های غربی و در حالی که بسیاری انتظار داشتند تا تحت تاثیر این توافق، قیمت کالاها روند کاهشی پیدا کند، با تصمیم دولت حسن روحانی بهای ۱۸ قلم کالای اساسی تا سقف ۶ درصد افزایش یافت.

جمعی از فعالان بخش کشاورزی استان کردستان نیز عصر روز ۱۶ تیرماه در نشست بررسی مشکلات این بخش، از استمرار "نگاه سیاسی بر اقتصاد" در دولت یازدهم انتقاد کردند.

عبدالرحمان علوی، فعال بخش کشاورزی استان کردستان در این نشست با اشاره به وعده‌های حسن روحانی در جریان سفر تبلیغاتی خود به این استان در سال ۱۳۹۲ گفت که «نگاه سیاسی از امور اقتصادی هنوز حذف نشده است».

سعید محمدی، یکی دیگر از فعالان بخش کشاورزی نیز در سخنانی با ابراز تاسف از اینکه «چند سالی است که سفرهای هیأت دولت به استان‌هایی هم چون کردستان سبکی ضیافتی و مهمانی پیدا کرده است»، ادامه داد که «بعد از این سفرها اتفاق خاصی نمی‌افتد».

به گفته وی اگرچه در این سفرها گزارش‌های متعددی در خصوص ظرفیت‌های استان به هیأت دولت ارائه می‌شود، ولی «در نهایت وضعیت مردم هیچ تغییری نمی‌کند».

کمبود اعتبار در استان‌های مختلف کشور

از استان‌های مختلف کشور خبر می‌رسد که برنامه‌های عمرانی در این استان‌ها با مشکلات دیرپایی همچون کمبود اعتبار و بی‌توجهی مقام‌های دولتی مواجه است. از جمله، نماینده خلخال و کوثر در مجلس شورای اسلامی روز ۳۰ تیرماه در سخنانی گفت که «در طول سه و نیم سال گذشته متأسفانه هیچ واحد تولیدی در حوزه فعالیت بنده پا نگرفته است».

جلیل جعفری با بیان اینکه طبق برآوردهایش «۸۰ درصد جمعیت استان اردبیل "زیر خط فقر" زندگی می‌کنند، افزود: «مردم عموماً از رفاه برخوردار نیستند و بیکاری استان به ۱۵ درصد رسیده است».

محمد خداکرمی اعلام کرد که هیأت دولت در مصوبه‌ای، هزینه دریافتی از مسافران برای پروازهای داخلی بابت عوارض فرودگاهی را از ۵ هزار به ۷ هزار تومان و برای پروازهای خارجی از ۲۵ هزار تومان به ۳۵ هزار تومان افزایش داده است.

سهام‌داران صنعت سنگ آهن، زمستان سال گذشته نیز در نامه‌ای سرگشاده به رییس جمهوری اسلامی از وی خواسته بودند که با ورود به مناقشه بهره مالکانه سنگ آهنی‌ها، از "تضعیح" حقوق سهام‌داران این صنعت جلوگیری کند.

در نیمه دوم تیرماه، شماری از فعالان دو بخش کشاورزی و سنگ آهنی به طرح انتقادهایی صریح از رویکردهای اقتصادی دولت حسن روحانی پرداختند.

۸۰۰ نفر از سهام‌داران صنعت سنگ آهن در دومین نامه سرگشاده خود به حسن روحانی، از اقداماتی که موجب ضرر سهام‌داران شده، گلایه کردند.

امضاکنندگان تاکید کرده‌اند که رفتارهای دولت در برابر این صنعت از جمله "بهره مالکانه سنگین معادن" و "گرفتن پروانه بهره‌برداری از شرکت‌های چادرملو و گل‌گهر" منجر شد تا ارزش بازار سرمایه این صنعت از پانزدهم دی ماه سال ۹۲ تا نیمه نخست امسال، "۱۰ درصد" کاهش یابد.

تهیه‌کنندگان این نامه با بیان این‌که «با وجود شعارهای داده‌شده در زمان انتخابات سال ۱۳۹۲، دولت تدبیر و امید دخالت‌هایی در حوزه‌های مختلف اقتصادی داشته» از حسن روحانی خواستند تا به شعارهای پیشین خود مبنی بر "اقتصاد رقابتی" و "عدم مداخله در اقتصاد بازار" عمل کند.

واکنش غیرمنتظره ارز و بورس به توافق هسته‌ای

بهای دلار آمریکا در نیمه دوم تیرماه امسال نوسان زیادی را تجربه کرد اما سرانجام از ۳۲۷۰ تومان در ۱۶ تیرماه با اندکی کاهش به ۳۲۶۳ تومان رسید و این در حالی است که بهای آن هم‌زمان با اوج مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی و قدرت‌های غربی به ۳۲۲۰ تومان نیز رسیده بود. قیمت یورو اما نوسان کمتری را از سر گذراند و از ۳۶۳۰ تومان به ۳۵۹۰ تومان رسید.

به دنبال توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی با غرب، بهای ارز بر خلاف پیش‌بینی‌ها افزایش یافت. اگرچه در ابتدا تصور می‌شد که این نوسان را باید نوعی «واکنش هیجانی» بازار به پرونده هسته‌ای دانست اما خبرهای ضد و نقیضی درباره علت این نوسان به گوش رسید.

از جمله، خبرگزاری «ایسنا» روز ۲۵ تیرماه در گزارشی نوشت که بلافاصله بعد از اعلام این توافق، «تقاضاهای سنگینی در بازار ارز شکل گرفت» و «افراد معدودی نسبت به خریدهای کلان در این بازار اقدام کرده‌اند».

«ایسنا» در ادامه از قول «یک منبع آگاه» نوشت که خریداران اصلی ارز در بازار آزاد، «گروه‌های ناشناسی» هستند که «ارتباطی هم با بانک مرکزی ندارند». شاخص بورس نیز در پایان تیرماه در کانال ۶۷ هزار واحدی به کار خود پایان داد. این شاخص نیز به توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی واکنش عجیبی نشان داد به گونه‌ای که یک روز بعد از اعلام این توافق و در میان ناباوری سهامداران، شاخص بورس روند نزولی در پیش گرفت و قرمزپوش شد. این واکنش غیرمنتظره بورس در حالی صورت گرفت که با قوت گرفتن احتمال توافق هسته‌ای، شماری از سهامداران بورس تهران، در صدد خرید سهام شرکت‌ها به ویژه شرکت‌های بانکی و خودرویی برآمده بودند تا بعد از لغو تحریم‌ها بتوانند اندکی بازدهی کسب کنند.

در همین روز، نماینده بوکان در مجلس شورای اسلامی نیز در تذکری شفاهی به دولت از عدم پرداخت بدهی کشاورزان انتقاد کرد و پرسید «چرا کشاورز باید محصولش را تحویل دهد و ماه‌ها منتظر بماند تا چندرغازی دستش را بگیرد؟»

محمدقسیم عثمانی تصریح کرد: «هنوز بهای چغندر پارسال به کشاورزان پرداخت نشده و آن‌ها محصول سال جاری را تحویل داده‌اند».

به گفته وی، نه تنها «پرداخت پول کشاورزان به موقع انجام نمی‌شود» بلکه «حتی اجازه ندارند محصولاتشان را به شهرهای دیگر ببرند».

مدیرکل «تامین اجتماعی استان مازندران» نیز روز ۲۵ تیرماه گفت که نهاد تحت مدیریتش، «۲۰۰ میلیارد ریال کسری اعتبار دارد».

علی‌اصغر محمودی با ابراز نگرانی از اینکه در صورت استمرار این شرایط، سازمان «تامین اجتماعی مازندران» دچار «بحران» خواهد شد از دولت خواست تا برای تامین کسری بودجه این سازمان، «کمک» کند.

همچنین، مدیرکل گمرکات استان خراسان جنوبی روز ۲۲ تیرماه گفت که توسعه بازارچه‌های مرزی این استان، نیازمند ۲۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان اعتبار است. محمدرضا فخر با بیان این‌که فراهم کردن زیرساخت‌های بازارچه نیز «ده‌ها سال» زمان می‌برد، تصریح کرد که برای تسریع در حل این مشکل، «بخشی از زیرساخت‌ها که درآمدزا هستند به بخش خصوصی واگذار خواهند شد».

استاندار زنجان نیز روز ۲۱ تیرماه اعلام کرد که با توجه به روند تخصیص منابع، اتمام کل پروژه‌های نیمه‌تمام این استان به ۱۰ تا ۱۲ سال زمان نیاز دارد.

جمشید انصاری تاکید کرد که «با اعتبارات فعلی نمی‌توان تمامی پروژه‌های نیمه‌تمام استان زنجان را تکمیل کرد».

ایران و قتل در وین



مایکل روبین

تنها چند روز بعد، پرسش‌ها درباره‌ی اظهارات مقامات ایرانی بالا گرفت: هیچ ورود با زور به داخل آپارتمان صورت نگرفته بود. دو نفر از قربانیان در حالی که روی صندلی‌هایشان نشسته بودند، هدف گلوله قرار گرفته بودند. و قاتلان برای اطمینان از مرگشان، به هر کدام از آن‌ها تیر خلاص زده بودند.

شواهد پزشکی قانونی نیز نتایج واحد ضد ترور اتریش را تایید می‌کرد که تیرها از جایی که هیات ایرانی نشست به بود و نه از مقابل در ورودی، شلیک شده است. همچنین، موقعیت نشستن اعضای هیات ایرانی حاکی از هم‌دستی میان آن‌ها بود. به دنبال آن، پلیس اتریش حکم جلب این سه نفر را صادر کرد اما تهران حاضر به استرداد آن‌ها نشد. در عوض، صحرارودی، رهبر تیم، ارتقاء مقام پیدا کرد و فرمانده واحد اطلاعات نیروی قدس سپاه پاسداران شد. این ارتقا، در کنار سطح بالای هیات ایرانی، حاکی از آن بود که عملیات ترور، خودسرانه نبود و در همان محل در خصوص آن تصمیم‌گیری نشده بود. بلکه احتمالاً از بالا کارگردانی شده بود.

آیا رییس وقت شورای عالی امنیت ملی ایران، یعنی حسن روحانی، هماهنگ‌کننده‌ی چنین عملیات‌هایی بود؟ همان کسی که پرزیدنت اباما، این روزها او را به عنوان شریک خود در نظر گرفته است. امروز در بیست‌وششمین سالروز یکی از بی‌شرمانه‌ترین ضربات رژیم ایران - و به طور مشخص علی خامنه‌ای و حسن روحانی - قرار است معامله‌ای مبتنی بر اعتماد به این رژیم در وین اتفاق بیفتد. موضوعی که نشان می‌دهد تا چه میزان، مضاعف کردن دشمنی و تروریسم از سوی ایران به پیروزی رسیده و در مقابل، سیاست خارجی امریکا آشفته و غیرمتعادل شده است.

* مایکل روبین، پژوهشگر "موسسه امریکن انترپرایز" است. نسخه‌ی انگلیسی این یادداشت در وبسایت "کامنتری" منتشر شده است.

بیست و شش سال قبل در چنین روزی، سه مقام ایرانی، در آپارتمانی در وین با رهبر اپوزیسیون کرد جمهوری اسلامی برای پایان دادن به یک درگیری طولانی مرزی ملاقات کردند. یک ماه بعد از مرگ آیت‌الله خمینی، زمان امید فرا رسیده بود. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی که مدت‌هاست از سوی بسیاری از ناظران به عنوان فردی میانه‌رو و عمل‌گرا شناخته می‌شود، در آستانه‌ی پیروزی قاطع در انتخابات ریاست جمهوری بود. (او دو هفته بعدتر، توانست ۹۶ درصد آرا را کسب کند.) در عین حال، جنگ ایران و عراق، حدود یک سال قبل‌تر به پایان رسیده بود و بیشتر دیپلمات‌های غربی ارزیابی می‌کردند که ایران روی بازسازی کشور تمرکز خواهد کرد.

آن‌ها اشتباه می‌کردند. روز ۱۳ جولای ۱۹۸۹، مذاکره‌کنندگان ایرانی اسلحه‌هایشان را بیرون کشیدند و عبدالرحمان قاسم‌لو، رهبر حزب دموکرات کردستان ایران را به همراه نماینده‌ی این حزب در اروپا و یک میانجی کرد عراقی به قتل رساندند. پنهان کردن صدای شلیک گلوله در آپارتمانی در مرکز وین کار دشواری بود. پلیس اتریش خود را به محل رساند اما هیات ایرانی هرگونه مسوولیت خود در این قتل را انکار کرد. پلیس این سه ایرانی به نام‌های محمد جعفری صحرارودی، مصطفی آجودی (استاندار کردستان)، و امیر بزرگیان را پس از بازجویی، آزاد کرد با این تعهد که در صورت لزوم، برای پاسخ دادن به سوال‌های بیشتر، در دسترس باشند. آن‌ها فوراً به ایران بازگشتند.

آستان قدس بعد از "مه‌اب قدس" و "صبا"، کنترل "مپنا" را نیز در اختیار گرفت

"آستان قدس رضوی" بعد از "مه‌اب قدس" و "صبا"، گروه "مپنا"، دیگر شرکت بزرگ فعال در حوزه‌ی آب و برق ایران را نیز در اختیار خود گرفت. سرمایه‌ی فعلی "مپنا" رقمی در حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود.

به نوشته‌ی خبرگزاری "ایسنا"، به دنبال پایان یافتن دوره‌ی دوساله هیات مدیره‌ی "مپنا"، مجمع عمومی این شرکت روز ۲۰ اردیبهشت‌ماه (۱۰ می) برگزار شد و طی آن، شرکت‌های "سرمایه‌گذاری صنایع برق و آب صبا"، "مدیریت سرمایه‌کرامت"، "شرکت بین‌المللی تدبیر توسعه سرمایه رضوی"، "سرمایه‌گذاری ملی ایران" و "سرمایه‌گذاری سهام عدالت استان گلستان" به عنوان پنج عضو حقوقی هیات مدیره "مپنا" معرفی شدند.

از میان این پنج شرکت، سه شرکت "سرمایه‌گذاری صنایع برق و آب صبا"، "مدیریت سرمایه‌کرامت" و "تدبیر توسعه سرمایه رضوی" به "آستان قدس رضوی" تعلق دارند که اکثریت هیات مدیره‌ی "مپنا" را در اختیار این هلدینگ اقتصادی تحت نظر رهبر جمهوری اسلامی قرار می‌دهد.

شرکت "مدیریت پروژه‌های نیروگاهی ایران" (مپنا) بعد از دو شرکت "مه‌اب قدس" و "سرمایه‌گذاری آب و برق صبا" که آنها نیز تحت کنترل آستان قدس قرار دارند، سومین شرکت بزرگ فعال در زمینه نیرو در ایران به شمار می‌رود. بر اساس اطلاعات موجود در وبسایت رسمی "مه‌اب قدس"، تمامی سهام این شرکت به پنج شرکت "عمران رضوی"، "آستان مقدس حضرت معصومه"، "آستان قدس رضوی"، "شرکت بین‌المللی تدبیر توسعه سرمایه رضوی"

و "شرکت بین‌المللی رشد سرمایه رضوی" تعلق دارد. وزارت خزانهداری امریکا در آگوست سال ۲۰۱۰ (مرداد ۱۳۸۹) این شرکت را به دلیل فعالیت‌هایش برای ساخت نیروگاه در ایران مشمول تحریم قرار داد. اطلاعات موجود در وبسایت شرکت "سرمایه‌گذاری آب و برق صبا" نیز نشان می‌دهد که ۴۹/۹ درصد سهام این شرکت که اکثریت آن به شمار می‌رود، در اختیار شرکت سهامی "مه‌اب قدس" است.

شرکت "مدیریت پروژه‌های نیروگاهی ایران" (مپنا) در مرداد ماه سال ۱۳۷۲ خورشیدی توسط وزارت نیروی جمهوری اسلامی تاسیس شد و تا کنون نزدیک به ۱۰۰ پروژه به ارزش تقریبی بیش از ۳۰ میلیارد یورو را به انجام رسانده است.

نیروگاه جنوب اصفهان، نیروگاه گازی فارس، پتروشیمی خارک، پروژه توسعه فاز یک پارس جنوبی، نیروگاه سیکل ترکیبی کهنوج، نیروگاه گازی شاهرود، نیروگاه زاگرس کرمانشاه، و نیروگاه حرارتی-خورشیدی یزد از دیگر پروژه‌های در دست اقدام "مپنا" محسوب می‌شوند.

این شرکت علاوه بر مدیریت، ساخت و اجرای پروژه‌های نیروگاهی، در صنایع نفت و گاز و نیز حمل و نقل ریلی نیز حضور دارد و همچنین دامنه‌ی فعالیت‌های خود را به خارج از مرزهای ایران نیز گسترش داده است به طوری که طبق اطلاعات موجود در وبسایت رسمی آن، احداث "نیروگاه گازی الصدر" و "پروژه حیدریه" در شهر نجف از جمله پروژه‌های این شرکت در کشور عراق به شمار می‌روند. "آستان قدس رضوی" با بیش از پنجاه شرکت اقتصادی و پانزده موسسه و بنیاد فرهنگی و اجتماعی در شهر مشهد، زیر نظر "تولیت" آرام‌گاه امام هشتم شیعیان اداره می‌شود. این "تولیت" بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ با حکم روح‌الله خمینی، رهبر پیشین حکومت ایران در اختیار عباس واعظ

واعظ طبسی ۸۰ ساله عضو مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی است و مدیریت عالی "حوزه علمیه خراسان" را نیز بر عهده دارد.

این "بزرگ‌ترین هلدینگ اقتصادی شرق کشور" از جمله نهادهای زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی است که از پرداخت مالیات به دولت معاف هستند. به تازگی، مجلس شورای اسلامی، در جریان تصویب لایحه بودجه‌ی سال ۱۳۹۴ کشور تصویب کرد که مالیات‌های اخذ شده از شرکت‌های تابعه "آستان قدس رضوی" برای خرج در این "آستان" هزینه شوند.

تصرف ۸۱۸ هکتار از اراضی ملی شمیرانات توسط نیروهای مسلح

فرماندار شهرستان شمیرانات می‌گوید نیروهای مسلح، ۸۱۸ هکتار از اراضی ملی این شهرستان را تصرف کرده‌اند.

به نوشته‌ی خبرگزاری "ایسنا"، عزت‌الله خان‌محمدی در جلسه "شورای حفظ حقوق بیت‌المال" شهرستان شمیرانات، با "پرچازبه" خواندن زمین‌های این شهرستان برای "زمین‌خواران" و "کوه‌خواران"، گفت: «اگر نیروهای مسلح نیاز به زمین در منطقه دارند باید از مسیر قانونی اقدام کنند نه اینکه هرکجا که رسیده‌اند با کشیدن سیم خاردار زمین را محدود کنند.» او همچنین با اشاره به باقی ماندن ۱۵۵۰ پرونده در حوزه‌ی تصرف اراضی ملی در شمیرانات، ارزش این پرونده‌ها را بیش از ۳۵۲ میلیارد تومان عنوان کرد و در عین حال خواهان طراحی "سناریوی جدید" به جای "ساز و کار فعلی معیوب" در مبارزه با زمین‌خواری و ساخت و سازهای غیرمجاز شد.

طبسی قرار گرفت که این حکم در زمان علی خامنه‌ای، رهبر کنونی جمهوری اسلامی نیز تمدید شد اطلاعات موجود در وبسایت شرکت "سرمایه‌گذاری آب و برق صبا" نیز نشان می‌دهد که ۴۹/۹ درصد سهام این شرکت که اکثریت آن به شمار می‌رود، در اختیار شرکت سهامی "مهاب قدس" است.

شرکت "مدیریت پروژه‌های نیروگاهی ایران" (مپنا) در مرداد ماه سال ۱۳۷۲ خورشیدی توسط وزارت نیروی جمهوری اسلامی تاسیس شد و تا کنون نزدیک به ۱۰۰ پروژه به ارزش تقریبی بیش از ۳۰ میلیارد یورو را به انجام رسانده است.

نیروگاه جنوب اصفهان، نیروگاه گازی فارس، پتروشیمی خارک، پروژه توسعه فاز یک پارس جنوبی، نیروگاه سیکل ترکیبی کهنوج، نیروگاه گازی شاهرود، نیروگاه زاگرس کرمانشاه، و نیروگاه حرارتی-خورشیدی یزد از دیگر پروژه‌های در دست اقدام "مپنا" محسوب می‌شوند.

این شرکت علاوه بر مدیریت، ساخت و اجرای پروژه‌های نیروگاهی، در صنایع نفت و گاز و نیز حمل و نقل ریلی نیز حضور دارد و همچنین دامنه‌ی فعالیت‌های خود را به خارج از مرزهای ایران نیز گسترش داده است به طوری که طبق اطلاعات موجود در وبسایت رسمی آن، احداث "نیروگاه گازی الصدر" و "پروژه حیدریه" در شهر نجف از جمله پروژه‌های این شرکت در کشور عراق به شمار می‌روند. "آستان قدس رضوی" با بیش از پنجاه شرکت اقتصادی و پانزده موسسه و بنیاد فرهنگی و اجتماعی در شهر مشهد، زیر نظر "تولیت" آرام‌گاه امام هشتم شیعیان اداره می‌شود. این "تولیت" بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ با حکم روح‌الله خمینی، رهبر پیشین حکومت ایران در اختیار عباس واعظ طبسی قرار گرفت که این حکم در زمان علی خامنه‌ای، رهبر کنونی جمهوری اسلامی نیز تمدید شد

صدر“ یعنی “قرارگاه خاتم‌الانبیا“ سپاه پاسداران واگذار شده است.

آمار تکان‌دهنده از بیکاری جوانان و زنان در ایران

در حالی که “مرکز آمار ایران“ نرخ بیکاری کشور در پایان سال ۱۳۹۳ را ۱/۱۲ درصد اعلام کرده، این نرخ برای گروه سنی زیر ۳۰ سال، ۸/۲۹ درصد بوده که در این میان، استان قم با ۳/۱۵ درصد، پایین‌ترین، و استان مازندران با ۱/۵۰ درصد، بالاترین نرخ بیکاری گروه سنی زیر ۳۰ سال را به خود اختصاص داده‌اند.

به نوشته‌ی خبرگزاری “مهر“، بعد از مازندران، بالاترین نرخ‌های بیکاری جوانان، مربوط به استان‌های چهارمحال و بختیاری با ۴/۴۷ درصد، کهگیلویه و بویراحمد با ۴۷ درصد، کرمانشاه با ۲/۴۵ درصد، ایلام با ۴۴ درصد، لرستان با ۱/۴۱ درصد، گیلان با ۶/۴۰ درصد، و خراسان شمالی با ۴/۴۰ درصد بوده است. به جز قم، کرمان و همدان با ۵/۱۷ و بوشهر با ۵/۱۸ درصد، سه استان دیگری هستند که نرخ بیکاری جوانان در آن‌ها زیر ۲۰ درصد قرار داشته است. در این میان، نرخ بیکاری زنان زیر ۳۰ سال حتی از متوسط بیکاری جوانان نیز بالاتر است. به طوری که این نرخ در کل کشور، ۵/۵۴ درصد بوده و در استان ایلام به ۴/۸۶ درصد رسیده است.

بعد از ایلام نیز نرخ بیکاری زنان جوان در لرستان ۷/۸۱ درصد، چهارمحال و بختیاری ۱/۸۰ درصد، هرمزگان ۱/۷۳ درصد، فارس ۷۰ درصد، گلستان ۷/۶۹ درصد، خراسان رضوی ۵/۶۹ درصد، کهگیلویه و بویراحمد ۷/۶۴ درصد، مازندران ۱/۶۴ درصد، خوزستان ۵/۶۳ درصد، مرکزی ۵/۶۲ درصد، کرمانشاه ۶/۶۱ درصد، قزوین ۷/۵۸ درصد، البرز ۹/۵۵ درصد، کردستان ۱/۵۵ درصد، خراسان شمالی ۵۵ درصد، اصفهان ۵۲ درصد، و اردبیل ۲/۵۱ درصد بوده است.

اظهارات صریح فرماندار شمیرانات درباره‌ی زمین‌خواری نهادهای نظامی در این منطقه در حالی صورت می‌گیرد که پیش از این، گزارش‌هایی در خصوص تخریب باغات و ساخت و سازهای غیرمجاز توسط نهادهای نظامی و بنیادهای تحت نظر رهبر جمهوری اسلامی منتشر شده بود.

در همین ارتباط، در اسفندماه سال گذشته، شماری از دانشجویان “بسیجی“ دانشگاه‌های تهران در نامه‌ای سرگشاده خطاب به صادق لاریجانی، رییس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، فهرستی از ۱۰ پرونده بزرگ تخریب باغات و زمین‌خواری عمدتاً در ارتفاعات شمال تهران را منتشر کردند که نام نهادهایی چون “ستاد اجرایی فرمان امام“، “آستان قدس رضوی“، “بنیاد تعاون ناجا“، “بنیاد تعاون سپاه“ و “صندوق بازنشستگی وزارت اطلاعات“ به عنوان متهم اصلی این پرونده‌ها دیده می‌شد.

«تخریب و تفکیک “باغ حکمت“ به مساحت ۱۸ هزار مترمربع در حریم رودخانه تامین آب شرب واقع در منطقه لواسان توسط ستاد اجرایی فرمان امام»، «تخریب کامل باغ گیاهی به مساحت بیش از ۱۰ هزار مترمربع واقع در میدان تجریش تهران و تبدیل آن به مجتمع تجاری توسط صندوق بازنشستگی وزارت اطلاعات»، و «تغییر کاربری ۱۶ هزار مترمربع از اراضی سبز واقع در ارتفاعات ۱۸۰۰ سوهانک تهران برای ساخت دو برج ۳۵ طبقه توسط تعاونی مسکن مجلس شورای اسلامی» از جمله پرونده‌هایی بودند که در این نامه از آن‌ها نام برده شده بود. آن‌ها همچنین در نامه‌ی خود به «تغییر کاربری “بوستان مادر“ به مساحت ۷۰ هزار مترمربع به مسکونی-تجاری توسط یکی از پیمان‌کاران شهرداری تهران» اعتراض کرده بودند. پیمان‌کاری که هرچند اشاره‌ای به نام آن در این نامه نشد، اما آن‌گونه که در آبان‌ماه گذشته، رحمت‌الله حافظی، عضو “شورای اسلامی شهر تهران“ اعلام کرد زمین‌های این “بوستان“ به ارزش ۵۰۰ میلیارد تومان به پیمان‌کار “پروژه

بحران بیکاری در ایران که پیش‌بینی می‌شود با اضافه شدن بیش از ۴ میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاهی در سال‌های آینده شدیدتر شود، یکی از معضلات اصلی اقتصاد ایران به شمار می‌رود. کارشناسان اقتصادی معتقدند که اقتصاد ایران برای قرار گرفتن در مسیر حل مشکل بیکاری، باید به رشد پایدار و مستمر بیش از ۶ درصد برسد.

چشم‌انداز سازمان ملل از جمعیت ایران و جهان تا سال ۲۱۰۰

”سازمان ملل متحد“ روز چهارشنبه (۲۹ جولای-۷ مرداد) نسخه‌ی بازنگری‌شده از چشم‌انداز جمعیت جهان را منتشر کرد که بر اساس آن، جمعیت جهان در سال ۲۱۰۰ میلادی، ۲/۱۱ میلیارد نفر برآورد شده است.

این گزارش هم‌چنین می‌گوید که جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰، از ۳/۷ میلیارد نفر کنونی به ۷/۹ میلیارد نفر خواهد رسید که بیش از نیمی از این رشد جمعیت به کشورهای افریقای اختصاص خواهد داشت.

گزارش دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، جمعیت ایران را تا سال‌های ۲۰۳۰ و ۲۰۵۰ میلادی (۱۴۰۸ و ۱۴۲۸ خورشیدی) به ترتیب بیش از ۸۸ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر و ۹۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر برآورد کرده است که از روند افزایش جمعیت این کشور تا ۳۵ سال آینده حکایت دارد.

با این وجود، این روند افزایشی در نیمه‌ی دوم قرن بیست‌ویکم متوقف خواهد شد به طوری که در سال ۲۱۰۰ (۱۴۷۸ خورشیدی)، برای ایران جمعیت ۶۹ میلیون و ۶۳۷ هزار نفر پیش‌بینی شده است.

این گزارش، جمعیت چین، پرجمعیت‌ترین کشور حال حاضر جهان را نیز در سال‌های ۲۰۳۰، ۲۰۵۰ و ۲۱۰۰ به ترتیب ۱ میلیارد و ۴۱۵ میلیون، ۱ میلیارد و ۳۴۸ میلیون، و ۱ میلیارد و ۴ میلیون نفر پیش‌بینی کرده است.

در مقابل، جمعیت هند، با پیشی گرفتن از چین در همین سه مقطع زمانی، به ترتیب ۱ میلیارد و ۵۲۷ میلیون، ۱ میلیارد و ۷۰۵ میلیون، و ۱ میلیارد و ۶۵۹ میلیون نفر خواهد بود.



بحران بیکاری در ایران که پیش‌بینی می‌شود با اضافه شدن بیش از ۴ میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاهی در سال‌های آینده شدیدتر شود



اقتصاد ایران در مردادماه



یوحنا نجدی و سعید قاسمی نژاد

اقتصاد ایران در نیمه اول مردادماه امسال اگرچه روزهای آرامی را پشت سر گذاشت. افشای مشکلات چشمگیر در نظام بانکی کشور از جمله وجود میلیون‌ها حساب جعلی با مشخصات غیرمعتبر، استمرار کاهش تجارت خارجی، تورم ۱۵ درصدی و آمارهای رسمی در خصوص کمتر بودن درآمد خانوارهای شهری نسبت به هزینه‌ها در سال گذشته از خبرهای مهم مرتبط با اقتصاد ایران در این دوره‌ی زمانی بودند.

کسری بودجه برای دولت و خانوارهای شهری

رییس «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی» ایران روز ۱۱ مردادماه اعلام کرد که نه تنها بودجه ۲۳۶ هزار میلیارد تومانی دولت، بلکه حتی رقم ۲۲۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی مجلس برای بودجه سال جاری هم قابل تحقق نیست.

محمدباقر نوبخت با بیان اینکه در شش ماه نخست امسال تنها «۵۳ درصد» از بودجه کشور محقق شده است، خاطرنشان کرد که دولت حسن روحانی «قرار است با نیمی از بودجه پیش‌بینی شده کشور را اداره کند». وی افزود که در یک سناریو، تنها ۱۸۴ هزارمیلیارد تومان از رقم ۲۲۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده توسط مجلس برای امسال، تحقق خواهد یافت.

در همین حال، «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» نیز در گزارشی اعلام کرد که درآمد خانوار شهری حدوداً یک میلیون و پانصد هزار تومان کمتر از هزینه‌های آن است. بر اساس این تحقیق که بر روی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران در سال گذشته انجام شده، درآمد سالانه یک خانوار ایرانی در سال گذشته ۳۱ میلیون و ۳۹۳ هزار تومان و هزینه آن‌ها ۳۲ میلیون و ۸۷۶ هزار تومان برآورد شده است.



با گذشت تقریباً بیست روز از توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی با قدرت‌های غربی، گمانه‌زنی درباره پیامدهای این توافق بر عرصه اقتصادی ایران همچنان ادامه دارد.



در همین خصوص، سعید لیلان، کارشناس اقتصادی نزدیک به دولت حسن روحانی نیز در همین روز پیش‌بینی کرد که در سال آینده وضعیت اقتصاد ایران «حتی از بدترین سال تحریم‌ها نیز سخت‌تر خواهد شد».

یک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز شامگاه پنج‌شنبه، اول مردادماه در برنامه «گفتگوی ویژه خبری» در تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی با تاکید بر ضرورت «واقع‌بینی اقتصادی» گفت که «تاکنون هیچ اتفاق جدیدی در عرصه اقتصاد نیفتاده است» و «مردم باید بدانند تغییرات اقتصادی هم اگر خواهد اتفاق بیفتد، یک باره و یک جا نخواهد بود».

غلامرضا مصباحی‌مقدم از دولت خواست که «خود را بدهکار نکند و خوش‌بینی مفرطی را وعده ندهد و با احتیاط قدم بردارد». این نماینده مجلس شواری اسلامی هشدار داد: «مردم باید کاملاً حساب شده و پخته عمل کنند و دچار دستپاچگی نشوند، زیرا ممکن است که سرمایه‌شان را هم از دست بدهند».

تورم ۱۵ درصدی و کاهش تجارت خارجی

نهادهای مسوول در جمهوری اسلامی، جدیدترین آمار مربوط به نرخ تورم در این کشور را اعلام کردند. «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» روز ۵ مردادماه نرخ تورم تیرماه سال جاری را ۶/۱۵ درصد و نرخ تورم نقطه به نقطه (تیر ۹۴ نسبت به تیر ۹۳) را نیز ۲/۱۴ درصد اعلام کرد. دو روز پیش از آن نیز، «مرکز آمار ایران» نرخ تورم در ۱۲ ماه منتهی به تیرماه ۱۳۹۴ را معادل ۱/۱۴ درصد اعلام کرد. بنا بر اعلام این مرکز نرخ تورم نقطه به نقطه (تیر ۹۴ نسبت به تیر ۹۳) ۸/۱۲ درصد برآورد شده است.

در خبری دیگر در خصوص اقتصاد کلان ایران، آمارهای گمرک از «تداوم کاهش تجارت خارجی» این کشور در چهارماه نخست امسال خبر می‌دهد.

یافته‌های این تحقیق درباره مهم‌ترین هزینه‌های خانوار ایرانی نشان می‌دهد که ۳۳/۴ درصد به هزینه «مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها»، ۲۴/۶ درصد به هزینه «خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها»، ۱۰/۴ درصد به هزینه «حمل و نقل» اختصاص می‌یابد.

در جستجوی پیامدهای اقتصادی توافق هسته‌ای

با گذشت تقریباً بیست روز از توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی با قدرت‌های غربی، گمانه‌زنی درباره پیامدهای این توافق بر عرصه اقتصادی ایران همچنان ادامه دارد.

از جمله، فاطمه دانشور، عضو «هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران» روز ۱۵ مردادماه در گفتگو با خبرگزاری «ایسنا» پیش‌بینی کرد که در صورت حضور هیات‌های تجاری خارجی در ایران، احتمالاً «شرکت‌های بزرگ دولتی» به رونق خواهد رسید اما «باز بخش خصوصی از این اتفاق بی‌بهره می‌ماند».

وی با انتقاد از رویکرد اقتصادی دولت حسن روحانی افزود که «به عنوان یک فعال معدنی تفاوت چندان بی‌سیاست‌های انقباضی که در دولت فعلی اعمال می‌شود با دولت قبلی ندیده‌ام».

رامین سمیع‌زاده، دبیر «انجمن مبلمان و دکوراسیون ایران» نیز روز ۹ مردادماه به خبرگزاری «مهر» گفت که «رفع تحریم‌ها حداقل تا یکسال آینده تاثیر جدی بر قیمت مبلمان منزل نخواهد گذاشت». محمدرضا باهنر، نایب‌رییس «مجلس شورای اسلامی» نیز روز ۳ مردادماه با تاکید بر اینکه «تنها ۴۰-۳۰ درصد اقتصاد ایران تحت تاثیر تحریم‌ها است»، تصریح کرد که بقیه مشکلات اقتصاد کشور، «ساختاری» است.

وی به این ترتیب نتیجه‌گیری کرد که آزاد شدن دارایی‌های بلوکه شده ایران، تاثیر «تعیین‌کننده»‌ای در اقتصاد کشور ندارد.

افزایش بهای ارز و «کم‌واکنشی» در بورس

بهای دلار آمریکا با اندکی افزایش از ۳۲۶۷ تومان در اول مردادماه به ۳۳۲۵ تومان رسید. قیمت یورو نیز با شیبی ملایم از ۳۵۹۷ تومان به ۳۶۵۵ تومان افزایش یافت.

بهای سکه تمام بهار آزادی نیز روند مشابهی با ارز را از سر گذراند و از ۸۶۵ هزار تومان در ابتدای مردادماه به ۸۶۹ هزار تومان افزایش یافت و سکه نیم بها نیز از ۴۷۱ هزار به ۴۷۲ هزار تومان رسید. شاخص بورس نیز در نیمه مردادماه شرایط نسبتاً آرامی را پشت سر گذاشت و سرانجام در کانال ۶۶ هزار واحدی به کار خود پایان داد.

حسین عبده‌تبریزی، عضو کنونی «شورای عالی بورس» و «دبیر کل پیشین بورس تهران»، در یادداشتی با عنوان «سخنی با معامله‌گران سهام» به معامله‌گران توصیه کرد که «با همه امکانات مالی خود وارد بازار نشوند»، «ارزش اطلاعات تاریخی را بیش از حد جدی نگیرند» و در نهایت، «خود را برای تحلیل‌های بنیادی قوی‌تر آماده کنند».

از سوی دیگر، محمد فطانت، رییس «سازمان بورس و اوراق بهادار» نیز در توصیف شرایط این روزهای بورس گفت که بازار بورس بعد از اعلام توافق هسته‌ای، دچار «کم‌واکنشی» شده است.

به نظر می‌رسد طی روزهای آینده معامله‌گران با جدیت و البته نگرانی بیشتری تحولات بازار بورس را برای یافتن نشانه‌هایی از تاثیر توافق هسته‌ای بر این بازار، پیگیری خواهند کرد.

جزئیات حساب‌های بانکی و معاملات در اختیار سازمان مالیات

به دنبال ابلاغ قانون جدید «مالیات‌های مستقیم» در جمهوری اسلامی از این پس بانک‌ها و

براساس آمارهای گمرک، در این مدت، ۱۴ میلیارد و ۱۵ میلیون دلار انواع کالا از ایران به سایر کشورها صادر و در مقابل ۱۳ میلیارد و ۸۲۲ میلیون دلار نیز وارد کشور شده است.

به این ترتیب، در این مدت صادرات ۱۵/۲۰ درصد و واردات ۲۰/۱۸ درصد کاهش یافته است.

میلیون‌ها حساب بانکی جعلی

در نیمه اول مردادماه امسال خبرها و گزارش‌های متعددی در خصوص وضعیت نظام بانکی کشور منتشر شد به گونه‌ای که شماری از مقام‌های مسوول، انتقادهای بی‌سابقه‌ای در خصوص شرایط و عملکرد نظام بانکی مطرح کردند.

از جمله، «رییس کل بانک مرکزی» شامگاه ۳ مردادماه با حضور در تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی اعلام کرد که «هشت میلیون حساب بانکی جعلی» در کشور وجود دارد.

ولی‌الله سیف گفت: «۳۰۰ میلیون حساب در نظام بانکی وجود دارد که ۲۸ میلیون آن حساب‌هایی است که دارای شماره شناسه و کد ملی تطبیق داده نشده است و از این تعداد ۳۰ میلیون حساب راکد و ۸ میلیون حساب فعال است که ارقام آن کوچک می‌باشد و هنوز شناسایی نشده‌اند».

وی همچنین روز ۱۲ مردادماه نیز در نشست مشترکی در اتاق بازرگانی تهران، با تاکید بر اینکه «ساختار نظام بانکی ما واقعا معیوب است» گفت: «در بخش‌هایی از جمله نرخ کفایت سرمایه واقعا مشکل داریم چرا که به شدت پایین بوده و حتی به کمتر از چهار درصد می‌رسد؛ بنابراین باید در مورد افزایش سرمایه بانک‌ها به طور جدی کار کرد.» اظهارات «رییس کل بانک مرکزی» درباره حساب‌های جعلی، اگرچه با واکنش شماری از تحلیلگران و مسوولان همراه شد اما «معاون اول رییس جمهوری اسلامی» نیز گوشه‌ای دیگر از مشکلات نظام بانکی کشور را افشا کرد.

تورم ۱۳ درصدی در روستاها؛ رشد ۴۰ درصدی نقدینگی

خبرگزاری "ایسنا"، روز ۲۸ مردادماه با انتشار گزارشی ضمن استناد به آمارهای "بانک مرکزی" نوشت که بر اساس این آمارها، در سال گذشته «رشد نقدینگی ۳/۲۲ درصد، رشد اقتصادی سه درصد، تورم ۶/۱۵ درصد و شاخص بورس ۶۲ هزار واحد بوده است».

این گزارش می‌افزاید که رشد اقتصادی ایران بدون نفت نیز ۸/۲ درصد برآورد می‌شود.

یک مقام مسوول در "بانک مرکزی" نیز روز ۲۶ مردادماه از رشد تقریباً "۴۰ درصدی" نقدینگی در سال جاری خبر داد.

ابوالفضل اکرمی، مدیر "دفتر اقتصادی بانک مرکزی" اعلام کرد که رشد نقدینگی برای سال ۱۳۹۴ حدود ۳/۳۸ درصد برآورد می‌شود.

به گفته وی این رقم برای سال گذشته نیز ۳/۲۳ درصد محاسبه شده است.

در همین حال، "مرکز آمار ایران" روز ۱۷ مردادماه اعلام کرد که نرخ تورم روستایی در تیرماه گذشته، بدون تغییر نسبت به ماه قبلتر از آن، ۱۳/۱ درصد است. بر پایه این گزارش، شاخص گروه اصلی خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات نسبت به تیرماه سال قبل نیز ۹/۱۳ درصد افزایش نشان می‌دهد.

خبرهای مربوط به استمرار تورم و افزایش نقدینگی در حالی منتشر می‌شود که قیمت نفت ایران نیز نوعی سقوط آزاد را تجربه می‌کند. بر اساس جدیدترین گزارش‌ها، قیمت هر بشکه نفت صادراتی ایران در آخرین روزهای مردادماه به بهایی کمتر از ۵۰ دلار معامله شد. این در حالی است که در بودجه سال ۱۳۹۴، بهای هر بشکه نفت ایران ۷۰ دلار پیش‌بینی شده است.

سازمان‌های دولتی موظف شده‌اند که اطلاعات حساب‌های بانکی و معاملات افراد و شرکت‌ها را در اختیار "سازمان امور مالیاتی" قرار دهند.

این قانون روز ۲۷ مرداد از سوی حسن روحانی، رییس جمهوری اسلامی برای اجرا به وزارت اقتصاد ایران ابلاغ شد.

بدین ترتیب، بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری، سازمان ثبت اسناد، شهرداری و دیگر دستگاه‌هایی که با کسب درآمد و ثبت دارایی افراد ارتباط دارند، موظف هستند که اطلاعات تعیین شده در این قانون را در اختیار "سازمان امور مالیاتی" قرار دهند.

در خبری دیگر مربوط به اقتصاد کلان در جمهوری اسلامی، رییس "اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران" روز ۲۴ مردادماه با تاکید بر اینکه «تحریم‌ها تنها ۲۵ درصد بر روی اقتصاد ایران تاثیرگذار بوده است»، هشدار داد که «کسی نباید فکر کند پس از برداشته شدن تحریم‌ها، وضعیت اقتصاد کشور خیلی خوب می‌شود».

محسن جلال‌پور با انتقاد از اقتصاد نفتی در ایران افزود: «اقتصاد نفتی، سرمایه ملی را تبدیل به هزینه‌های جاری کرد و روز به روز دولت بزرگ‌تر و بخش خصوصی کوچک‌تر گردید و به این ترتیب اقتصاد کشور دچار مشکلات عدیده‌ای شد».

وی یک هفته پیش از آن نیز با طرح انتقادهایی تند، اقتصاد ایران را "بیمار" توصیف کرد و ادامه داد که مسائلی از جمله قاچاق کالا «تب این بیماری را افزایش داده است».

او همچنین خاطرنشان کرد: «این اقتصاد بیمار با وجود قاچاق و فساد که در آن ریشه دوانیده، فضای کسب و کار را سخت کرده است».

به گفته‌ی مقام‌های مسوول در "وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران"، قیمت هر بشکه نفت ایران طی تنها ۲۱ روز با کاهش ۶ دلاری مواجه شده است.

بحران میوه‌ای؟!

در میانه‌های تابستان و همزمان با رسیدن میوه‌های تابستانی اما گزارش‌های نگران‌کننده‌ای در خصوص سلامت بسیاری از میوه‌های موجود در بازار منتشر شده است.

از جمله، یک عضو "کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی" روز ۲۶ مردادماه در گفتگو با خبرگزاری "مهر" با ابراز نگرانی از "واردات غیرمجاز" میوه به کشور گفت که «اگر موضوع واردات غیرمجاز میوه به کشور ادامه دار و وضعیت حادثتر شود»، در آن صورت «مجلس به آن ورود می‌کند» و در نتیجه «دستگاه‌هایی که کوتاهی کرده‌اند، مشخص خواهند شد».

وی با هشدارهایی صریح‌تر ادامه داد: «ما شاهد ورود کالاهای قاچاقی به کشور هستیم که در نگاه اول کسی باور نمی‌کند این کالاها به شکل غیرمجاز و قاچاق وارد شده باشند».

یک هفته پیش از آن نیز یک مقام مسوول در وزارت "جهاد کشاورزی" نسبت به سلامت میوه‌های قاچاق به شدت ابراز نگرانی کرد. مدیرکل "دفتر میوه‌های گرمسیری و نیمه‌گرمسیری وزارت جهاد کشاورزی" هشدار داد که میوه‌های قاچاق، حاوی "مواد سمی غیراستاندارد" و "بیش از اندازه" است و «مصرف آنها سلامتی شهروندان را تهدید می‌کند».

ابوالقاسم حسن‌پور افزود: «میوه‌هایی که به صورت قاچاق وارد می‌شوند، هیچ‌گونه نظارتی بر آنها وجود ندارد و مصرف آنها خطرناک است».

وی از انگور شیلی، پرتقال، گریپ فروت، سیب و انبه به عنوان میوه‌هایی یاد کرد که بخشی از آنها «به صورت غیرقانونی و قاچاق وارد می‌شوند». این در حالی است که وی روز ۲۸ مردادماه نیز با افشای برخی از موارد مربوط به قاچاق میوه گفت که وزارت "جهاد کشاورزی" از مهر ماه سال گذشته برای واردات میوه "تحت فشار زیادی" قرار گرفته بود تا «مجوز واردات مرکبات را صادر کند».

آقای حسن‌پور با ابراز نگرانی در خصوص واردات بی‌رویه میوه به کشور افزود: «واردات میوه کشاورزان داخلی را بیچاره می‌کند».

احتمال استیضاح وزیر اقتصاد

نمایندگان اصولگرای مجلس شورای اسلامی در جدیدترین اقدام خود علیه دولت حسن روحانی، در پی استیضاح وزیر اقتصاد دولت هستند. با تصویب هیأت رییس مجلس شورای اسلامی در نشست عصر ۱۸ مرداد ماه و بعد از صدور سومین کارت زرد برای علی طیب‌نیا، وزیر اقتصاد، روند استیضاح این عضو کابینه دولت حسن روحانی به جریان افتاد. "وزیر اقتصاد" برای پاسخ به سوال‌هایی درباره مالیات اصناف که از سوی مهرداد بذریاش، نماینده اصولگرای تهران مطرح شده بود، در مجلس حضور یافت اما پاسخ‌های وی، آقای بذریاش را قانع نکرد و نتایج رأی‌گیری نیز مشخص ساخت که ۱۰۵ نفر از ۲۰۱۱ نماینده مجلس از پاسخ‌های آقای وزیر قانع نشده‌اند.

با این حال، شماری از نمایندگان مجلس درباره احتمال برگزاری یا عدم برگزاری جلسه استیضاح آقای طیب‌نیا اقدام به گمانه‌زنی کردند. از جمله، سید ناصر موسوی لارگانی، عضو "کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی" روز ۲۸ مردادماه در گفتگو با خبرگزاری "ایسنا" گفت: «این که بعضا گفته شده استیضاح وزیر اقتصاد منتفی است فعلا چنین چیزی مطرح نیست».

در همین ارتباط، پیروز حناچی، دبیر "شورای عالی شهرسازی و معماری" با تاکید بر اینکه «میزان تخلقات بالاست»، می‌گوید که «در مناطق شمال و جنوب کشور به خصوص در جزایر کیش و قشم نه تنها به حریم دریا تجاوز شده بلکه در مناطق حفاظت شده، اقدام به ساخت و ساز کرده‌اند».

به گفته وی، آشکارترین موارد دریاخواری را می‌توان در سواحل کیش، رامسر و بندرعباس مشاهده کرد.

محمدرضا الهیار، عضو "هیات عامل سازمان بنادر و دریانوردی" نیز از تشکیل ۱۰۰ پرونده دریاخواری در مراجع قضایی خبر داده و می‌گوید که «بخش زیادی از مشکل ما در استان مازندران است».

در خبری دیگر در ارتباط با فساد در جمهوری اسلامی، خبرگزاری "مهر" از شکل‌گیری مافیای جدیدی خبر داد که در زمینه تجارت "پای مرغ" فعالیت می‌کند.

بر پایه این گزارش، طی چند ماه گذشته به دلیل فعالیت زیرزمینی گروهی "مافیایی" در استان فارس که صرفاً در زمینه تجارت "پای مرغ" فعالیت می‌کنند، "پای مرغ" در فروشگاه‌های این استان "نایاب" شده است.

احد بهجت حقیقی، مدیرکل "تعاون روستایی استان فارس" روز ۲۷ مردادماه در سخنانی در مراسم تجلیل از خبرنگاران درباره علت کاهش چشم‌گیر صادرات پای مرغ از این استان گفت: «متأسفانه گروهی با استفاده از مشکلات تحریم با تشکیل دادن مافیایی بزرگ اقدام به صادرات پای مرغ از استان فارس کردند». به گفته وی، مافیای مزبور از طریق "تجارت غیرقانونی" پای مرغ و "صادرات آن به خارج از کشور"، به "سود زیادی" دست یافته است.

در همین روز اما محمدرضا تابش، عضو اصلاح طلب "مجلس شورای اسلامی" با اشاره به سخنان علی لاریجانی، رییس مجلس مبنی بر مخالفت با استیضاح وزیر اقتصاد گفت: «با اعلام مخالفت رییس مجلس با استیضاح طیب‌نیا احتمالاً این استیضاح منتفی خواهد شد».

علیرضا منادی سفیدان، عضو "هیات ریسه مجلس شورای اسلامی" نیز در آخرین روز مردادماه با اشاره به تداوم جلسات متقاضیان استیضاح طیب‌نیا با نایب‌رییس مجلس و وزیر گفت که «هیات ریسه تمایلی به طرح استیضاح جدید ندارد».

باید در روزهای آینده منتظر ماند و دید که آیا نمایندگان دوره نهم مجلس شورای اسلامی در آخرین ماه‌های فعالیت خود، بار دیگر یکی از وزیران کابینه حسن روحانی را با استیضاح مواجه خواهند کرد یا خیر.

دریاخواری و تجارت پای مرغ

در جدیدترین موارد فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی، مقام‌های مسوول از افزایش موارد "دریاخواری" و همچنین "تجارت مافیایی پای مرغ" خبر داده‌اند. خبرگزاری "مهر" روز ۱۶ مردادماه در گزارشی از "رسیدن دریاخواران به سواحل جنوب" به ویژه قشم و کیش خبر داد و نوشت که دریاخواران «علاوه بر تجاوز به حریم دریا، مناطق حفاظت شده را هم تخریب کرده‌اند». بر پایه این گزارش، دریاخواران «وارد حریم دریاها و رودخانه‌ها شده و اقدام به خشک کردن آب‌ها و ساخت و ساز می‌کنند؛ موضوعی که علاوه بر نابودی جنگل‌ها و مراتع به محیط زیست دریا هم آسیب وارد می‌کند». "مهر" از افزایش چشم‌گیر موارد دریاخواری در "جنوب کشور" خبر داده به گونه‌ای که متخلفان «در مناطق کم‌عمق، اقدام به خشک کردن دریا کرده و بدون توجه به حریم ۶۰ متری دریا، ساخت و ساز می‌کنند».

واحدهای صنعتی تعطیل و نیمه‌تعطیل در استان‌های مختلف

در یکی از آخرین خبرهای مربوط به واحدهای صنعتی و تولیدی غیرفعال در کشور، علی‌اصغر جمعه‌ای، رییس "اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان سمنان" روز ۲۹ مردادماه اعلام کرد که «۲۰ تا ۲۵ درصد واحدهای صنعتی و تولیدی استان غیر فعال و تعطیل هستند» و بیش از ۷۰ درصد واحدهای فعال نیز «با زیر ۵۰ درصد ظرفیت خود کار می‌کنند».

به گفته وی در حال حاضر تنها «چهار تا پنج درصد واحدهای تولیدی و صنعتی این استان به صورت کامل از تمام ظرفیت خود استفاده می‌کنند و فعال هستند».

از استان اردبیل نیز خبر می‌رسد که بیش از یک‌چهارم واحدهای صنعتی و تولیدی این استان در رکود به سر می‌برند.

ابراهیم فریدی، مدیرعامل "شرکت شهرک‌های صنعتی استان اردبیل" روز ۲۱ مردادماه در یک نشست خبری با بیان اینکه «۷۰ درصد واحدهای صنعتی استان اردبیل مشکل نقدینگی دارند»، گفت که ۲۵ درصد واحدهای تولیدی فعال در شهرک‌های صنعتی این استان نیز دچار "رکود" هستند.

یک مقام مسوول در استان بوشهر در جنوب ایران نیز از نزدیک به دو هزار پروژه عمرانی نیمه‌تمام در این استان خبر داده است. معاون "سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر" روز ۱۸ مردادماه گفت که «یک هزار و ۷۰۰ پروژه نیمه‌تمام عمرانی در استان بوشهر وجود دارد» و تکمیل این پروژه‌ها به "۱۲ هزارمیلیارد ریال اعتبار" نیازمند است.

اصغر ناصری خاطرنشان کرد که «بیشتر این پروژه‌ها مربوط به سال‌های ۱۳۸۶ به بعد است».

در همین حال، معاون "وزیر صنعت، معدن و تجارت" نیز روز ۱۹ مردادماه با تاکید بر اینکه «حدود ۷۰ درصد از واحدهای صنعتی و تولیدی مشکل نقدینگی دارند» ابراز امیدواری کرد که این مشکل با "همکاری بانک‌ها" حل شود.

محمدعلی سیدابریشمی تصریح کرد که ۷۰ درصد از تعطیلی واحدهای صنفی در فاصله سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ رخ داده است.

افزایش بهای ارز و طلا

بهای طلا، دلار و یورو در نیمه دوم مردادماه به طور محسوس افزایش یافتند. قیمت دلار امریکا از ۳۳۲۵ تومان در ۱۶ مردادماه به ۳۴۸۰ تومان در پایان این ماه رسید و یورو نیز از ۳۶۵۵ تومان به ۳۸۲۰ تومان افزایش پیدا کرد.

بهای سکه تمام بهار آزادی نیز با جهشی محسوس از ۸۷۰ هزار و ۳۰۰ تومان در نیمه مردادماه به ۹۳۴ هزار و ۵۰۰ تومان در ۳۱ مردادماه افزایش پیدا کرد و سکه نیم بهار آزادی نیز از ۴۷۲ هزار به ۴۸۰ هزار تومان رسید.

شاخص بورس نیز در پایان معاملات روز ۳۱ مردادماه در کانال ۶۵ هزار واحدی به کار خود پایان داد. به گفته کارشناسان، بورس همچنان از مشکلاتی نظیر کمبود نقدینگی و رکود تورمی حاکم بر بازار اقتصادی رنج می‌برد. در همین خصوص، حسن قالیباف اصل، مدیرعامل "شرکت بورس" روز ۲۶ مردادماه با بیان اینکه «در حال حاضر تنها در بازار سرمایه وضعیت رکودی حاکم نیست»، گفت که «در سایر بازارها اثر رکود سیاست انقباضی و کمبود نقدینگی قابل مشاهده است». فعالان بازار بورس امیدوار هستند که با سفر چند مقام بلندپایه اروپایی به تهران طی هفته‌های پیش‌رو، وضعیت این بازار تا حدودی از رکود کنونی خارج شود؛ هرچند که پیش‌بینی‌های قبلی در خصوص بهبود شاخص بورس پس از توافق هسته‌ای، به حقیقت تبدیل نشد.

